

دفاع مقدس و ناگفته های آن



گردآوری: علی دوستی

Alidousti7@gmail.com

مقدمه گردآورنده:

بی شک جنگ تحمیلی دست خوش فراز و نشیب های زیادی بوده است که صفحات تاریخ این مرز و بوم را برای همیشه به گونه ای تازه نوشته است. در این مختصر کتابچه، گردآورنده بر آن شده است تا علاوه بر دادن آمارهای موثق از جزئیات عملیاتهای مختلف نظامی، دستاوردها، پیروزی ها و شکست ها، نکات مهم و ناگفته های آنها را هم به شکلی مختصر ارائه دهد. باشد که این تلاش هدیه ای ناچیز باشد به مردمی که قهرمانان اصلی این نبرد بزرگ و سرنوشت ساز بودند.

یاد مردان بزرگ جاودان باد. آن مردان افلاکی همان کسانی که مرگ در راه خدا و وطن را جز رستگاری و جز زیبایی نمی دانستند. درود و سلام همیشگی بر مردان حقی که سنت خدا را دنبال کرده اند و مگر جزء این است که راه آسمان ها از دل کندن از جسم خاکی می گذرد، و چه زیبا تفسیر شده است پروزا عاشقان راه خدا برای رسیدن به معبود. که همانا "شهادت، هنر مردان خداست". که جز از مردان خدا چنین هنری از کس دیگری ساخته نیست.

فهرست :

رد	عنوان
۱	مقدمه
۲	شروع جنگ تجاوز و اشغال
۳	شرایط ایران برای برقراری صلح در روزهای ابتدایی جنگ
۴	آغاز تحرکات نظامی ایران
۶	عملیات فرمانده کل قوا در یک نگاه
۶	عملیات نصر هویزه
۷	عملیات مسلم بن عقیل
۸	عملیات محرم
۹	عملیات والفجر مقدماتی (نخستین تجربه سپاه بعد از سازمان دهی)
۱۰	حملات ایران بر ضد کردهای ضد انقلاب، "عملیات والفجر ۲"
۱۱	عملیات "الفجر ۳" ایران در نزدیکی مهران
۱۲	کربلای ۱ در یک نگاه
۱۳	جنگ در خلیج فارس ادامه می یابد
۱۴	تهدید ایران علیه کشتی رانی نفتی
۱۵	عملیات والفجر ۴
۱۶	عملیات های والفجر ۵-۶ و خیبر
۱۷	تشدید فشار به ایران، شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳، جنگ در سال چهارم
۱۸	جمع بندی (وضعیت بعد از فتح خرمشهر)
۱۹	عملیات طریق القدس نبرد بستان
۲۰	ارزیابی عملیات طریق القدس
۲۱	عملیات مسلم بن عقیل (ع)؛ تدبیری نو در گرفتن امتیاز از دشمن
۲۲	عملیات والفجر ۱۰ (آزاد سازی حلبچه)
۲۳	مرحله اول عملیات والفجر ۱۰
۲۴	مرحله دوم عملیات والفجر ۱۰
۲۵	مرحله سوم عملیات والفجر ۱۰

مرحله چهارم عملیات ولفجر ۱۰	۲۶
مرحله پنجم عملیات ولفجر ۱۰	۲۷
نتایج عملیات ولفجر ۱۰	۲۸
هشتمین سال دفاع مقدس شهریور ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۷	۲۹
عملیات مرصاد در یک نگاه	۳۰
جزئیات بیشتر مرصاد	۳۱
بازتاب و پیامدها مرصاد	۳۲
نگاهی به کمکهای سایر کشورها به عراق	۳۳
پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق	۳۴
بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری	۳۵
سخن پایانی :	۳۶
منابع استفاده شده در تدوین مطلب	۳۷

مقدمه :

جنگ ۸ ساله ایران و عراق که طولانی ترین و پرهزینه ترین درگیری نظامی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه، که دو قدرت جهانی و همسایگانانشان در دوران جنگ سرد در حمایت از یک طرفه جنگ اتفاق نظر داشته اند و مهم تر از همه حل و فصل نهایی شدن این جنگ و امضا نشدن پیمان صلح میان دو کشور و بسیاری مسائل دیگر، سبب شده است، علت، نحوه و نتایج جنگ تا سال های مدید همچنان بحث و بررسی شود.

شکل گیری زمینه ها و مجموعه عواملی که امکان وقوع جنگ را فراهم ساخت، به دلیل ابعاد و نتایج نظامی، سیاسی و حقوقی آن، همواره یکی از جدیدترین موضوعاتی بوده است که از زمان شروع جنگ و پس از آن بحث و بررسی شده و خواهد شد. اهمیت این موضوع به این دلیل است که می تواند به این سوال پاسخ دهد که آیا شروع جنگ اجتناب ناپذیر بود؟ با بیان ساده تر، آیا این امکان وجود داشت که از وقوع جنگ جلوگیری شود؟ طبیعتاً بدون توصیف و تشریح اوضاع حاکم بر ایران انقلابی پس از سقوط رژیم پهلوی و التهاب و نگرانی های موجود درباره نتایج و تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و سپس کالبد شکافی دلایل عراق برای تجاوز به ایران، نمی توان به درک و پاسخ درستی در این زمینه دست یافت.

محققان غربی عموماً بر این باور هستند که انقلاب اسلامی و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در وقوع جنگ داشته است. بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، بنای استراتژیکی امریکا که بر دو ستون ایران و عربستان سعودی پی ریزی شده بود، فرو ریخت. و این مسأله مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد. بدین ترتیب که "موازنه نسبی قوا" که بین ایران و عراق حاکم بود، تغییر کرد و با پیدایش خلاء قدرت در منطقه، موج اسلامی می توانست ثبات منطقه را تهدید جدی کند. در نتیجه اعاده نظم پیشین، لازمه تأمین منافع آمریکا و غرب در منطقه بود.

دریافت موجود در غرب از علل ایجاد جنگ و ماهیت آن، که به اعتباری نشان دهنده نحوه نگرش غربی ها و مفهوم سازی آن ها درباره جنگ، با هدف توضیح و تشریح وقایع آن می باشد، ناظر بر این معناست که انقلاب اسلامی نظم موجود و حاکم بر منطقه و ایران را بر هم زد و نتایج ناشی از این تحول، زمینه های وقوع جنگ را به وجود آورد. در واقع، در غرب جنگ ایران و عراق از زاویه "تجاوز و دفاع" که بیان کننده واقعیات جنگ و مبین دیدگاه و نظریات ایران می باشد، بررسی نمی شود و بیشتر وضعیتی که به جنگ منجر شد، مد نظر می باشد. در این نگرش مفهوم جنگ به عنوان امری نامطلوب پس از جنگ جهانی دوم، در چارچوب "نظریه توسعه و تکامل" بررسی می گردد. به همین دلیل جنگ عاملی بالقوه "مغایر با نظم مطلوب جهان" ارزیابی می شود. بر پایه این مفهوم، غربی ها انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافع غرب (شامل: نفت، ثبات کشورهای مرتجع منطقه، امنیت اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ شوروی)، جنایتی علیه نظم جهانی قلمداد می کنند.

چنین باوری درباره انقلاب اسلامی، مقابله با آن را با استفاده از زور و کلیه ابزار و وسائل لازم، نه تنها ضروری بلکه اجتناب ناپذیر می نمایاند. زیرا مسأله اصلی مفهوم درگیری و جنگ نیست، بلکه در این جنگ هدف اصلی و ضروری، واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران یا "تعدیل و مهار" آن، برای اعاده نظم پیشین بوده است. حضرت آیه الله العظمی خامنه ای - رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) رئیس جمهور وقت ایران با درک روشن از هدف جنگ، در این باره گفت:

"این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد."

در همین زمینه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

"شروع جنگ تحقیقا برای نابودی انقلاب بود و از آن رو که شرقی ها و غربی ها از این انقلاب راضی نبودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیما علیه منافع خود دانست، باید در ایران شرایطی به وجود می آمد که دیگران ناامید شوند و بگویند نمی شود بدون اتکا به شرق و غرب، انقلاب باقی بماند و یکی از اهداف جنگ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند و صدام نقطه تقاطع خطوط افق بود و از آنجا شروع کردند و بر روی ایران فشار آوردند."

جیمز بیل یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه درباره دلیل واقعی جنگ در کتاب خود می نویسد:

"دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود. در این روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس، هدف چندان ناخوشایندی نبود."

عراقی ها در توضیح علل شروع جنگ بر مفهوم حقوقی "پیشگیری" تأکید می کنند و در اظهارات خود بدون آنکه دلایل روشن و درستی را ارائه نمایند، می گویند پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر وضعیتی قرار داشتند که "به جز مقاومت و برخورد با تجاوزگری راهی برای حفظ کشور خود نداشتند." در نهمین کنگره حزب بعث - که برای نخستین بار مباحث آن درباره جنگ ایران و عراق منتشر شد - تأکید می شود که "در برابر رهبران عراق تنها اختیار یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از تجاوزات دشمن و یا اینکه تسلیم شدن به برنامه های امام خمینی (ره)."

در تیر ۱۳۵۹ برابر اعترافات "رکنی"، یکی از عناصر کودتای نوژه، آمریکایی ها درباره تقدم و تأخر کودتا و جنگ به بحث و بررسی پرداختند و اجرای کودتا را در تقدم قرار دادند. زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی به تهاجم نظامی عراق نبود. ضمن اینکه شکست کودتا با توجه به نقش محوری ارتش در اجرای آن، می توانست موقعیت روحی و روانی ارتش را

به طور کامل متزلزل نماید. بنابراین برخی گزارش ها رهبران عراق از ناحیه نیروی هوایی ایران بسیار نگران بوده اند، لذا وقوع کودتا می توانست تا اندازه ای نگرانی عراق را که در اندیشه تجاوز به ایران بود، نیز برطرف سازد.

با شکست کودتای نوژه و فرار عناصر کودتاجی به عراق و تشریح وضعیت نظامی ایران، عراقی ها که از چند ماه قبل برای تجاوز به ایران در آمادگی به سر برده و همزمان با کودتای نوژه نیز در ۲۰ نقطه مرزی درگیری ایجاد کرده بودند، بر نقل و انتقالات خود افزودند و سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری خود را آغاز کردند.

شروع جنگ، تجاوز و اشغال

تجاوز ارتش عراق به ایران با استعداد ۴۸ یگان سازماندهی شده در قالب تیپ ها و لشکرهای زرهی، مکانیزه و پیاده، با برخورداری از ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر صورت گرفت.

مقاومت اندک نیروهای نظامی در برخی خطوط مرزی سبب گردید نیروهای دشمن به سهولت از خطوط مرزی عبور کنند و برخی از شهرهای ایران را محاصره نمایند. اهمیت و جایگاه خوزستان در استراتژی تهاجمی عراق، موجب شد توان اصلی ارتش عراق در این منطقه متمرکز شود. لشکرهای مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق با پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، فاصله ۸۰ کیلومتری مرز تا رودخانه را طی ۴ روز پشت سر گذاشتند. (لشکر ۱۰ عراق در این محور از ۱۳۵۹/۷/۱ تجاوز خود را آغاز کرد و در ساعت ۹ صبح ۵۹/۷/۵ در کنار پل نادری مستقر شد.)

در محور بستان سوسنگرد، لشکر ۹ زرهی در همان خیز اول با اشغال بستان و محاصره سوسنگرد و حمیدیه، به نزدیکی اهواز رسید که با شیخون دلاوران سپاه و بسیج اهواز به فرماندهی شهید "غیور اصلی" اقدام به عقب نشینی کرد. در محور جنوب غربی اهواز لشکر ۵ مکانیزه عراق بعد از تصرف جفیر و پادگان حمید تا منطقه نورد- در ۱۵ کیلومتری جنوب اهواز- پیشروی کرد و سپس از حرکت ایستاد، در محور شلمچه لشکر ۳ زرهی و تیپ نیروی مخصوص برای اشغال آبادان و خرمشهر وارد عمل شدند که بر اثر مقاومت مردم، بسیج و سپاه در خرمشهر تا چهارم آبان (به مدت روز) دشمن نتوانست این شهر را تصرف کند. نیروهای لشکر ۳ در ۱۹ مهرماه در منطقه ای که هیچ گونه مواضع دفاعی در این منطقه وجود نداشت، با عبور از رودخانه کارون عبور کردند و شهر آبادان را به محاصره در آوردند. در مجموع ارتش عراق در این مرحله از بیش از ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران را به اشغال خود در آوردند و در آن مستقر شدند.

نواقص و کاستی های دفاعی ایران، هنگامی که فرماندهی کل قوا برعهده بنی صدر بود، نقش زیادی در سهولت پیشروی نیروهای ارتش عراقی در عمق سرزمین ایران و محاصره و اشغال شهرها داشت. آرایش دفاعی نیروهای ایران به شیوه سنتی (یعنی طبق آئین نامه های رسمی و بدون در نظر گرفتن احتمالات گوناگون انجام گرفته بود). در آرایش نیروها، پوشش مرز در نظر گرفته شده بود، حال آن که باید به صورت متحرک عمل می شد و نیروهای ایران با تمرکز در شمال حسینییه از جبهه

اهواز و خرمشهر دفاع می کردند. بنابراین گسترش عملیاتی و تاکتیکی نظامی ایران دچار نقص بود. معابر مسدود نشده بود و درک روشن اصلی از اهداف عراق وجود نداشت.

"کردن من" دلائل عدم آمادگی جنگی ایران را در "فقدان قرارگاه فرماندهی" در مناطقی که جنگ جریان داشت و "مستقر نبودن" توپخانه و هلی کوپترهای تهاجمی برای کلیه یگان های ارتش در مرز ذکر می کند، و می نویسد:

"ایران هیچگونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت. نزدیک ترین لشکر ایران به منطقه عملیاتی در اهواز مستقر بود که ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر تا صحنه جنگ فاصله داشت." وی سهولت پیشروی نیروهای عراقی را نشانه عدم آمادگی دفاعی ایران دانسته و می نویسد: "در واقع حتی اعلامیه های نظامی عراق نیز نشان می داد که ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی روبرو نشده، بنابراین تمامی شواهد حکایت دارند که این عراق بوده است که با آمادگی کامل و به کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه جانبه ایران علیه ایران سازمان داد، در حالیکه ایران حتی از آمادگی دفاعی کامل برخوردار نبود".

نماینده امام در شورای عالی دفاع، حضرت آیه الله العظمی خامنه ای - رهبر معظم انقلاب اسلامی در تشریح وضعیت دفاعی ایران و ناتوانی در بهره برداری از توان و امکانات موجود گفت: "... از جمله شهرهایی که به شدت تهدید می شد دزفول بود، در حالی که ما آنجا نیرو کم داشتیم و وقتی به فرماندهی ارتش می گفتیم؛ می گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو و تجهیزات هر دو را با هم نداریم. درست هم بود؛ به این معنا که آمادگی لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم ولی از کار افتاده بود و مهمات زیادی داشتیم که این ها از وجودش خبر نداشتند. افراد زیادی هم داشتیم که این ها در پادگانها حضور نداشتند و لذا وضعمان خیلی بد بود."

شرایط ایران برای برقراری صلح در روزهای ابتدایی جنگ :

جمهوری اسلامی با توجه به تردد هیأت های میانجیگری و درخواست هایی که برای برقراری صلح ارائه می شد، شرایط خود را اعلام کرد:

۱ - محکومیت متجاوز

۲ - عقب نشینی نیروهای اشغالگر به مرزهای بین المللی

۳ - پرداخت غرامت

۴ - بازگشت پناهندگان

در وضعیتی که ارتش عراق در مناطق اشغالی مستقر بود، کلیه هیأت های صلح ابتدا از ایران درخواست کردند آتش بس را بپذیرد! حال آنکه ایران "عقب نشینی" و "محکومیت متجاوز" را بر هر اقدام دیگری مقدم می دانست. آنچه که بعدها امام خمینی (ره) بیان کردند، مواضع بر حق ایران را نمایان ساخت. "ایران می گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم هایی که کرده اید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنی ندارد."

رهبری عراق متعاقب "نرسیدن به اهداف نظامی" و "ناکامی در تحمیل صلح به ایران" پس از هفته اول جنگ؛ بیشترین تلاش نظامی خود را روی اشغال شهرهای سوسنگرد، خرمشهر و آبادان، متمرکز کرد. لیکن مقاومت نیروهای مردمی و سپاه و عناصر ژاندارمری و ارتش در سوسنگرد و فرمان امام برای شکستن محاصره شهر آبادان، طرح دشمن را عقیم گذاشت. تداوم مقاومت در خرمشهر توان زیادی از دشمن گرفت و اشغال این شهر با تأخیر، خسارات فراوان برای دشمن به همراه داشت. در این مرحله بیشترین فشار ارتش عراق بر "اشغال آبادان" متمرکز شد. صدام امیدوار بود با این اقدام و تصرف ساحلی شمالی رودخانه اروند، به حداقل اهداف خود مبنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ دست یابد. امام خمینی (ره) با درکی که از ماهیت تلاش های سیاسی - نظامی عراق در مرحله جدید داشتند. فرمان "شکستن حصر آبادان" را در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۹ صادر فرمودند. تشدید مقاومت در آبادان و عقب راندن نیروهای مهاجم عراق از نخلستان های کوی ذوالفقاری آبادان و شکست نیروهای عراقی در عبور از رودخانه بهمن شیر، در واقع استراتژی عراق را در نقطه اصلی آن با شکست مواجه کرد.

آغار تحركات نظامی ایران :

در این مرحله با هدف "آزادسازی مناطق اشغالی" چهار عملیات طرح ریزی و اجرا شد:

- ۱ - عملیات نیروهای ارتش در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در منطقه غرب رودخانه کرخه با هدف آزادسازی این منطقه انجام گرفت ولی تا قبل از ظهر همین روز به دلیل ناکامی، به اتمام رسید و نیروها به مواضع خود عقب نشینی کردند.
- ۲ - در سوم آبان ۱۳۵۹، متعاقب محاصره آبادان، نیروهای ارتش برای شکستن محاصره این شهر عملیاتی اجرا کردند، ولی بنا به دلایلی از جمله "نداشتن اطلاعات کافی و حتی اطلاعات کاذب" با ناکامی روبه رو شدند. پیدایش این وضعیت، توان اجرای عملیات بعدی را در نیروهای ارتش ضعیف کرد.
- ۳ - در پانزدهم دی عملیات "نصر" که بعدها به عملیات هوپزه مشهور شد، در منطقه غرب رودخانه کارون با هدف آزادسازی خرمشهر اجرا شد. این عملیات، به دلیل شهادت تعداد بسیاری از دانشجویان پیرو خط امام که پس از تحویل

گروگان ها، عازم جبهه های نبرد شده بودند، این عملیات انعکاس نسبتا وسیعی در داخل کشور و در صحنه مناقشات سیاسی داشت.

۴ - در بیستم دی عملیات "توکل"، با هدف شکستن محاصره آبادان و آزادسازی خرمشهر انجام شد که نتیجه ای همانند عملیات پیشین داشت.

نتایج سلسله تلاش هایی که در این مرحله انجام گرفت در بعد نظامی سبب گردید تفکر "تهاجم گسترده" به دشمن کنار گذاشته شود. چنان که در کتاب منتشر شده ارتش جمهوری اسلامی ایران آمده است:

"پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل؛ از روز ۲۱ دی وضعیت کل منطقه عملیاتی آبادان- ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاما نیروهای فرماندهی اروند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجددا به حالت نبرد توپخانه بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد و طرفین به تقویت و تحکیم مواضع پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه ماهشهر- آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تک های محدود و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود ۸ ماه ادامه داشت."

پیدایش این وضعیت تا اندازه ای بدیهی بود زیرا آنچه که با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت بر اساس بضاعت و توان فکری و کلیه امکانات نیروهای ارتش به فرماندهی بنی صدر بود. لذا پس از مواجه شدن با ناکامی جز "اندیشه پدافندی" و اجرای "تک های محدود و محلی" راه حل دیگری تصور نمی شد. با گذشت چهار ماه از تجاوز دشمن، نیروهای اشغالگر نیز همچنان در سرزمین های اشغال شده مستقر بودند و از عملیات های انجام شده جز اتلاف وقت و نابودی امکانات موجود- که جایگزینی آن ها عملی نبود- نتیجه ای حاصل نشد.

بنی صدر که با مشاهده پی در پی ناکامی های نظامی، وضعیت سیاسی خود را در مخاطره می دید، با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و چپ های آمریکایی و سایر عناصر و اخورده سیاسی ائتلاف کرد تا آنچه را که در صحنه نظامی نتوانست به دست آورد با "گسترش دامنه مناقشات داخلی" کسب کند. غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران نقطه آغاز مرحله جدید منازعات سیاسی بود. عراقی ها با مشاهده "بن بست نظامی" در جبهه ها و "بحران سیاسی" در داخل کشور، بر صحت ارزیابی و تحلیل خود از ناتوانی نظامی و اوضاع داخلی ایران پافشاری می کردند طوری که اندیشه عملیات آفندی دوباره در آن ها قوت گرفت و در همین جهت ارتش عراق به دنبال اجرای عملیاتی در منطقه آبادان برای اشغال این شهر به صورت کامل بود.

یکی از فرماندهان عراق در این زمینه می گوید: "ما تصور می کردیم که نیروهای ایرانی از انجام یک عملیات دقیق و برنامه ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملا اصرار داشتیم ... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶) در هویزه به دست آوردیم."

عملیاتهای ایران

عملیات فرمانده کل قوا در یک نگاه

عملیات "فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا"؛ زمینه ساز شکست حصر آبادان

مشکل آفرینی ها و کارشکنی های "بنی صدر" آن قدر برای رزمندگان و فرماندهان ایرانی عذاب آور شده بود که پس از برکناری وی از فرماندهی کل قوا، به پیشنهاد و استقبال همه فرماندهان جنگ قرار شد عملیاتی که در جبهه "دارخوین" در حال انجام بود، به علامت رضایت از این کار حضرت امام (ره)، "فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا" نامگذاری شود. نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مدت ۴ ماه بدون سر و صدا و جلب توجه دشمن و در نزدیکی نیروهای عراق، شبانه یک کانال به طول ۱۳۰۰ متر و به شکل "T" حفر کردند که انتهای آن وارد میدان مین در جلوی خاکریز و خط آتش دشمن شده بود. پیشانی این کانال به موازات خط آتش دشمن و به فاصله ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر قرار داشت.

در این حمله، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عمل کننده و ارتش جمهوری اسلامی پشتیبانی و پدافند را به عهده داشتند. قرار بود در ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۰ حمله آغاز شود. ساعت ۱۱ شب، خبر برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا توسط امام خمینی (ره)، از رادیو پخش شد و وضعیت در بهترین حالت ممکن قرار گرفت. این عملیات، خود کلیدی برای باز شدن طلسم محاصره آبادان و آزمایشی برای عملیات بزرگ ثامن الائمه (ع) بود. در این حمله با ۳ کیلومتر پیشروی، مواضع محکم و مهم دشمن در این جناح به تصرف درآمده و دست کم ۳۲ دستگاه تانک و نفربر منهدم، و تعداد ۱۴۹۶ تن از نیروهای دشمن کشته، زخمی و اسیر شدند. در راه بدست آوردن این پیروزی، ۱۲۰ تن از برادران سپاهی به شهادت رسیدند. این عملیات توسط سردار رحیم صفوی و شهید حسن باقری طراحی و اجرا گردید که فرماندهی ۳ محور اصلی آن را شهیدان منصور موحدی - پهلوان نژاد و رضا رضایی بعهده داشتند.

نام عملیات: فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا

زمان اجرا: ۱۳۶۰/۳/۲۱

تلفات دشمن (کشته، زخمی و اسیر): ۱۴۹۶

مکان اجرا: منطقه عمومی دارخوین

ارگان های عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پشتیبانی و پدافند ارتش جمهوری اسلامی

اهداف عملیات: پیشروی در مواضع دشمن، نفوذی و انهدامی

عملیات نصر هویزه

هویزه در جنوب غربی شهر سوسنگرد قرار دارد و از جنوب به پادگان حمید و جفیر و در نهایت، به کوشک و طلائیة ختم می شود که نیروهای عراق در آن جا مستقر هستند. در شرق هویزه، رودخانه کرخه کور قرار دارد که مواضع نیروهای خودی را از مواضع دشمن جدا می کند.

این رود در جنوب غربی حمیدیه از کرخه منشعب می شود و نخست، به سمت جنوب امتداد می یابد و سپس، در شمال بنی تیمیم به سمت غرب تغییر مسیر می دهد و به موازات جاده حمیدیه - سوسنگرد پس از عبور از هویزه، به هور الهویزه می ریزد. به دلیل لایروبی سالانه و ریختن گل و لای این رودخانه در دو طرف آن، عارضه مرتفعی از هویزه تا آبادی اژدک پدید آمده است که در زمین های هموار و مسطح جنوب ارزش نظامی دارد؛ عارضه ای که در جریان

نبردهای این منطقه، از آن استفاده های موثری شد. در غرب هویزه، باتلاق هورالهویزه در امتداد مرز به طول ۷۵ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر گسترده شده است که مانع طبیعی عمده ای برای حرکت نظامی دشمن محسوب می شد. به طوری که نیروی دشمن علی رغم حضور در شرق هویزه، چند ماه پس از آغاز جنگ توانستند به هویزه وارد شوند.

بر اساس طرح عملیات، قرار بود در مراحل مختلف به ترتیب، شمال و جنوب کرخه کور پاک سازی و پادگان حمید و منطقه جفیر آزاد شود، سپس، طلائیة و کوشک در جنوب منطقه عملیاتی و بعد از آن، خرمشهر آزاد شود و پس از آزادسازی کل منطقه خوزستان بنا به دستور، دشمن را در حد فاصل کوشک - شلمچه در خاک عراق تا ارونرود تعقیب کنند و با پاک سازی شرق بصره در کنار این رود استقرار یابند. عملیات با شرکت سه تیپ زرهی ارتش دو گردان و چندین گروهان پیاده از نیروهای سپاه در روز ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ آغاز شد. طبق اعلامیه فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین اهداف مورد نظر، عملیات در دو دوره و هر دوره در دو مرحله با شرکت نیروهای زیر انجام می گرفت: در نخستین دوره، قرار بود تیپ ۳ همدان از لشکر ۱۶ زرهی قزوین به همراه دو گروهان از نیروهای سپاه، از محور ابوحمیظه - سوسنگرد حرکت کرده منطقه شمال رودخانه کرخه کور را پاک سازی کنند و تیپ ۱ قزوین از همان لشکر نیز به همراه دو گردان پیاده از سپاه هویزه حرکت و پس از پاک سازی کرخه کور، با نیروهای تیپ ۳ الحاق کند. در محور دیگر، قرار بود هم زمان لشکر ۹۲ زرهی اهواز با احداث پل روی رودخانه کارون در منطقه فارسیات به کرانه غربی بیاید و با پیشروی خود، جاده اهواز - خرمشهر را برای تردد نیروهای عراقی ناامن کند. طبق طرح، پنج گروهان از نیروهای سپاه در اختیار لشکر ۹۲ قرار داشت.

عملیات هویزه؛ پیروزی اولیه و حماسه بعدی

عملیات نصر (هویزه) پس از پانزده دقیقه اجرای آتش تهیه در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۵ دی ماه سال ۱۳۵۹، با حمله هماهنگ شده تیپ ۳ همدان از محور جاده حمیدیه - سوسنگرد و تیپ ۱ قزوین از جنوب هویزه آغاز شد. تیپ ۳، که حمله خود را از منطقه ابوحمیظه آغاز کرده بود، به سرعت، به سوی مواضع دشمن پیشروی کرد - البته تیپ ۱ قزوین در جنوب هویزه با چنین سرعتی عمل نکرد - و طی دو ساعت به کرخه رسید و توانست با استفاده از پل های احدائی دشمن از رودخانه عبور کند و به کرانه جنوبی کرخه کور برسد. در این محور، طی شش ساعت، نیروهای عمل کننده توانستند مناطق جنوبی کرخه کور را آزاد کنند و ضربات سنگینی را بر نیروهای دشمن وارد آورند. نیروهای عراقی که شدیداً غافلگیر شده بودند، با به جا گذاشتن توپخانه خود به دو کیلومتری جنوب کرخه کور عقب نشینی کردند و حدود هشتصد نفر از افراد آنها به اسارت درآمدند، اما به دلیل تأخیر نیروهای محور کارون در عبور از این رودخانه و برخورد آنها به میدان مین، پادگان حمید و منطقه جفیر، که عقبه دشمن محسوب می شدند و از اهداف مرحله نخست بودند، دست نخورده در اختیار دشمن باقی ماندند. در این حماسه، حدود ۴۱۰ نفر از نیروهای مومن، متعهد، تحصیل کرده و انقلابی سپاه و بسیج، که تعدادی از آنها از دانشجویان پیرو خط امام بودند، به شهادت رسیدند. عده دیگری نیز با تن مجروح و با استفاده از تاریکی شب خود را به نیروهای خودی رساندند تا به عنوان پیام آوران حماسه هویزه رسالت سنگین تری را بردوش بگیرند.

ویژگی های عملیات و حماسه هویزه

(۱) ناهماهنگی هدف و وسیله

(۲) ناهمگونی نیروهای عمل کننده

(۳) جدایی نیروها در عمل

عملیات محدود (گریز از رکود در جنگ)

نخستین اقدام ایران، پس از موفق نبودن عملیات رمضان، جلوگیری از رکود در جبهه ها و آسودگی خاطر دشمن از حملات رزمندگان اسلام بود. از این رو، انجام عملیات های محدود در دستور کار قرار گرفت. زیرا پذیرفتن رکود در جنگ تا عملیات بزرگ بعدی، انفعال در برابر توانایی های نظامی عراق تلقی می شد که در نتیجه، آثار منفی روانی و سیاسی در کشور و جبهه ها بر جای می گذاشت. افزون بر این به دلیل نیاز به ترمیم روحیه جبهه خودی، شکستن ابهت قدرت نظامی دشمن (ناشی از عدم الفتح عملیات رمضان)، و همچنین، ترمیم چهره سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، انجام عملیات موفقیت آمیز لازم بود. جنبه دیگری که در اتخاذ خط مشی عملیات محدود مورد توجه قرار داشت، عدم وجود نیروی کافی

در جبهه، لزوم داشتن زمان برای آموزش بیشتر، کادرسازی و بازسازی یگان ها و تدبیر برای بسیج بیشتر نیروی انسانی بود. همچنین با توجه به وضعیت دشمن، ادامه عملیات در جبهه (حتی به صورت محدود)، موجب خستگی و فرسایش نیروهای عراقی شده و امکان بازسازی را از آنها سلب می کرد.

بنابراین دلایل، قرارگاه های عملیاتی، برخی نقاط مرزی را مورد بررسی قرار دادند و در نهایت، مناطق سومار و عین خوش را برای انجام عملیات های محدود "مسلم بن عقیل" و "محرم" انتخاب کردند.

عملیات مسلم بن عقیل

عملیات "مسلم بن عقیل" در منطقه غرب سومار و در ارتفاعات کیسکه که مشرف بر شهر مندلی عراق است، انجام شد. ارتفاعات کیسکه، سیدک و واروالین مانعی برای ورود به خاک عراق به شمار می رفتند و به همین دلیل، برای دشمن اهمیت خاصی داشتند و ارتش عراق با آگاهی از تحرکات نیروهای خودی در این جبهه، به تقویت این منطقه پرداخت.

عملیات مسلم بن عقیل در مهر ۱۳۶۱ آغاز شد. در این عملیات که قرارگاه نجف اشرف آن را به انجام رساند، ارتفاعات کیسکه، واروالین و چند ارتفاع دیگر تصرف شد و نیروهای خودی ضمن تسلط به دشمن، تشکیل خط دفاعی در پایین ارتفاعات سرکوب را بر آنها تحمیل کردند.

عملیات محرم

عملیات محرم نیز در جنوب شرقی دهلران و در غرب عین خوش، با هدف تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه طرح ریزی شد. اصلی ترین ارتفاع این منطقه جبال حمرین نام دارد. در مرحله اول این عملیات رزمندگان موفق شدند ارتفاعات ۴۰۰، ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی عنبر و موسیان را آزاد کنند و در مراحل دوم و سوم نیز چند هدف دیگر را به تصرف در آوردند. این عملیات در ۱۰ آبان ۱۳۶۱ (حدود یک ماه پس از عملیات مسلم بن عقیل) آغاز شد و در ۱۵ آبان ۱۳۶۱ پایان یافت.

با انجام عملیات محرم، تا اندازه ای جو ناشی از عدم الفتح رمضان در جبهه خودی و دشمن، تغییر کرد و نیروهای خودی نسبت به عملیات های بعدی امیدوارتر شدند. با این حال، شرایط حاکم بر جبهه های جنگ، انجام عملیات بزرگ را طلب می کرد. و برای این منظور، عملیات والفجر مقدماتی در نیمه بهمن ماه در دستور کار قرار گرفت.

مناطق و تأسیسات آزاد شده در عملیات محرم :

- خارج کردن جاده دهلران - عین خوش به طول ۱۰۰ کیلومتر از زیر دید و تیر دشمن.
 - تأمین امنیت شهرهای موسیان، دهلران، و پادگان عین خوش، دشت اژیله و دهکده های اطراف آن.
 - آزاد سازی سلسله جبال حمزین، قله های ۳۹۸،۳۹۰، ۴۰۰، ۲۹۰، ۲۹۸.
 - به خطر انداختن جاده ارتباطی طیب - علی غربی و جاده نظامی بغداد - العماره.
 - آزادسازی منابع نفتی موسیان، بیات و حوضچه های نفتی زبیدات، تلمبه خانه و حدود ۷۰ حلقه چاه نفتی.
 - تأمین قسمتی از مرز به طول ۵۰ کیلومتر.
- وسعت منطقه آزاد شده:
- بیش از ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران آزاد می شود و بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق در نوار مرزی به تصرف رزمندگان اسلام درمی آید.

تجهیزات منهدم شده و غنایم به دست آمده از دشمن در عملیات محرم

- ۲۶۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی.
 - ۲۳۰ دستگاه خودرو.
 - چندین قبضه توپ سبک و سنگین.
 - ده فروند هواپیما.
 - چندین انبار مهمات و انواع سلاح های سبک.
- یگان های منهدم شده دشمن:
- تیپ های ۶۰۶، ۴۱۳، ۵۰۵، ۷۰۳، ۴۲، ۴۲۳.
 - تیپ های ۴۲، ۶۰ و ۱۷ زرهی.

- تیپ ۲۴ مکانیزه.

- گردان ۲ نیروی مخصوص.

- ۵ گردان کماندویی.

- گردان تانک التحریر و گردان تانک صدام.

غنایم:

- بیش از ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی.

- ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلیمتری

- انواع توپ های ضدهوایی و خمپاره انداز.

- بیش از ۲۵۰ دستگاه انواع خودرو.

- چندین موشک انداز مایوتکا.

تعداد کشته و زخمی دشمن:

- بیش از ۷۰۰۰ نفر.

تعداد اسرا:

۳۴۰۰ نفر.

نیروهای عمل کننده سپاه و ارتش

عملیات والفجر مقدماتی (نخستین تجربه سپاه بعد از سازمان دهی)

با اعلام رمز عملیات، حمله رزمندگان آغاز شد. گرچه یگان ها ساعتی قبل حرکت کرده بودند، ولی نتوانستند همزمان، عملیات شکستن خط را آغاز کنند. لذا، بعضی از نیروها در کمین متوقف شده، برخی هم درگیری را آغاز کردند و گروهی نیز هنوز درگیر نشده بودند.

از این رو فرماندهان سپاه تلاش زیادی به عمل آوردند تا این مشکل رفع شود. و بالاخره در پی این تلاش، نیروها توانستند به سختی از برخی موانع عبور کرده و به کانال او برسند. در این هنگام، دشمن به نیروهای در خط خود دستور داد، به پشت جاده آسفالت عقب نشینی کرده و در آنجا خط تشکیل دهند. این اقدام دشمن ناشی از تجربه قبلی در عملیات های گذشته بود. فرماندهان عراقی دریافته بودند که نباید در برابر سیل خروشان نیروهای بسیج مقاومت کرده و تلفات بدهند. آنها نمی خواستند مانع نفوذ نیروهای ایرانی شوند، زیرا قصد داشتند با دور زدن آنها از دو جناح، آنان را منهدم کنند. با وجود این تدبیر دشمن، نیروهای خودی در برخی محورها پیشروی کردند، ولی در محورهای دیگر موفق نشدند از موانع عبور کنند. این وضع موجب شد آنها زمان را از دست بدهند. بر این اساس، فرماندهان در تدبیری مناسب، اجازه ندادند یگان هایی که عملیات شکستن خط را به اتمام رسانده بودند، به پیشروی خود ادامه دهند. این یگان ها موظف شدند در مواضع به دست آمده متوقف شده و با احداث خاکریز، به حفظ آن بپردازند.

عواملی که موجب شد، نیروهای خودی نتوانند هدف های مرحله اول عملیات را به طور کامل تأمین کنند، عبارتند از:

وجود موانع گوناگون شامل میدان های وسیع مین، سیم های خاردار محکم، کانال، مسیر طولانی نقطه رهایی تا مواضع دشمن؛ رمل بودن زمین و کندی حرکت نیروها؛ عدم پاک سازی کامل و عدم الحاق دو جناح؛ تاریکی شب و نبودن نور ماه.

در این میان، موانع دشمن نقش به سزایی در ناکام ماندن عملیات داشتند، به گونه ای که تمام توان نیروها صرف عبور از آنها شد و این موضوع در عملیات های قبلی سابقه نداشت. شاید مناسب باشد که عملیات مرحله اول، "جنگ با موانع" نامگذاری شود.

با وجود این وضع، به دلیل جو خاصی که انجام عملیات در کشور ایجاد کرده بود و نیز امیدواری مسئولان سیاسی کشور و جنگ روانی دشمن، مرحله دوم عملیات نیز در ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ انجام شد. اما این بار نیز به دلیل عدم هماهنگی میان نیروهای عمل کننده، هوشیاری دشمن و تسلط او بر راهکارهای خودی، و همچنین با توجه به لو رفتن عملیات و وجود استحکامات نیرومند دشمن که موجب عدم پیشروی نیروهای خودی شده، قرارگاه خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) به منظور کاهش تلفات خودی، پایان عملیات را اعلام کرد. در این عملیات ۵۰۱ تن از نیروهای خودی شهید، ۷۳۱۳ تن زخمی و ۳۱۱۶ تن مفقود شدند.

موقعیت منطقه عملیاتی والفجر یک

منطقه عملیاتی والفجر ۱، حد فاصل زبیدات تا شیار بجلیه، بر روی ارتفاعات حمزین در داخل خاک عراق و محورهای جنوبی رودخانه دویرج و پاسگاه مرزی پیچ انگیزه و منطقه شرهانی، در شمال فکه قرار گرفته است این منطقه از نظر ویژگی های طبیعی، شامل تپه های نیمه مرتفع (ماهور) است که بخشی از آنها در داخل خاک عراق و بخش دیگر در خاک ایران قرار دارد.

ارتفاعات مهم منطقه عبارتند از: ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۶۵، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۱۲، ۱۰۵. بیشتر این ارتفاعات در منطقه جنوبی و در امتداد جنوب شرقی جبال حمزین واقع هستند و به شکل دهلیز صخره ای دیده می شوند. به عبارت دیگر، بلندی ارتفاعات از غرب رودخانه دویرج به بعد افزایش می یابد تا این که در قسمت بالای آن، دو دهلیز وسیع را تشکیل می دهد؛ به طوری که ارتفاعات مهم منطقه بر روی این دو یال قرار می گیرد. همچنین پس از دشت سمیده، در این قسمت ارتفاعات جبل فوقی به موازات جبال حمزین شروع می شود و پس از آن، آب گرفتگی و باتلاق های هورالهلغل و هورالسناف قرار گرفته است.

ویژگی طبیعی دیگر این منطقه وجود رودخانه فصلی دویرج است. همچنین شیاریهای متعددی در منطقه وجود دارد که مهم ترین آنها بجلیه و سمیده می باشند. شیار سمیده، تپه ۱۶۵، ارتفاعات مثلثی، قله ۱۱۲ و پیچ انگیزه از نقاط استراتژیک منطقه به شمار می روند. در این منطقه، دشمن موانع و استحکامات وسیعی را ایجاد کرده بود که می توان به کمین، میدان مین در پشت رودخانه دویرج - که عمق آنها به بیش از ۴۰ متر می رسید - سیم های خاردار تویی و حلقوی و سپس کانال اشاره کرد.

نتایج عملیات والفجر یک

در این عملیات شمار زیادی از نیروهای دشمن کشته شده و بیش از ۱۰۰ تن از آنها به اسارت درآمدند. همچنین تعدادی از تانک های ارتش عراق منهدم شد.

از نیروهای خودی نیز حدود ۱۰۰۰ تن شهید، و شماری مفقود و ۵۰۰۰ تن مجروح شدند و بیش از ۱۰۰ تن نیز به اسارت در آمدند.

حملات ایران بر ضد کردهای ضد انقلاب، "عملیات والفجر ۲"

این عملیات در منطقه غرب پیرانشهر در حد فاصل ارتفاعات قمطره و تمرچین، به منظور تصرف ارتفاعات سرکوب، تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی و نیز گرفتن اسیر از دشمن انجام شد. موفقیت در این عملیات و دستیابی به هدف های مورد نظر، موجب نظارت بر تردد ضد انقلاب، پشتیبانی و حمایت از کردها و مبارزان مسلمان عراقی، بازداشتن عراق از هر گونه تجاوز به پیرانشهر شده و همچنین، امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق و نیز زمینه نزدیک شدن

به تأسیسات نفتی کرکوک، فراهم می شد. در این عملیات، ۱۶ گردان از سپاه و شش گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند. به دلیل صعب العبور بودن ارتفاعات، هوانیروز نیز بخشی از پشتیبانی عملیات را بر عهده گرفت.

در عملیات والفجر ۲ که ۲۹ تیر ۱۳۶۲ آغاز شد، اوج درگیری رزمندگان با نیروهای دشمن در ارتفاعات ۲۵۱۹ بود، که پس از یک بار دست به دست شدن این ارتفاع، نیروهای خودی با شجاعت و مقاومت خاص و با پشتیبانی هوانیروز توانستند بر تمام ارتفاع مسلط شوند. علاوه بر این، ارتفاع مهم کلو، پادگان حاج عمران و تعداد دیگری از ارتفاعات مهم منطقه به دست رزمندگان اسلام افتاد. تسلط بر شهر چومان مصطفی نتیجه مهم دیگری از این عملیات بود.

در این عملیات، ابتدا تصور می شد شش تا هفت گردان برای انجام آن کافی باشد، اما سماجت دشمن و لزوم غلبه بر آن، بیش از ۲۲ گردان نیرو در این عملیات به کار گرفته شوند

ایران روی نقطه ضعف عراق، یعنی نیروهای انسانی محدود او، فشار می آورد و بغداد را به جنگ فرسایشی می کشاند. در ۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ (دوم تیر ۱۳۶۲)، ایران حمله محدودی در پیرانشهر واقع در جبهه شمالی در خطی به عرض ۳۰ کیلومتر بین سردشت و پیرانشهر انجام داد که نام آن را والفجر ۲ نهاد.

این عملیات با حمله قبلی ارتباط داشت. ایران سپس در نیمه مارس (اواخر اسفند ۱۳۶۱) علیه نیروهای حزب دموکرات کردستان ایران (به رهبری عبدالرحمان قاسم) که طرف دار عراق بودند، حمله کرد. نسبت نیروهای نظامی ایران با پشتیبانی سپاه پاسداران به نیروهای حزب دموکرات نسبت ۴ به ۱ بود همراه با برتری آتش کامل، لذا ایران موفق شد کردها را از نزدیکی سقز - بوکان و مهاباد دور کند و موفقیت های قبلی خود در این نبردها را تکمیل کند.

عملیات والفجر ۲ حمله دیگری را با پشتیبانی حزب دمکرات کردستان عراق علیه نیروهای عراقی در پی داشت. ایرانیان به کمک این حزب در دشت رواندوز نفوذ کردند و نیروهای بسیاری را به این محل آوردند. طبیعت کوهستانی در این منطقه پوشش خوبی برای نیروهای ایرانی فراهم آورده بود که به خوبی از آن بهره می گرفتند. بعدها مشخص شد که عوامل اطلاعاتی نیز اطلاعات خوبی از خطوط دفاعی عراق به دست آورده بودند.

پس از پنج روز درگیری مستمر و موفقیت در مقابله با پاتک های عراق، نیروهای ایران موفق شدند به ۱۶ کیلومتر از عمق خاک عراق دست یابند. این موفقیت با وجود استفاده عراق از گازهای شیمیایی علیه نیروهای کرد، حاصل آمده بود. ایران موفق شد بر حومه حاج عمران (در خط حد سپاه اول) مسلط گردد و مهم ترین ارتفاعات منطقه را نیز تصرف کند، همچنین مواضع توپخانه عراق و ۴۳ روستای کردنشین و مرکز فرماندهی اصلی حزب دموکرات کردستان ایران و بخش اعظم تجهیزات و نیروهای این حزب تسلط یابند.

گرچه منطقه تصرفی در این عملیات دارای اهمیت استراتژیک نبود لیکن باید آن را به عنوان یک شروع

[موفق] برای پایان بخشیدن به فعالیت های کردهای مخالف ایران تلقی کرد. همچنین امام خمینی فرصت آن را یافت تا حضور حکومت در تبعید عراق را در داخل سرزمین های عراقی اعلان کند. ایران توانست از توان کردها علیه صدام استفاده کند. ایران تشکیلات معارض کردی دیگری به نام "اتحادیه میهنی کردستان عراق" به رهبری طالبانی را نیز در اختیار داشت. در نتیجه، گروه های کرد مخالف عراق فعالیت و نبرد خود را بر ضد عراق و ترکیه آغاز کردند.

در واقع اتحادیه میهنی کردستان در مناطق مرزی ایران و ترکیه موفقیت های بسیاری به دست آورده بود تا جایی که ترکیه مجبور به حراست از خط لوله نفتی عراق به ترکیه و جاده کناری آن به وسیله نیروهای ارتش دوم خود گردید و در حالی که برخی کردهای موافق حکومت اقدام به حمایت و نگه داری از این خط می کردند، ترکیه به تمرکز قوای خود در این منطقه و بیرون راندن کردها از برخی روستاها پرداخت. در چنین اوضاعی قرارداد مشترک امنیتی بین عراق و ترکیه به امضاء رسید (اواخر آوریل - اوایل اردیبهشت).

این امر نیروی انسانی بسیاری را برای حکومت عراق فراهم آورد که با کمک آنها می توانست به پاک سازی و مبارزه با کردهای معارض در شمال کشور (عراق) پردازد. ترکیه نیز در ماه های مه، آگوست و سپتامبر (خرداد، شهریور، مهر) حملات مهمی را علیه کردها انجام داد. تأثیر این حملات به حدی بود که طالبانی ناگزیر شد مذاکراتی را با بغداد برای نیل به راه حل میانه ای، آغاز کند که به جای استقلال طلبی، متضمن خودمختاری مناطق کردنشین. طالبانی در دسامبر (آذرماه) قرارداد آتش بس با بغداد را عملاً امضاء کرد.

عملیات "والفجر ۳" ایران در نزدیکی مهران

نگاهی به شهر مهران

شهر مهران، مرکز شهرستان مهران، با مساحتی در حدود ۱۵ کیلومتر مربع در غرب استان ایلام و نزدیک به مرز ایران با عراق قرار دارد.

نام شهر مهران در گذشته «جو چفت» یعنی نهر کج بود. «غلام رضا خان والی» از طایفه ی قجر به نام پسرش ملک منصور، آن را «منصور آباد» نامید. در شهریور ۱۳۱۴ ه.ش به موجب تصویب نامه هیأت وزیران، نام منصور آباد به مهران بدل شد.

فریاد استارک، در سفرنامه ی ایلام نوشته است که این محل در اصل، نام دو طایفه از عشایر ناحیه یعنی سیفی و ملختاوی را بر خود داشته است. شب ها از این شهر، چراغ های شهرهای «بدره» و «زرباطیه» در خاک عراق، پیداست.

دشت مهران از شرق به کوه های بلند کبیر کوه می رسد. در گذشته های دور، سومریان بارها به این منطقه حمله کرده؛ اما هر بار پای کبیر کوه متوقف شده بودند؛ از این رو، دشت مهران از قدیم الایام شاهد جنگ های فراوانی بوده است.

مهران دارای رودخانه های فصلی و دائمی متعددی می باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از: کنجان چم، گاوی، چنگوله، میمه، گدارخوش، سده و تلخاب که از غرب و دامنه ی کبیر کوه سرچشمه گرفته و پس از مشروب ساختن دشت مهران به رودخانه ی دجله در عراق می ریزند.

مهران از شمال به صالح آباد، از شرق به چنگوله و از غرب به نوار مرزی ایران و عراق محدود می شود؛ اما مهران از سمت جنوب به تپه های قلاویزان منتهی می شود. این تپه های زیبا دارای ارتفاعات مهمی است که در سال های جنگ تحمیلی، شاهد صحنه های بسیاری از برخورد رزمندگان ایران در مقابله با دشمن بعثی بوده است؛ از این رو همیشه نام مهران با ارتفاعات مهم قلاویزان، همراه بوده است.

از قدیم، شیعیانی که در خاک ایران زندگی می کردند، سه راه عمده را برای زیارت امام حسین (ع) و رفتن به سمت کربلا برمی گزیدند. یکی از این راه ها که نزدیک تر از بقیه به مرز ایران بوده از شهر مهران می گذشته است. این جاده ی خاکی که از سابقه ی تاریخی قابل توجهی برخوردار است، به «راه کربلا» معروف بود و زائران بسیاری را به حرم مطهر سید الشهداء (ع) رسانده بود؛ از این رو، در زمان جنگ، رزمندگان ما اهمیتی خاص به این قطعه از خاک ایران داشته و جبهه های مهران به نزدیک ترین جبهه ها به کربلا معروف بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهر مهران شاهد یکی از جنگ های مهم قرن اخیر بود. جنگی که هشت سال طول کشید و طی آن چند بار این شهر مرزی به دست نیروهای دشمن افتاد.

در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ هم زمان با شروع جنگ، شهر مهران نیز زیر آتش توپخانه ی ارتش عراق قرار گرفت و با پیش روی نیروهای بعثی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ اشغال شد. درست چند هفته پیش از تهاجم گسترده ی ارتش عراق به خاک ایران، پاسگاه مرزی مهران بر روی مسافران بسته شد و مرزبانان عراقی از ورود ایرانیان به خاک عراق ممانعت کردند.

با به خطر افتادن امنیت منطقه و آتش پر حجم دشمن و هم چنین اشغال شهر مهران و روستاهای اطراف، مردم منطقه که بیش تر از راه دام داری و کشاورزی امرارمعاش می کردند، به شهرها و مناطق دیگر کوچ کرده و از دست دشمن بعثی گریختند. ساختمان ژاندار مری در مرز که چند پرسنل مرزبان داشت نیز بدون درگیری سقوط کرد. عشایر هم توان مقاومت در برابر ارتش تا بن دندان مسلح عراق را نداشتند. نیروهای عراقی پس از اشغال مهران، به سرعت شروع به غارت آن کردند. بعد از چند ساعت، کامیون های نظامی که پر از اثاث خانه ها و اموال مردم بود به طرف عراق به راه افتادند.

بعد از سقوط مهران، همه ی توان ارتش جمهوری اسلامی که تا آن زمان چند یگان خود را به منطقه فرستاده بود، حفظ ارتفاعات مشرف به شهر بود.

دشت مهران از اطراف شمال به وسیله ی تنگه ی استراتژیک کنجان چم که در میان کوه های «کانی سخت» قرار دارد به منطقه ی عمومی استان ایلام وصل می شود. کوه های زالو آب از سلسله جبال کانی سخت به دلیل تسلط بر شمال دشت مهران و فراهم کردن امکان دید و تیر بر تنگه ی کنجان چم و جاده ی مهران - ایلام از جنبه نظامی، دارای اهمیت بسیاری بود؛ هم چنین ارتفاعات قلاویزان به دلیل این که تسلط نظامی نیروهای مستقر در آن را به دشت مهران و چند شهر عراق میسر می کرد اهمیت به سزایی داشت؛ طوری که بیش تر فرماندهان در بحث های خود، از قلاویزان به عنوان کلید منطقه یاد می کردند که البته آن زمان، این ارتفاعات به دست دشمن افتاده بود.

عملیات والفجر ۳ در منطقه مهران، در حد فاصل جنوب کانی سخت تا ارتفاع قلاویزان واقع در شرق مهران انجام شد. منطقه مزبور شامل ارتفاعات زالو آب، نمه کلان بو، پاسگاه دراجی تا فرخ آباد و ارتفاع قلاویزان تا قله ۱۷۵ به دو بخش شمال و جنوب تقسیم شد و در جریان عملیات، ترکیبی از یگان های ارتش و سپاه در قالب دو قرارگاه فرعی فتح ۱ و فتح ۲ و تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان، در این دو بخش مستقر شدند. در این عملیات، ۴ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر، ۱ تیپ، و ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند. استعداد دشمن نیز در این منطقه عبارت بود از ۹ تیپ پیاده، ۲ تیپ زرهی، تیپ ۴ گارد مرزی، تیپ ۴ پیاده کوهستانی، ۴ گردان کماندویی، ۱ گردان مکانیزه، ۱ گردان تانک، ۱ گردان موشک ضدتانک و ۳ گردان توپخانه.

عملیات والفجر ۳ در ۷ مرداد ۱۳۶۲ (۹ روز پس از عملیات والفجر ۲) آغاز شد. در محور فتح ۱، ارتفاع نمه کلان بو و تپه های اطراف آن به سرعت تصرف شد. تیپ ۲۱ امام رضاع) نیز توانست خیلی سریع نیروهای دشمن را در شرق رودخانه کنجانچم منهدم کند. ارتفاعات زالو آب (کله قندی) که از اهمیت بیشتری برخوردار بود، هدف حمله لشکر ۵ نصر قرار گرفت و بخش

هایی از آن تصرف شد، اما قله اصلی آن در دست دشمن باقی ماند. در محور فتح ۲، با آنکه نیروها توانستند در ابتدای حمله موفقیت هایی به دست آورند، اما شکسته نشدن خط در یکی از راه کارها، عملیات الحاق را با مشکل مواجه ساخت لذا نیروها کمی عقب تر از هدف تعیین شده خط دفاعی تشکیل دادند.

جزئیات

عملیات والفجر ۳ در منطقه مهران حد فاصل جنوب کانی سخت تا ارتفاع قلعه آویزان واقع در شرق مهران انجام شد. منطقه مورد نظر شامل ارتفاعات زالو آب، نمکلان بو، پاسگاه دراجی تا فرخ آباد و ارتفاع قلعه آویزان تا قله ۱۷۵ به دو بخش شمال و جنوب تقسیم می شود. و در جریان عملیات، ترکیبی از یگان های ارتش و سپاه در قالب دو قرارگاه فرعی فتح ۱ و ۲ و تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان، در این دو بخش مستقر شدند. در این عملیات، چهار لشکر و دو تیپ از سپاه پاسداران و یک لشکر، یک تیپ و یک گردان از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند.

عملیات والفجر ۳ در ۷ مرداد ۱۳۶۲، (هشت روز پس از عملیات والفجر ۲) آغاز شد. در محور فتح ۱، ارتفاع نمکلان بو و تپه های اطراف آن به سرعت تصرف شد. تیپ ۲۱ امام رضا (ع) نیز توانست خیلی سریع نیروهای دشمن در شرق رودخانه کنجانچم را منهدم کند. ارتفاعات زالو آب (کله قندی) که از اهمیت بیشتری برخوردار بودند، مورد حمله لشکر نصر قرار گرفته و بخش هایی از آن تصرف شد، اما قله اصلی در دست دشمن باقی ماند.

در محور فتح ۲، با آن که نیروها توانستند در ابتدای حمله، موفقیت های را به دست آورند، اما نشکستن خط در یکی از راه کارها، عملیات الحاق را با مشکل مواجه ساخت، لذا نیروها کمی عقب تر از هدف تعیین شده خط دفاعی تشکیل دادند.

عدم تصرف قله اصلی ارتفاع زالو آب و مقاومت عراقی های محاصره شده، دشمن را وادار کرد که تلاش زیادی برای الحاق با این نیروها و شکست کل عملیات به عمل آورد، اما تمام این تلاش ها ناکام ماند و این در حالی بود که دشمن پس از مواجه شدن با حمله از دست مهران، فشار خود را بر منطقه عملیات والفجر ۲ کاهش داد و توان زیادی را برای مقابله با جبهه خودی در این محور به کار گرفت. به ویژه حملات نیروی هوایی عراق فشار بیشتری را به منطقه وارد کرد و به لحاظ عدم وجود دفاع ضد هوایی مؤثر، حتی خودروها بر روی جاده به وسیله هواپیماهای مجهز به مسلسل مورد حمله قرار می گرفتند. جبهه خودی برای کاهش فشار تصمیم گرفت امید دشمن را از امکان الحاق با قله کله قندی قطع نماید. از این رو تصرف ارتفاع مزبور، تثبیت دستاوردهای عملیات را تضمین کرد و عراق به تلاش های خود پایان داد و نیروها به بیشتر هدف های خود دست یافتند.

والفجر ۳ از منظر دیگر

ایران در ۳۰ ژولای (۸ مرداد ۱۳۶۲) عملیات والفجر ۳ را در منطقه ای نزدیک شهر مهران با هدف پاک سازی ارتفاعات مشرف بر این شهر آغاز کرد. عراق در اواخر ژوئن شهر را تخلیه کرده بود اما ارتفاعات اطراف شهر را که بر جاده های مهران - دهلران و ایلام - مهران مسلط بود، همچنان در دست داشت. حمله در خط حد سپاه دوم عراق در طول جاده دهلران - مهران به سمت مرز در نزدیکی سد "یرا" و "دراچی" عراق انجام شد. ایران در این عملیات از طبیعت زمین برای حمایت و پوشش نیروهای خود بهره گرفت. زمین این منطقه صعب العبور در دامنه کوه های ایرانی اختفاء مناسب تری نسبت به دشت های بلند گسترده جنوب برای نیروهای ایرانی فراهم آورده بود.

عراق از نزدیکی عملیات مطلع بود و با نیروهای زرهی و هوایی خود کوشید به تجمع نیروهای ایران - که آماده حمله شده بودند - ضربه مؤثری وارد آورد تا عملیات ملغی گردد، لیکن نیروهای ایرانی (۵۰ هزار تن) در مواضع پدافندی مستحکمی در خطوط جلو مستقر شده بودند و این ضربه نتیجه ای جز بر هم خوردن توازن نیروهای عراقی در آغاز عملیات در بر نداشت.

جنگ به درگیری شدیدی برای تصرف تک تک مواضع تبدیل شد و نبرد تا ۱۰ آگوست (۱۹ مرداد) ادامه یافت. طبق برخی از گزارش ها، عراق از هلی کوپترهای مسلح و راکت اندازها برای انجام حملات شیمیایی بر ضد نیروهای ایران استفاده کرده بود. برخی منابع فرانسوی گفتند که اولین حمله شیمیایی با شکست روبه رو شد چرا که عراقی ها به جهت وزش باد و اوضاع جوی توجهی نکرده بودند و نتیجه گاز سمی در ارتفاع پایین در دره ها و یال های دورتر از منطقه حضور ایرانیان پخش شد. لیکن توانست پاتک های موفقی را اجرا کند. زمین به اندازه ای باز و گسترده نبود که عراق از برتری آتش و قدرت زرهی خود با قابلیت و کارایی بالا بهره گیرد. تأثیر آتش توپخانه و حملات هوایی عراق نیز به دلیل طبیعت زمین بسیار پایین بود.

این عملیات با تلفاتی بالغ بر ۱۷۰۰۰ هزار کشته و مجروح از نیروهای دو طرف، به پایان رسید.

نتایج عملیات والفجر ۳

- آزاد شدن ۶۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی و ۴۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن.

- آزاد سازی جاده ایلام - مهران - دهلران.

- آزاد سازی دشت مهران.

- برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران.

اگر چه این عملیات را نمی توان یک پیروزی عمده به حساب آورد، با این حال شکافی حدود ۱۰ کیلومتر در عمق خطوط عراق ایجاد کرد و ایرانی ها بر منطقه ای به مساحت یک صد کیلومتر مربع در ارتفاعات شرقی مشرف به مهران مسلط شدند. این نبرد ثابت کرد که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب چنانچه زمین مناسبی را برگزینند، قادر به کسب برخی پیروزی ها هستند. عراق در این نبرد متحمل تلفات انسانی معادل ایران شد.

عملیات والفجر ۳ نشان داد که تغییر تاکتیک ایران در به کارگیری امواج انسانی در حملات، نمی تواند مشکلات عمده این کشور را که در گسترش دامنه موفقیت های ابتدایی خود با آن روبه رو بود، حل کند، مگر آن که فرماندهان عراقی دچار اشتباهات مهم شوند. ایران از حمله به مواضع پدافندی بسیار مستحکم عراق به وسیله امواج انسانی دوری گزید و به اجرای عملیات در تعدادی از مناطق ضعیف تر جبهه ها روی آورد و با گروه های کوچک تر به تعداد بیشتری از شکاف ها در طول مرز حمله کرد. اما ایران دارای نیرو و توان فرماندهی و کنترل کافی نبود. به همین دلیل نمی توانست بیش از یک عملیات عمده و اصلی را در آن واحد انجام دهد، ضمن آن که تغییر محل عملیات نیز به کندی صورت می گرفت. معنی این امر آن است که عراقی ها فرصت کافی برای جابه جایی نیروهای احتیاط و انجام دادن پاتک های قوی داشتند. به این ترتیب، حتی اگر ایرانی ها در مراحل اولیه عملیات به پیروزی دست می یافتند، باز هم قادر به استفاده از موفقیت و ادامه عملیات علیه مواضع پدافندی مجهز نبودند. عراق نیز در مناطق حیاتی و استراتژیک، از مواضع پدافندی مجهز بهره می گرفت.

ایران همچنین با مشکلات روزافزونی در تجهیز نیروهای خود به اسلحه و تجهیزات کافی روبه رو بود. ایران حدود ۳۰۰ هزار نیروی نظامی از سرباز و احتیاط در اختیار داشت و به همین میزان نیز نیروهای سپاه پاسداران انقلاب بودند. این نیروهای در قالب سه سپاه (مجموعاً ۲۱ لشکر) سازماندهی شده بودند؛ ۱۲ لشکر زرهی و مکانیزه و تعدادی یگان های نیروی مخصوص هوابرد (هر یگان در حد یک تیپ)؛ ارتش نیز ۸ لشکر داشت.

اطلاعات دقیقی از حجم و سلاح و تجهیزات ایران در دست نیست، ظاهراً ایران نزدیک به یک هزار دستگاه تانک جنگی (حدود ۳۴۰ دستگاه تانک ساخت شوروی و کره شمالی از نوع تی - ۵۴ - تی - ۷۲؛ حدود ۲۰۰ دستگاه تانک چیتن و نزدیک به ۳۰۰ دستگاه تانک های ام - ۴۷، ام - ۴۸ و ام - ۶۰) و در حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دستگاه انواع خودرو زرهی مختلف که بیش تر امدل "پی.ام.پی." بودند در اختیار داشت؛ توپخانه نیز به حدود ۱۰۰۰ قبضه عمده می رسید. بر طبق استانداردهای تسلیحاتی، این حجم از تسلیحات فقط برای تجهیز یک سوم از نیروی ششصد هزار نفری ایران کفایت می کرد. گرچه ایران اقدام به خرید نظامی از کره شمالی می کرد و مقادیر قابل توجهی سلاح و تجهیزات از عراق به غنیمت گرفته بود، اما میزان خسارات وارده به این تجهیزات نیز همانند خسارات انسانی، بالا بود. ایران همچون گذشته گرفتار مشکل در دستگاه پشتیبانی لجستیکی و تأمین نیازمندی های خود بود، مشکلاتی مانند ضعف در پشتیبانی هوایی و نقص در توپخانه خود کشی نیز به وجود داشت که در هنگام "استفاده از موفقیت" و "گسترش عملیات" تأثیر منفی [خود را نشان می داد].

برخلاف ایران، عراق دارای نیرویی در حدود ۵۷۵۰۰۰ تن (یعنی تقریباً معادل نیروی ایران) بود که آنها را در ۴ سپاه اصلی سازماندهی کرده بود (جمعا ۱۵ لشکر شامل ۶ لشکر زرهی، ۴ لشکر مکانیزه، ۶ لشکر پیاده و کوهستانی). عراق از اوایل سال ۱۹۸۱ شروع به تجهیز و افزایش توان گارد ریاست جمهوری کرد و ۱۵ تیپ به نیروی آن افزود. توان جیش شعبی را نیز بهبود بخشید و به ۱۵ تیپ رساند. عراق حدود ۲۵۰۰ تانک اصلی میدان نبرد، ۳۰۰۰ خودرو زرهی شامل تعداد زیادی "پی.ام.پی" و حدود ۱۵۰۰ قبضه توپ در اختیار داشت و پیوسته نیز تسلیحات و مهمات جدید تحویل می گرفت. نیروهای عراقی به سلاح های ضد هوایی فراوانی مجهز شدند تا آن را علیه نیروهای پیاده ایران به کار گیرند. تعداد بسیاری موشک های ضد زره غربی "هوت" و "میلان" در بین نیروهای عراقی پخش شد و سکوهای پرتاب موشک ضد هوایی از نوع شرقی و غربی در اطراف پایگاه ها احداث می شد.

عراق ویژگی دیگری هم داشت و آن، در اختیار داشتن شمار زیادی مراکز آموزش و تأسیسات مربوط به تعلیم نظامی بود. عراق خطوط پدافندی ثابت خود را پیشرفته کرد و قادر بود تا در هر نقطه از جبهه، مناطق لجستیکی و پشتیبانی مجهز و مهندسی ایجاد کند.

ظاهراً امام خمینی و اطرافیان او متوجه این تغییر توازن نشدند و حتی برای کشف آن نکوشیدند. با وجود شکست ایران در دست یابی به اهداف عمده عملیاتی. با این حال این کشور معمولاً قادر به تسلط بر برخی اراضی می شد و حتی در بدترین اوضاع تاکتیکی، در چند قدمی پیروزی و شکستن خطوط اصلی قرار می گرفت. نیروهای عراقی روحیه بالایی از خود نشان می دادند، شیعیان نیز همراهی خود را با حکومت عراق ادامه می دادند، با این حال رهبران ایران معتقد بودند که قادر به انجام دادن حملات موفق بسیاری به وسیله نیروهای پیاده و پاسداران انقلاب هستند و این روش می توانست با تکیه بر بدی اوضاع اقتصادی عراق و تقسیم بندی های داخلی و ناتوانی این کشور در تحمل خسارت، نهایتاً پدافند عراق را متزلزل سازد.

خسارات سنگینی که ایران در شش ماه اول سال ۱۹۸۳ متحمل شد، منجر به آن گردید که امام خمینی، روحانیان و نمایندگان مذهبی را از دخالت در عملیات نظامی جبهه ها باز دارد. امام خمینی کوشید تا در سخنرانی ها بسیار به ارتش اطمینان دهد که به اندازه سپاه پاسداران انقلاب به آن اهتمام خواهد شد. فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب همچنان به بزرگ نمایی نقاط ضعف عراق می پرداختند، درست همانند صدام که در آغاز جنگ درباره نقاط ضعف ایران مبالغه می کرد. فرماندهان سپاه پاسداران و روحانیان دارای چنین قدرتی بودند که مانع از ایجاد یک فرماندهی کل قوا به صورت قوی شوند. آن ها به جای استراتژی و تاکتیک، بیشتر روی انگیزه های مذهبی جنگ تأکید داشتند.

کربلای ۱ در یک نگاه

عملیات کربلای ۱؛ آزادی مهران

تصرف شهر فاو به دست قوای ایرانی و پیروزی هایی که رزمندگان در این منطقه حساس به دست آوردند، عراق را بیش از پیش در موضع ضعف قرار داد. کمک های بی دریغ کشورهای عربی و همچنین غرب هم نتوانست شکست سنگین سردمداران رژیم بعث را توجیه و افکار عمومی مردم عراق را راضی نگه دارد. از این رو عراق که در هر سال با عملیاتی گسترده از سوی رزمندگان ایرانی مواجه می شد، تصمیم گرفت تا استراتژی دفاعی خود را تغییر داده و برای مقابله با عملیات ایران، روشی جدید را اختیار کند. این تصمیم که حاصل جلسات مختلف فرماندهان بلند پایه با رییس حکومت عراق بود "استراتژی دفاع متحرک" نام گرفت و صدام خود فرماندهی این طرح را عهده دار شد. دشمن در نخستین اقدام خود تحرکاتی را در مناطق مختلف انجام داد که تصرف و اشغال دوباره شهر مهران و ارتفاعات مشرف بر این منطقه از آن جمله بود.

مهران که در نوار مرزی بین دو کشور جزو جبهه میانی به حساب می آمد، نه تنها در آن زمان - که از دیرباز و حتی قبل از شروع جنگ - صحنه مناقشات مرزی و درگیری های پراکنده بود. با توجه به اینکه بیشتر نیروهای سپاه پاسداران در فاو درگیر بودند، و حفاظت و دفاع مهران به عهده ارتش بود. عراق در یک حرکت حساب شده دروازه های مهران را گشود و روستاهای اطراف آن را به تصرف خود درآورد. صدام حسین این اقدام عراق را در ازای از دست دادن فاو، مهم برشمرد. آخرین عملیات رزمندگان ایرانی در این منطقه در زمان والفجر ۳ انجام شده و پس از بازپس گیری مهران در آن عملیات، دیگر اتفاق مهمی در منطقه رخ نداده بود. در مقابل وضعیت یاد شده، ضرورت آزادسازی مهران اجتناب ناپذیر بود، چرا که حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) فرمانده کل قوا بر آزادی این شهر مهم تاکید فرموده بودند. بر این اساس و به منظور آزادسازی شهر مهران، مقدمات کار از جمله شناسایی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، آغاز و عملیات کربلای یک براساس ۳ مرحله طراحی گردید:

مرحله نخست: تأمین ارتفاعات قلاویزان ایران تا روستای امامزاده حسن

مرحله دوم: تأمین ارتفاعات جبل همدین تا شیارمیک سوخته و در امتداد آن روستاهای بهین، بهروزان و هرمزآباد.

مرحله سوم: تصرف خاکریز والفجر ۳ از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلاویزان و تأمین شهر مهران.

در ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه مورخ ۱۰ تیرماه ۱۳۶۵ عملیات آزادسازی مهران با عنوان "کربلای ۱" و با رمز "یا ابوالفضل العباس (ع) ادرکنی" آغاز شد. ۲۴ ساعت پیش از شروع عملیات، دو گردان از رزمندگان ایرانی جهت دور زدن و غافلگیر کردن دشمن از سمت قلاویزان حرکت کرده بودند. همزمان با حرکت این نیروها، طوفان نسبتاً شدیدی همراه با گرد و غبار

سطح منطقه عملیات و عقبه های خودی را پوشاند و این وضعیت درست در زمانی بود که یگان های خودی آماده می شدند تا عملیات خود را آغاز کنند. با توجه به اینکه دشمن در روز اول عملیات با وارد کردن نیروهای احتیاط خود، با لشکرهای عمل کننده درگیر شده بود، اما هیچ حرکت قوی حساب شده ای - اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه - از دشمن مشاهده نمی شد و این وضعیت برای عموم فرماندهان عملیات غیر منتظره بود.

عملیات موفق کربلای ۱ پایانی بر استراتژی دفاع متحرک عراق و نیز نقطه شروع امیدوار کننده ای برای نیروهای خودی بود. منفعل کردن سیاست تهاجمی عراق، هدفی عمده بود که نیروهای خودی بخوبی توانستند در این عملیات به آن دست یابند و ضمن آن به همه اهداف نظامی پیش بینی شده نیز برسند. ده روز جنگ و مقاومت در مهران منجر به آزادسازی ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک خودی عراق شد و ۸ روستا و ارتفاعات قلاویزان و دو پاسگاه مرزی به دست رزمندگان اسلام افتاد. علاوه بر مناطق اشغال شده توسط دشمن رزمندگان از موانع و استحکامات خط دشمن نیز که در والفجر ۳ آزاد نشده بود عبور نموده و ارتفاعات قلاویزان را آزاد کردند.

همچنین عقبه های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در معرض دید و تیر نیروهای خودی قرار گرفت و در مجموع ۲۲۰ کیلومتر مربع از زمین های تحت اشغال دشمن آزاد شد.

در این عملیات ۱۱۰ دستگاه تانک و نفربر، صدها دستگاه خودرو، چندین انبار بزرگ مهمات و مقدار زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین دشمن منهدم گردید. در کنار این خسارات، ده ها تیپ از یگان های ارتش عراق از میان رفت و بیش از ۱۰۴۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شده یا به اسارت نیروهای خودی درآمدند همچنین ۷۳ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو نظامی، ۹۰ قبضه خمپاره انداز، ۲۰ قبضه آتشبار ضد هوایی، ۱۰ دستگاه خودرو مهندسی و هزاران قبضه سلاح سبک و نیمه سنگین به غنیمت گرفته شد.

در این عملیات شهید سیدرضا دستواره به شهادت رسید.

نام عملیات: کربلای ۱

زمان اجرا: ۱۳۶۵/۴/۱۰

مدت اجرا: ۱۰ روز

تلفات دشمن (کشته، زخمی و اسیر): ۱۰۴۰۰

رمز عملیات: یا ابوالفضل العباس (ع)

مکان اجرا: منطقه عملیاتی دشت مهران - جبهه میانی جنگ

ارگان های عمل کننده: رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اهداف عملیات: بازپس گیری دوباره شهر مهران و ارتفاعات مرزی منطقه و سرکوب و منفعل کردن دشمن

شناسنامه عملیات

نام عملیات: کربلای ۱

رمز عملیات: "یا ابوالفضل العباس (ع)"

منطقه عملیات: جبهه میانی - مهران

تاریخ عملیات: ۱۳۶۵/۴/۱۰

نوع عملیات: گسترده

هدف: آزاد سازی شهر مهران و ارتفاعات مهران

فرماندهی عملیات: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

استعداد نیروهای درگیر خودی: ۳۴ گردان پیاده، ۴ گردان زرهی، ۹ گردان ادوات و ۶ گردان توپخانه

استعداد نیروهای درگیر دشمن: ۵۲ گردان پیاده، ۷ گردان زرهی، ۵ گردان مکانیزه، ۲۳ گردان کماندو، ۲۴ گردان کارد جمهوری و ۱۵ گردان توپخانه

تلفات دشمن: (کشته، زخمی و اسیر): ۱۰۴۰۰

خسارات دشمن: انهدام ۱۱۰ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی ادوات و خودرو

غنایم: ۶۹ دستگاه تانک و نفربر، ۸ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۶۱ قبضه ادوات و ۶۴ خودرو

نتایج: آزادسازی شهر مهران، ۸ روستای منطقه، پاسگاه دراجی و سلسله ارتفاعات قلاویزان به ویژه قله ۲۲۳

در مجموع منطقه ای به وسعت ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک ایران و عراق آزاد شد.

نتایج عملیات کربلا ۱

ده روز جنگ و مقاومت در مهران به آزادی بخش وسیعی از خاک خودی و دشمن، آزادسازی جاده دهلران - مهران - ایلام، شهر مهران و بیش از ۸ روستای آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلعه آویزان و حمیرین، به ویژه بلندترین قله منطقه (۲۲۳) و دو پاسگاه مرزی منجر شد. هم چنین، عقبه های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای اسلام قرار گرفت. آمار تلفات و ضایعات خودی و دشمن و دیگر آمارها و نتایج مربوطه در ادامه می آید. در مجموع، حدود هفتصد شهید و ۴۵۰۰ مجروح بوده است که تعدادی به شرح جدولی که در صفحه بعد درج شده تا روز ۶۵/۴/۱۶ تفکیک شد. از این رو، طبیعی است که آمار تفکیکی هر یک از یگان ها بیشتر از مندرجات این جدول باشد. (در گزارش های تفصیلی آتی به طور مشروح خواهد آمد). لازم است یادآوری شود کلیه یگان هایی که بیش از ۷۰٪ منهدم شده اند از خط مقدم خارج گردیده اند.

جنگ در خلیج فارس ادامه می یابد

عملیات والفجر ۳ تأثیر استراتژی دیگری بر جنگ گذاشت و اوضاعی را که در اواخر سال ۱۹۸۰ برای اجرای آتش بس در خلیج فارس به وجود آمده بود، از بین برد. (۴) رهبران عراق تصمیم گرفتند که دامنه جنگ را گسترش دهند و به کشتی ها و نفت کش ها و ناوگان حمل نفت در خلیج فارس به مقصد یا مبدأ ایران، حمله کنند. عراقی ها اهداف خاصی از این عمل داشتند؛ به اعتقاد آنان "جنگ نفت کش ها" - آنگونه که بعدها به وسیله کارشناسان نام گذاری شد - موجب افزایش مشکلات ایران در امر واردات سلاح و مواد مورد نیاز مردم می شد. بنابراین به زدن نفت کش ها و تأسیسات نفتی ایران پرداختند. به زودی روشن شد که این اقدام ضربه ای شکننده به اقتصاد ایران وارد آورده است، بی آن که احتمال مقابله به مثل ایران در بمباران شهرهای عراق وجود داشته باشد. عراق همچنین بر این باور بود که تأسیسات نفتی اش کم تر در معرض حملات ایرانیان قرار خواهد داشت. پس از گذشت مدت کوتاهی از آغاز جنگ، هر دو کشور به فکر صدور نفت خود از طریق ترکیه افتادند. عراق به طور جدی به فکر اتصال خطوط نفتی خود به خط لوله نفتی عربستان (منتهی به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ) و احداث خط لوله جدیدی از راه خاک اردن به بندر عقبه (با استفاده از تلمبه خانه امان) افتاد.

بنابراین عراق می توانست که برنامه های خود را بر اساس صادرات نفت معادل ایران در سال های معدود بعد تنظیم کند. در نهایت عراق دریافت که بدون گسترش دامنه جنگ نمی تواند حمایت بین المللی لازم را برای تحقق صلح کسب کند، لذا برخی از مسؤولان این کشور، ابرقدرت ها را متهم به ادامه جنگ برای تضعیف هر دو کشور ایران و عراق کردند. اما ظاهراً

رهبران هر دو کشور اهداف دیگری در سر می پروراندند. گسترش دامنه جنگ به معنای حضور دولت های جنوب خلیج فارس و دولت های اروپایی وارد کننده نفت، در جنگ بود. همچنین روشن بود که واکنش ایران نیز شدید خواهد بود و این کشور به تروریسم متوسل خواهد شد.

به این ترتیب نظر عراق و محاسبات صدام حسین در مورد ناتوانی ایران در تعامل سیاسی با سایر کشورها درست از آب درآمد.

تهدید ایران علیه کشتی رانی نفتی

طارق عزیز در اول ژولای تهدید کرد که اگر ایران دست از حمله به عراق بردارد، عراق به اهداف اقتصادی ایران حمله خواهد کرد. این تهدید عراق در پی تهدیدات قبلی این کشور مبنی بر استفاده از سلاح های جدید در جنگ نفت، اعلام شد، اما این تهدید عملی و جدی بود، چرا که عراق به موشک های هوا به سطح "آگروست" فرانسوی دست یافته بود، لیکن در آن زمان این موشک ها را فقط از هلی کوپترهای کوتاه برد می توانست شلیک کند و این به معنای آن بود که اهداف موجود در شرق بند امام خمینی از برد موشک ها خارج بود. همچنین عراق وسایل لازم را برای شلیک این موشک ها به اهدافی دور از سواحل ایران در اختیار نداشت. در ژانویه ۱۹۸۳ (دی ماه ۱۳۶۲) فرانسه موافقت کرد که هواپیماهای "سوپراتاندارد" را به عراق بدهد. با آن که برد عملیاتی این هواپیماها حدود ۳۶۰ تا ۳۸۰ مایل دریایی بود و امکان رسیدن به اهداف دریایی در جنوب خلیج فارس را نداشت، لیکن عراق قدرت تهدید صادرات نفتی ایران را می یافت و می توانست نفت کش های نزدیک به جزیره خارک را هدف قرار دهد. در ۱۲ آگوست ۱۹۸۳ (۲۱ مرداد ۱۳۶۲) عراق با اعلام منطقه ممنوعه، کشتی های خارجی را از ورود به آب های سرزمینی ایران در شمال خلیج فارس و اطراف جزیره خارک برحذر داشت. ایران روزانه ۲ میلیون بشکه نفت از این جزیره صادر می کرد و ناچار شد از کشتی های خارجی حمایت کند و ناوهای جنگی مسلح به موشک های سطح به سطح برای مراقبت آنها در نزدیک جزیره خارک اختصاص دهد.

در اوایل امر، عراق فقط حملات معدودی را علیه کشتی ها انجام می داد، سپس دست به حملات شدید و متمرکز علیه جزیره خارک زد تا کشتی های خارجی را از نزدیک شدن به اسکله ها برای بارگیری نفت بترساند. با این حال، این اقدام تأثیری بر فرماندهان ایرانی نداشت. همچنین رفت و آمد اکثر ناوگان های بین المللی تحت تأثیر قرار نگرفت. در عوض ایران کوشید تا با اعمال فشار بر فرانسه، از واگذاری هواپیماهای جدید به عراق ممانعت کند.

اوج گیری تهدیدات

با وجود مخالفت ها و اعتراضات ایران، در اواخر سپتامبر ۱۹۸۳ (اوایل مهر ۱۳۶۲) عراق هواپیماهای سوپراتاندارد را از فرانسه تحویل گرفت و در ۹ اکتبر ورود آنها را اعلام کرد. چنان که انتظار می رفت، کاربرد این هواپیماها اوضاع را به نفع عراق تغییر داد. عراق عملاً استفاده از این هواپیماها را در مارس ۱۹۸۴ (اسفند ۱۳۶۳) آغاز کرد، ولی نتوانست برای فهماندن جدیت خود به ایرانیان، به میزان لازم نفت کش ها را تخریب کند. در واقع از زمانی که عراق هواپیماها را تحویل گرفت تا زمانی که شروع به استفاده انبوه از موشک و گازهای جنگی (سمی) کرد، نیروی کافی و توان لازم را در عملیات های خود به کار نگرفت تا جنگ را از حالت فرسایشی خارج کند و به تأثیر استراتژیک برساند. اضافه بر این باید گفت که صدام حسین و فرماندهانش در به کارگیری این سلاح جدید و تکنولوژی نو دچار خطاها و اشتباه هایی شدند و نتوانستند دشمن خود را با نیروی مؤثر تازه ای مواجه سازند تا مجبور به پذیرش آتش بس شود. همچنین عراق تصمیم ایران را در ادامه دادن به جنگ و تشدید آن نادیده گرفت یا درک نکرد، در نتیجه، افزایش محدود عملیات و واکنش های تدریجی عراق با شکست روبه رو شد.

حتی ایران در این اقدام عراق آثار ضعف - و نه قدرت - را مشاهده کرد، بنابراین تأثیر سلاح جدید به سرعت پس از پایان حملات هوایی عراق با تعداد محدودی هواپیما، از بین رفت و نتایج به دست آمده واقعا اندک بود.

با این همه، عراق به درستی اعتقاد داشت که جنگ نفت کش ها، دولت های جنوبی خلیج فارس و ابرقدرت ها را به دایره جنگ می کشاند و با وجود مخالفت های ظاهری شوروی و غرب با گسترش دامنه جنگ، جنگ نفت کش ها موفق بود. در حالی که قیمت نفت نسبتاً افزایش یافته بود اما تولید نفت بیش از تقاضا [ای جهانی] بود. از طرفی ایران موجبات خشم شوروی را فراهم کرده بود (۱) و دولت های مهم عرب نیز منافع مالی و استراتژیک خاصی در حمایت و پشتیبانی از عراق داشتند. آمریکا هم از پیروزی ایران و تأثیر آن بر ثبات منطقه خلیج فارس بیش از تأثیر عراق بر جریان نفت می هراسید و همچنین ایران در بین دولت مردان آمریکایی مورد غضب بود.

فرانسه غیر از منافع اقتصادی مهم، منافع استراتژیکی در ادامه حکومت غیر دینی [لائیک] عراق داشت. (۲) خریدهای نظامی عراق از سپتامبر ۱۹۸۰ (مرداد ۱۳۵۹ ه.ش) به ۵/۶ میلیارد دلار رسیده بود. سایر خریدهای غیر نظامی عراق نیز در حدود ۴/۷ میلیارد دلار بود. ارزش قراردادهای فرانسه و عراق به حداقل ۷ میلیارد دلار می رسید و این موضوع برای فرانسه غیر قابل چشم پوشی بود، لذا فرانسه نیز در کنار عراق قرار گرفت.

در توان ایران نبود که جنگ را گسترش دهد و آن را به کشورهای جنوب خلیج فارس بکشاند و تنگه هرمز را ببندد، لیکن رفسنجانی به کارگیری موشک های ضد کشتی و توپ های ۱۲۰ میلی متری مستقر در جزایر ایرانی و مین های دریایی را برای انجام دادن واکنش و مقابله به مثل. ادامه داد. ایران گروه های کوچکی از سپاه پاسداران و فداییان (۳) را به جزایر موجود در تنگه هرمز اعزام کرد و توپخانه و پدافند هوایی جزایر تنب کوچک و بزرگ و غیره را افزایش داد.

آمریکا نیز در پاسخ، نیروی دریایی خود را در خلیج فارس تقویت کرد و هشدار داد که واشنگتن هرگز اجازه بستن تنگه را به ایران نخواهد داد. فرانسه نیز با تسریع در ارسال سلاح به عراق موافقت کرد و شوروی هم به میزان پشتیبانی خود از عراق افزود.

طراحان آمریکایی به این نتیجه رسیدند که قادرند ظرف چند روز تلاش های ایران را برای بستن تنگه هرمز و جلوگیری از جریان نفت خنثی کنند و طرح خود در این زمینه بر اساس چهار محور اصلی بنا کردند:

۱. توان عملیاتی نیروی هوایی ایران اندک است. ۲. اکثر موشک های ضد هوایی و ضد کشتی آمریکایی که در اختیار ایران قرار دارد، دارای قدرت محدودی هستند. - به آسانی و به سرعت امکان خاموش کردن توپخانه ایران در اطراف تنگه وجود دارد. ۳. تنگه وسیع و عمیق است و جریان آب در آن قوی است و بستن آن کاری مشکل است. ۴. اما واقعیت های پس از آن، روشن ساخت که در محاسبات آمریکایی ها اعتنایی به موشک ها جدید ایران که از سایر کشورهای تهیه می کرد، نشده بود و خطر مین گذاری وسیع و ضد حملات ایران علیه کشتی ها در خلیج فارس مورد توجه قرار نگرفته بود. (۴)

پی نوشت:

۱- احتمالاً دستگیری سران حزب توده ایران (وابسته به شوروی) و انحلال این حزب، عامل خشم شوروی بوده است. (م)

۲- نویسنده در مقدمه همین کتاب ضمن ابراز تأسف از اظهارات سرد کردزمن که جنگ ایران و عراق را جنگ بین دو "نظام اسلامی و لائیک" خوانده بود. نوشته است: "او به شدت در این امر در اشتباه است. چرا که جنگ مزبور بین نظام لائیک و نظام اسلامی نبود، بلکه تنها می توان گفت که این جنگی بود بین فارس و عرب که تاریخ آن به صدها سال پیش بازمی گردد." اما در این فصل، خود به این موضوع اعتراف می کند که "فرانسه منافع استراتژیکی در ادامه حکومت لائیک در عراق داشته است." (م)

۳- منظور بسیجیان جان بر کف است که با سازماندهی سپاه پاسداران در نبردهای دریایی شرکت می کردند. (م)

۴- متأسفانه نویسنده در اینجا و اکثر بخش های کتاب، منابع مورد استفاده خود را معرفی نکرده است، به همین دلیل روشن نیست که این اطلاعات بر چه پایه و اساسی ذکر شده است. (م)

عملیات والفجر ۴

در پاسخ به جنگ نفت کش ها، ایران به سرعت ثابت کرد که قصد توقف حملات زمینی را ندارد. در ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) نیروهای ایران از منطقه مریوان، (۲) چهارمین حمله سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲-۱۳۶۱) را در نزدیک پنجویں اجرا کردند. این حمله در بخش ایرانی کردستان، در شرق سلیمانیه در جبهه ای به طول ۱۳۰ کیلومتر بین مریوان و سردشت (۳) انجام شد. دو یا سه لشکر ایرانی (برخی نیروهای عرقی گفته اند لشکر زرهی ۱۲ و ۲۴ (۴) و گروهی از عناصر سپاه پاسداران) به اضافه نیروهای کرد (تابع حزب دموکرات کردستان عراق) و سایر گروه های معارض عراق در این حمله شرکت داشتند.

هدف این عملیات، بستن دو معبر کوهستانی بود - که نیروهای عراقی از طریق آنها به کردهای مخالف ایران کمک می کردند - و تصرف برخی مواضع عراق در دره پنجویں و حومه پنجویں و گرمک و تعدادی روستاهای کردستان عراق. این مواضع در فاصله ۱۴۴ کیلومتری چاه های نفت کرکوک و ۴ کیلومتری سلیمانیه قرار داشت. ایران مدعی بود که این عملیات را به هدف دور ساختن توپخانه عراق از شهرهای بانه و مریوان، (۵) و علیه کردهای ضد انقلاب و موافق عراق انجام داده است. اما عراق اعلام کرد که حمله به سمت چاه های نفت کرکوک صورت گرفت و قصد جداسازی مناطق کردنشین را داشته است. عراق در پاسخ، حملات موشکی جدیدی علیه شهرهای جنوبی ایران (دزفول، مسجد سلیمان، بندر امام خمینی) انجام داد. ظاهراً عراق در ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر) و ۲۵ اکتبر (۳ آبان) از گازهای سمی استفاده کرده و آن را به وسیله هلی کوپترهای می - ۸ و جنگنده های روسی به کار برده، اما این اخبار تأیید نشده است.

نیروهای ایران طبق عادت، داخل مواضع اولیه عراقی ها نفوذ کردند و شبانه حمله را انجام دادند. در این عملیات ایران بیش از ۱۲ حمله اصلی و فرعی در جبهه ای با وسعت کافی انجام داد تا از سرعت تجمع نیروهای عراق بکاهد.

ایران از طبیعت کوهستانی زمین استفاده کرد و نیروهای پیاده خود را برای حمله به اهداف مورد نظر به کار گرفت. پیروزی اولیه ایران روشن ساخت که استفاده صحیح از بسیجیان برای حمله به سنگرهای تیربار یا عبور از میدان های مین، یک روش نظامی درست است، البته در صورتی که حمله روی اهداف قابل حصول و برگزیده صورت گیرد و تسلط بر آن ممکن باشد. عراق اقدام به پاتک کرد و هواپیماهایش ۱۲۲ پرواز در روز با جنگنده بمب افکن ها و هلی کوپترهای مسلح انجام دادند، لیکن موفق به جلوگیری از پیشروی ایران نشدند. ایران با به کارگیری امواج انسانی موفق شد تا با ثبات و آرامش ۱۵ کیلومتر در دره پنجویں پیشروی کند و بر ۵ اردوگاه کردها مسلط شود.

نیروهای ایرانی، مرحله دوم عملیات را در ۲۵ اکتبر (۳ آبان) آغاز کردند و نیروهای عراقی ناچار تا مواضع خارج از پنجویں عقب رفتند. با فرارسیدن ۳۱ اکتبر (۹ آبان)، ایرانی ها ۱۱۰ کیلومتر مربع از اراضی خود را بازپس گرفته بودند. ایران مدعی بود که تعداد کثیری از عناصر تیپ ۴۹ زرهی عراق و سایر عناصر سپاه اول را از بین برده است و در مجموع، کشته ها را ۲۵۰۰ تن اعلام کرد. عراق نیز مدعی کشته شدن ۵۰۰۰ سرباز ایرانی بود.

در چهارم نوامبر (۱۳ آبان) ایران از سومین مرحله عملیات خود را آغاز کرد و با نفوذ به کوه ها و تپه های مشرف بر پنجوین، موفق به تسلط بر این شهر شد. عراق نیز اقدام به اعزام نیروهای تقویتی به منطقه کرد و برخی عناصر گارد ریاست جمهوری را به پنجوین فرستاد. ایرانی ها در تلاش برای ورود به شهر متحمل خسارات فراوانی شدند و نبرد در روز ۹ نوامبر (۱۸ آبان) متوقف شد. اما ایران برای حفظ دست آوردهای خود در این عملیات، در روز ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) به کوهستان های عراق حمله کرد و سپاه اول عراق نیز موفق به ایجاد مواضع دفاعی مناسب گردید.

می توان گفت که ایران بار دیگر در گسترش و افزایش موفقیت های اولیه خود دچار شکست شد و به جای آن که عملیات نفوذ و پیشروی را در طول جبهه ای وسیع ادامه دهد و نیروهای عراقی را با زنجیره ای از ضربات سنجیده به ستوه آورد، به مواضع پدافندی مستحکم حمله کرد و در نتیجه، خسارات سنگینی متحمل گردید. ظاهراً عراق از گازهای جنگی (رسمی) برای جلوگیری از برخی حملات ایران استفاده کرده است و کاربرد این گازها نسبت به سایر موارد موفق تر بوده است. ایران اعلام کرد که چند هزار تن از نیروهایش بر اثر استفاده عراق از گازهای شیمیایی مجروح شده اند.

در پایان نوامبر (۹ آذر)، نتیجه نهایی نبردی که بیش از یک ماه به طول انجامید این بود که ایران موفق شد در عمق ۲۰-۲۵ کیلومتری کوهستان های عراق نفوذ کند و مساحتی حدود ۱۳۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع از اراضی عراق را به تصرف در آورد. نیروهای عراقی نیز در فاصله ۲ کیلومتری پنجوین مستقر شدند و کنترل ارتفاعات "شیلر" را به دست گرفتند. به این ترتیب نیروهای ایران در فاصله ۱۲۰-۱۳۰ کیلومتری خط لوله نفتی عراق که از کرکوک به ترکیه می رفت، قرار گرفتند. ایران در عملیات ۴۰۰ تانک و زره پوش، ۲۰ قبضه توپ صحرایی، ۲۰ قبضه توپ ضد هوایی و تعدادی آتشبار موشک های ضد هوایی و مقادیر فراوانی مهمات و ذخایر را منهدم ساخت. همچنین ۱۸۰۰ عراقی اسیر شدند و ۳۳ هزار مین نیز به دست نیروهای ایرانی افتاد. با همه این احوال، این نبرد شکستی اساسی در نیروهای عراقی به وجود نیاورد، حتی دست آوردهای ایران، نتوانست سکوی پرش برای عملیات بعدی یا نفوذ موفق دیگری باشد، اما به هر حال جلوی فعالیت کردهای ضد انقلاب را گرفت و مانع از اجرای هرگونه عملیات نظامی آنها در کردستان ایران شد.

این عملیات نشان داد که ایران در مواجهه با برتری زرهی و خصوصاً برتری هوایی عراق ناتوان است، به ویژه هنگامی که در عمق دور از منطقه شروع حمله قرار گیرد. ایران نیز در این عملیات تجهیزات فراوانی را از دست داد.

به طور کلی سال ۱۹۸۳ (۶۳-۱۳۶۲) سال خوبی برای ایران نبود. ایران در حملات خود نیروی انسانی بسیاری به کار گرفت و در برابر ۶۵۰۰ کشته عراقی ۱۸ هزار سرباز از دست داد. مجروحان نیز چند برابر بودند. ایران ۸۰۰۰ اسیر در مقابل ۵۰۰۰ اسیر عراقی داد. همچنین ایران برای اولین بار با به کارگیری انبوه گازهای سمی مواجه شد.

حمله ایران به دو دلیل حیاتی ناموفق ماند: یکی آن که ایران نیروی کافی را برای تحقق برتری کامل و موفقیت حمله خود فراهم نیاورد. دوم آن که ایران فرصت کافی به عراق داد تا نیروهای خود را در مکان مناسب به کار گیرد.

بله، حملات ایران در جبهه وسیع، مشکلات بسیاری برای عراق در اجرای پاتک ها ایجاد کرد و اگر هجوم در منطقه کوچک تر و با فشار و تکرار حملات شدید، امکان جلوگیری از پیشروی وجود داشت.

همچنین تدارک و تقویت نامناسب نیروهای ایران، آثار منفی در سیر عملیات گذاشت. در مقابل، عراق از این ویژگی های مثبت برخوردار بود:

پیشرفته سازی و مستحکم کردن خطوط پدافندی در سال ۱۹۸۳ (۶۳-۱۳۶۲) و بهبود روش اجرای پاتک های پراکنده و قوی که تجمع دوباره نیرو و انتخاب زمان مناسب برای پاتک اصلی را فراهم می کرد. با این حال، نیروهای عراقی استقامت و پافشاری لازم را به خرج نمی دادند و به ندرت از خطاهای ایران برای اجرای پاتک های اصلی و اساسی بهره می گرفتند و از موفقیت های این پاتک ها نیز استفاده لازم را نمی بردند.

سازمان دهی و سیستم کنترل و فرماندهی عراق بهتر از ایران بود و نیروهای عراقی از سبک حرکت و آرامش بیشتری نسبت به نیروهای ایرانی برخوردار بودند. اما با تمام این توضیحات، فرماندهی عراق از حملات نیروی هوایی یا موشکی خود استفاده بایسته را نمی گرفت و اهداف خوبی را بر نمی گزید. هنگامی که ایران سلسله عملیات جدیدی را در ماه اکتبر آغاز کرد، عراق در پاسخ، به مین گذاری بندر امام خمینی و حمله به دزفول و مسجد سلیمان و با موشک های زمین به زمین "اسکاد - بی" پرداخت. اما ایران از حملات خود نکاست و کوشید تا مقابله به مثل کند. هنگامی که عراق نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری را در جنگ پنجوین وارد عمل کرد (۵ نوامبر ۱۹۸۳)، توپخانه ایران در روز بعد به گلوله باران غیرنظامیان بصره پرداخت.

پی نوشت:

۱- نام این عملیات نیز "فی الفجر ۴" (در فجر ۴) آمده است. (م)

۲- در متن کتاب "ماریفا" آمده است. (م)

۳- در متن کتاب "سارادا" آمده است. (م)

۴- لشکر زرهی با عنوان ۱۲ یا ۲۴ در سازمان رزمی نیروهای مسلح ایران وجود ندارد. (م)

۵- در متن کتاب ثانیه و ماریثان! آمده است. (م)

عملیات های والفجر ۵- ۶ و خیبر

(حمله سراسری ۱۹۸۴- زمستان ۱۳۶۲)

ایران در چند عملیات خود که اوایل سال ۱۹۸۴ (زمستان ۱۳۶۲) انجام داد، کوشید تا یکی از تاکتیک های هجومی خود را اصلاح کند؛ به این منظور جای تأکید بر استفاده از طبیعت زمین و حمله وسیع در شمال، روی به حملات ترکیبی در بخش های مرکزی و جنوبی جبهه آورد. در فوریه ۱۹۸۴ (بهمن ۱۳۶۲) ایران چهار هجوم مرکب علیه عراق انجام داد. به جای انتخاب یک محور برای پیشروی، این بار در چند محور عمل کرد و این حملات، مشکل مهمی در تمرکز و تجمع قوای عراقی به وجود آورد.

اولین حمله ایران، حمله محدودی بود که گروهی از کردها در ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن) در منطقه ای نزدیک "نودشه" انجام دادند. با این که موفقیت به دست آمده نسبتاً کوچک بود، اما ایران به بهای اندکی توانست نیروی نه چندان کمی از عراق را در این جبهه زمین گیر کند. از طرفی [این حمله نشان دهنده تغییر اوضاع کردها بود و این وضعیت نشان می داد که کردهای موافق ایران که پس از آتش بس سال ۱۹۸۸ باید ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۵ه.ش) باشد. (م)

نسبتاً غیرفعال بودند، به حالت هجومی درآمده اند و کردهای طرف دار عراق نیز تمام قدرت عمل خود را داخل ایران از دست داده اند. پس از تحمل ۲۷۰۰۰ کشته، تنها تعداد کمی از آنها باقی ماندند که همراه نیروهای عراقی در شمال عمل می کردند.

اما سه حمله اصلی دیگر در جنوب صورت گرفت. ایران حدود ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار نیرو* این آمار دقیق نیست. استعداد به کار رفته در عملیات خیبر به این شرح است: محور زید (فرماندهی محور با ارتش): ۲ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی، ۱ تیپ هوابرد از ارتش با کمک ۲ لشکر پیاده و ۱ تیپ زرهی از سپاه. محور اصلی (هور و طلائیه با فرماندهی سپاه): ۹ لشکر پیاده، ۳ تیپ زرهی از سپاه با کمک ۱ لشکر زرهی از ارتش.

(حدود ۲۵-۳۳ تیپ و لشکر) سازماندهی کرد و آنان را در جبهه گسترده ای شامل دهلران و مهران و مرداب های هویزه وارد عمل کرد. این وضعیت به او امکان داد تا حملات خود را در مناطق و نقاط بسیاری از جبهه در طول جاده بغداد - بصره به قصد جداسازی بصره از شمال، انجام دهد.

ایران ابتدا دو حمله محدود را با نام عملیات "الفجر ۵" و "الفجر ۶" به منظور جلب توجه عراق و دور کردن ذهن او از حمله اصلی (یعنی عملیات خیبر) آغاز کرد. عملیات والفجر ۵ در جبهه ای به طول ۵۰ کیلومتر بین دهلران و شرق القط به همین شکل در کتاب آمده است. صورت گرفت. این عملیات در شب ۱۶/۱۵ (۲۶ و ۲۷/۱۱/۱۳۶۲) در نزدیکی مهران و در خط حد عملیاتی سپاه دوم عراق (دارای ۹ لشکر و حدود ۱۰۰/۰۰۰ نیرو) انجام شد. هدف این حمله، یا قطع جاده بغداد -

بصره بود، یا هجوم بر بعقوبه که در مسیر جاده مهم مهران - بغداد قرار داد. بعقوبه نیز مانند بصره از لحاظ پدافندی مجهز بود و در اطراف آن مواضع دفاعی متعددی احداث شده بود: استحکامات انبوه و یک خاک ریز احاطه ای با سنگرهای استقرار نیرو، سکوهای توپخانه و شلیک مستقیم تانک و انبارهای تدارکات در عقبه. بیش تر نیروهای مهاجم در این عملیات، از سپاه پاسداران بودند. هر دو عملیات محدود والفجر ۵ و والفجر ۶ به همت سپاه پاسداران انقلاب به منظور انجام دادن نبرد اصلی (حمله خیبر) صورت گرفت. اما عملیات دوم (والفجر ۶) در ۲۱ فوریه (دوم اسفند) در نزدیکی دهلران به سمت ارتفاعات عراق در نزدیکی جاده بغداد - بصره، کنار شهر "علی غربی" صورت گرفت.

عملیات های والفجر ۵ و ۶ نتایج محدودی به بار آوردند اما هدف اصلی از اجرای این دو عملیات، فریب فرماندهان عراقی بود تا متوجه تجمع نیروهای ایران در جنوب نشوند.

*منبع: جنگ ایران و عراق، عبدالحلیم ابوغزاله، مترجم: نادر نوروزشاد؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تشدید فشار به ایران، شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳، جنگ در سال چهارم

"بنیاد هریتیج" طرحی را مبنی بر از بین بردن "اصل امید" به ریگان ارائه کرد. این سیاست به منزله تشدید فشار بر ایران، با هدف از میان بردن امیدواری ایران برای دستیابی به پیروزی بود. عناصر اصلی این استراتژی که در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد، به شرح ذیل است:

۱- تقویت وضعیت اقتصادی عراق.

۲- ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران.

۳- اجرای عملیات استانج - عملیات استانج (operation staunch) عملیاتی بود که آمریکایی ها طرح ریزی کردند تا از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح جلوگیری کنند. این عملیات از پاییز ۱۹۸۳ شروع شد. به این ترتیب که آمریکایی ها با جمع آوری اطلاعات درباره خریدهای سلاح و وسایل نظامی ایران، از طریق دولت ها یا واسطه ها و بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می شدند و به کشور فروشنده تذکر می دادند و یا بعضا اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می کردند. این اقدام آمریکایی ها چند نتیجه داشت: ۱- مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی می شد. ۲- سلاح با قیمت بالاتر خریداری می شد، ضمن اینکه برخی از این وسائل از رده خارج و فاقد کیفیت لازم بودند.

با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران.

۴- ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران

بر اساس گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از سال ۱۹۸۲ که عراقی ها بدون هیچ پیش شرطی حاضر به مذاکره با آمریکا شدند، آمریکا برای تقویت عراق و جلوگیری از پیروزی ایران، اقدامات زیر را به عمل آورد:

۱- تخصیص حدود یک میلیارد دلار به صورت اعتبار غیر نقدی برای خرید محصولات کشاورزی؛

۲- تصمیم بانک صادرات و واردات آمریکا برای ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ میلیارد دلار مبلغ مورد لزوم برای ساخت خط لوله نفتی عقبه؛

۳- حمایت آمریکا از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل که ایران را به خاطر حملاتش به کشتیرانی در خلیج فارس تقیح کرده است؛

۴- حمایت شدید آمریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران.

عراقی ها امیدوار بودند با توجه به عدم صدور نفت از اسکله های "البکر" و "العمیه" و قطع صدور نفت از طریق سوریه، صادرات نفت خود را از ۷۵۰ هزار بشکه در روز، به بیش از یک میلیون بشکه افزایش دهند، تا به این وسیله، مشکلات عراق و کمبود نقدینگی این کشور برطرف شود. (۲۴) ضمن این که عربستان و کویت متعهد شدند روزانه نیم میلیون بشکه نفت به حساب عراق بفروشند. این موضوع را کویت در اجلاس اوپک اعلام کرد، عراقی ها به موازات تلاش برای رفع تنگناهای اقتصادی خود و فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، در چهارچوب موافقت آمریکا، ضربه زدن به توانایی های صدور نفت ایران با موشک های اگزوست و هواپیماهای سوپراتاندارد را طراحی و اجرا کردند.

در واقع، عراق با توجه به تمایل داشتن برای محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین المللی کردن مساله جنگ، حمله به نفت کش ها را آغاز کرد. عراقی ها در نظر داشتند محل صدور نفت ایران در جزیره خارک را مورد حمله قرار دهند. چنانچه خبرگزاری رویتر از بغداد در مورد تهدید عراق برای حمله به خارک، این خبر را مخابره کرد: "عراق گفت اگر تهران دست به حمله زمینی جدیدی در جبهه جنگ خلیج فارس بزند، این کشور تاسیسات حیاتی نفتی ایران در جزیره خارک را مورد حمله قرار خواهد داد."

جمع بندی (وضعیت بعد از فتح خرمشهر)

در دوره پس از فتح خرمشهر، روند جنگ - به خصوص در پی تلاش های عراق - از نظر هدف، روش و منابع، به گونه ای بنیادی، تغییر کرد. در سطح کلان، استراتژی نظامی دو طرف درگیر، ماهیت جدیدی به خود گرفت. بر پایه این تغییرات، تحولات داخلی ایران و عراق و تعیین سیاست های اصلی نیز دستخوش دگرگونی شد.

عراق با محور قرار دادن مقابله نظامی و به کارگیری تمام امکانات و ساختارهای کشور در جنگ، توانایی خود را به گونه فزاینده ای بالا برد. این تصمیم و اقدام که به دلیل درک به خطر افتادن و تهدید بقاء نظام سیاسی آن کشور صورت گرفت، در عمل مؤثر واقع شد و توانست، از پیشروی های جمهوری اسلامی جلوگیری کند. در مقابل، ایران اقدام نظامی را با هدف تنبیه متجاوز در پیش گرفت.

در سطح عملیاتی، ایجاد استحکاماتی عمق دار و توسعه سازمان رزم (از لحاظ تجهیزات و نیروی انسانی) مهم ترین اقدام عراق در مقطع جدید به شمار می رفت که به تدریج، کیفیت و کمیت این دو عامل افزایش یافت. علاوه بر این، توانایی های دیگر عراق مانند آتش، قدرت هوایی، تحرک و سرعت عمل در جابه جایی و نقل و انتقال و انضباط فرماندهی، که در دوران قبل از فتح خرمشهر نیز وجود داشت، در این دوره به میزان ملاحظه ای افزایش یافت. آموزش، به عنوان مرکز ثقل این توانایی ها، اهمیت بیشتری پیدا کرد، و در سطوح مختلف، مورد توجه قرار گرفت.

در مقطع جدید، عراق علاوه بر افزایش و برتری نظامی خود در کاربرد هم آهنگ میان موانع، آتش، استفاده از نیروی هوایی و به کارگیری یگان های احتیاط و پاتک کننده نیز انسجام لازم را به دست آورد.

در صحنه درگیری، به دلیل وجود همین عوامل، ارتش عراق توانست عملیات رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ را با ناکامی مواجه سازد. در عملیات رمضان خلاء به وجود آمده در جناح شمالی نیروهای ایرانی، عراق را از بزرگ ترین شکست نظامی نجات داد. شکست در عملیات رمضان موجب آغاز دورانی سخت برای ایران شد.

از سوی دیگر، در جبهه خودی، درک جدید، از شرایط و تحولات بنیادی ایجاد شده در جنگ، ضروری بود. مهم ترین مؤلفه های این دوره، شناخت از زمین و دشمن بود تا در طرح ریزی عملیاتی و انتخاب هدف های عمق دار مورد توجه قرار گیرند. این مسئله یکی از عوامل اصلی عدم موفقیت خودی به شمار می رفت. انتخاب هدف های عمق دار باعث می شد. نیروها، برای پاک سازی و الحاق در شب، با کمبود زمان روبه رو شوند، و با توجه به زمین مسلح، به سختی (آن هم به طور ناقص) به هدف مورد نظر برسند. از همه مهم تر، فرماندهی یگان های نیز تمام توجه خود را به آن معطوف می کردند و این مسئله از لحاظ روانی مانع از آن می شد که جوانب دیگر صحنه درگیری در تصمیم گیری ها و هدایت عملیات مورد توجه قرار گیرد. در چنین شرایطی، عملیات به صبح کشیده می شد و در این زمان، ایجاد استحکامات پدافندی و تشکیل خط دفاعی میسر نبود و مواضع به دست آمده در معرض تهدید یگان های زرهی و پیاده دشمن قرار می گرفت. بدین ترتیب، استحکامات دشمن به عنوان عامل اصلی و انتخاب هدف های عمق دار به عنوان عامل جانبی، مهم ترین برگ برنده نیروهای خودی، یعنی "عملیات در شب" را از آنها سلب می کرد. و این، همان خواست دشمن بود

که، امتیاز توان لازم را برای جنگ در روز داشت. در تدابیر جدید دشمن، سلب زمان، دور کردن نیروهایش از دسترس رزمندگان اسلام در شب که با تاکتیک های ضد پیاده همراه بود، جزو مهم ترین عناصر استراتژی عملیاتی عراق به شمار می رفتند. از این رو، مواجهه نیروهای خودی با دشمن به روش گذشته، به دلیل نقاط قوت جدید دشمن و نقاط ضعف جبهه خودی، موجب شد عملیات ها ناموفق بمانند.

در سطح تاکتیکی، شکست های سال دوم جنگ، فرماندهان عراقی را واداشت که در این باره چاره اندیشی کنند. بی گمان، آنها با بسیاری از تاکتیک های رزمندگان اسلام مانند حمله از جناح، دور زدن و دسترسی به عقبه ها و توجه به عمق، شناسایی قوی و غیره آشنا بودند. از این رو، دوره جدید نبرد، با توجه به تجربیات گذشته، دست به اقداماتی زدند. یکی از این اقدامات، تشکیل خط های به هم پیوسته و توجه بیشتر به خط های حساس بود. عراقی ها خط های دفاعی خود را به میزان قابل ملاحظه ای تقویت کردند و هر یگان موظف بود به طور مستمر، وضعیت خود را در ابعاد گوناگون ترمیم کند. اقدام دیگری که بسیار با اهمیت بود و از عوامل عدم موفقیت رزمندگان به شمار می رفت، حفر کانال به جای احداث خاکریز در بسیاری از مواضع پدافندی حساس بود. این کار، علاوه بر آن که به عنوان یک مانع، زمان و توان زیادی از نیروهای خودی می گرفت آنها را از عارضه آماده ای که بتوانند در صبح عملیات از آن به عنوان موضعی دفاعی استفاده کنند، محروم می ساخت. همچنین، از دیگر اقدامات عراق، دفاع پوششی و گذاشتن کمین در جلو موانع بود. به طور کلی، عوامل دیگری از این دست، موجب شدند در شب عملیات، نیروهای خودی ز

مان را از دست بدهند و نبودن این امتیاز که در عملیات های قبلی وجود داشت، مسئله ای بود که باید برای آن چاره اندیشی می شد.

در هر حال به دلیل توانایی های جدید عراق، نفوذ در خط های ارتش آن بسیار دشوار بود و با توجه به نداشتن عکس هوایی، اطلاعات تاکتیکی مناسبی از دشمن وجود نداشت. در حالی که عراق به دلیل قدرت هوایی و داشتن ستون پنجم، اطلاعات خوبی از جبهه خودی در اختیار داشت. همچنین، در جبهه خودی، به پیروی از روش عملیات های گذشته، نیروها به پاک سازی خط توجه کمتری کرده و تمام تلاش خود را به پیشروی در عمق معطوف می کردند. این مسئله باعث مقاومت دشمن شده و ارتباط نیروهای خودی در عمق را با نیروهای در خط قطع می کرد. ضعف آموزش تاکتیکی، عدم انضباط سازمانی، عدم توجه به عملیات های چریکی به عنوان عامل روانی مؤثر بر دشمن و نداشتن خط پدافندی همچون عراق، از دیگر عواملی هستند که در ناکام ماندن عملیات نیروهای خودی مؤثر بودند.

در بررسی عوامل کیفی جنگ، بعد از فتح خرمشهر، چند موضوع باید مورد توجه قرار گیرد؛ نخست، جابه جایی جغرافیایی در ادامه ی جنگ و تأثیر آن بر نیروی انسانی دو طرف. ورود به خاک عراق، به طور طبیعی باعث شد، انگیزه نیروهای دشمن، با توجه به تعصبات ملی، برای جنگیدن بیشتر شود، که در این میان فعالیت اداره توجیه سیاسی ارتش عراق در زمینه تبلیغات و توجیه سازمان یافته، مؤثر بود. دوم، تأثیر عقب نشینی و ناکامی در عملیات ها بر روحیه نیروهای خودی است. با

آغاز دوران سخت جنگ و مشاهده قدرت دشمن، رزمندگان و فرماندهان نیروهای مسلح در مقایسه با شرایط مشابه در سال های ابتدای جنگ، زودتر از گذشته تصمیم به عقب نشینی می گرفتند.

سومین موضوع که مهم ترین عامل در این سطح است، غرور ناشی از پیروزی های قبلی و کم رنگ شدن نگرش توحیدی در اداره میدان جنگ می باشد. این عامل به ویژه پس از عملیات والفجر ۱ در جلسه ای که به منظور جمع بندی و بررسی نظامی جنگ از آغاز تا سال ۱۳۶۱ صورت گرفت، مورد تأکید تمام فرماندهان سپاه قرار گرفت، و همه آنها اذعان داشتند که در جنگ نابرابر با عراق، مسئله اول، ایمان، اخلاص و توحید است. فرمانده وقت سپاه (محسن رضایی) در این باره گفت:

"در دیدار فرماندهان با حضرت امام (ره). وقتی جنبه های گوناگون مسئله از جمله این عامل مطرح شد، امام (ره) فرمود: "این (عدم الفتح والفجر مقدماتی) سیلی ای بود که خدا به شماها زد که حواستان را جمع کنید."

عملیات طریق القدس نبرد بستان

با وجود مشکلاتی که در زمان طرح ریزی و تهیه مقدمات عملیات طریق القدس وجود داشت - از جمله احداث جاده در منطقه تپه های رملی - عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه پس از نیمه شب ۸ آذر ۱۳۶۰ با رمز "یا حسین (ع)" و با تکیه بر تاکتیک ویژه یعنی عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی به عنوان محور اصلی تهاجم، آغاز شد. به هنگام شروع عملیات باران به شدت می بارید و همین امر سبب شد تا نیروهای دشمن - علی رغم هوشیاری نسبی - تصور کنند، ریزش باران موجب انصراف رزمندگان از اجرای عملیات خواهد شد، به همین دلیل، با خیال آسوده به درون سنگرهای خود خزیدند. در حالی که بارش باران در منطقه رملی موجب چسبندگی در سطح زمین و در نتیجه، سهولت در حرکت نیروها شد.

در محور شمالی رزمندگان برای تصرف و تامین تنگه چزابه، از سه محور عمل کردند. در محور اول؛ نیروهای خودی "خاکریز عصا شکل" دشمن را به عنوان خاکریز خط مقدم تصرف و منطقه جابر حمدان تا تپه های شنی را پاکسازی کردند. در محور دوم؛ این نیروها از دیدگاه شماره ۱، در تپه های شنی وارد عمل شده و موفق به انهدام احتیاط رده اول دشمن شدند. در محور سوم که از دیدگاه شماره ۳ در شماله تپه های شنی آغاز شده بود، نیروهای خودی با دو فلش، نیروهای احتیاط رده دوم و توپخانه دشمن را مورد حمله قرار دادند.

در این حال، دشمن که به هیچ وجه انتظار حمله در حالت بارانی، آن هم در محور شمالی را نداشت، کاملاً غافل گیر شد. رده های اول و دوم احتیاط و توپخانه دشمن که در این منطقه مستقر بودند از پشت مورد حمله قرار گرفتند و در کمتر از یک ساعت پس از شروع درگیری، آتش توپخانه دشمن خاموش شد و تعداد ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلیمتری، سالم به دست نیروهای خودی افتاد. اجرای مانور با تانک های غنیمتی - در عملیات ثامن الائمه (ع) - دشمن را در این محور کاملاً گیج کرده بود، زیرا دشمن در حالی که هرگز حتی عبور نیروهای پیاده را از روی تپه های رملی تصور نمی کرد و این امر را تنها با هلی برد امکان پذیر می دانست، شاهد حضور تانک های ایران در مقابل خود بود. با نفوذ نیروهای خودی به عمق مواضع

دشمن از محور شمال، مقر تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ عراق تسخیر شد و کلیه نیروهای این تیپ - به جز شمار اندکی از فرماندهان آن - به هلاکت رسیدند.

در محور جنوبی، حمله نیروهای خودی از دو محور و با هدف تصرف بستان و انهدام نیروهای دشمن در شمال منطقه نیشان آغاز شد، ولی با وجود موفقیت در برخی از محورها، پیشروی نیروها بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن، متوقف شد. چنان که در محور دهلاویه، با آن که نیروهای خودی از موانع و استحکامات دشمن عبور کرده و پل سابله را تصرف کردند، ولی در یک تک جبهه ای و با افزایش فشار دشمن، در جاده بستان زمین گیر شدند. در محور سویدانی نیز، نیروهای خودی با وجود پیشروی در مواضع عراق و تصرف یکی از پل های دشمن بر روی رودخانه نیشان، با روشن شدن هوا مجبور شدند در مواضع مناسب تری استقرار یابند.

پیروزی کامل عملیات در محور شمالی و لزوم تداوم آن سبب شد تا شهر بستان که از اهداف محور جنوبی بود، در ساعت ۹ صبح روز اول عملیات به دست نیروهای محور شمالی آزاد شد. عراقی ها که در نزدیکی پل سابله مستقر بودند، می توانستند با پاتک خود تمام دست آوردهای عملیات را تهدید کرده و بستان را دوباره به اشغال درآورند. به همین دلیل کلیه تلاش ها در روز اول و شب دوم به تثبیت منطقه تصرف شده معطوف شد. اما هوشیاری دشمن، جبهه ای بودن تک و تعجیل در اجرای عملیات موجب ناکامی در محور جنوبی شد.

شهر بستان

شهر بستان که مرکز بخش بستان از شهرستان دشت آزادگان می باشد، در ۳ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و در مسیر سوسنگرد - چزابه واقع شده است. با شروع جنگ، نیروهای عراقی پس از تصرف پاسگاه سوبله و عبور از تنگه چزابه، در ۱۳۵۹/۷/۴ این شهر را اشغال کردند. اما پس از عملیات "غیور اصلی" و پیشروی نیروهای خودی به سوی مرز، در ۱۳۵۹/۷/۱۰ بستان آزاد شد.

یک هفته بعد هجوم مجدد عراق برای تصرف بستان آغاز گردید و پس از چهار روز، در ۱۳۵۹/۷/۲۱ بستان برای بار دوم اشغال شد و در اشغال ماند تا اینکه در دومین روز عملیات طریق القدس ۱۳۶۰/۹/۹ آزاد شد. در این عملیات رزمندگان با قبول شرایط دشوار، دور از چشم دشمن، از مناطق رملی واقع در شمال منطقه دشت آزادگان عبور کردند و غافلگیرانه به عقبه های دشمن هجوم بردند و سبب شکست متجاوزان شدند.

تنگه چزابه بین تپه های رملی و هور الهویزه قرار دارد و یکی از پنج معبر اصلی هجوم ارتش عراق به خوزستان بود. این تنگه که عرض آن به ۱/۵ کیلومتر می رسد، از جنبه نظامی بسیار مهم است، زیرا نیروی مهاجم برای دستیابی به جاده بستان - سوسنگرد، که بهترین و نزدیک ترین معبر وصولی به اهواز می باشد، باید از این تنگه عبور کند. نیروهای ارتش عراق پس از سه روز درگیری در نوار مرزی، در چهارمین روز (۵۹/۷/۳) از تنگه چزابه عبور کردن و به طرف تپه های الله اکبر و بستان

پیش آمدند. از آن زمان تنگه چزابه در اختیار دشمن بود تا اینکه در روز ۱۳۶۰/۹/۸ در جریان عملیات طریق القدس آزاد شد. در آستانه عملیات فتح المبین، در ۶۰/۱۱/۱۷ نیروهای عراقی با حمله به این تنگه حدود ۳۰۰ متر در عمق مواضع خودی رخنه کردند. هدف دشمن از این حمله به تاخیر انداختن عملیات فتح المبین بود. در برابر این اقدام دشمن ۱۸ گردان از نیروهایی که سپاه پاسداران برای اجرای عملیات فتح المبین آماده کرده بود به تدریج به چزابه اعزام و با دشمن درگیر شدند. لیکن نه تنها موفقیتی به دست نیامد، بلکه حدود ۱۰۰۰ تن از رزمندگان به شهادت رسیدند. در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱ چهار گردان دیگر از سپاه پاسداران ب

ه فرماندهی حسن باقری طی عملیاتی با نام امیر المومنین (ع) از منطقه رملی شمال تنگه (تپه نبعه) وارد عمل شده و از پشت به عراقی ها یورش بردند که با کشته شدن حدود ۴۰۰ تن از قوای دشمن، آنان را از تنگه دور کردند.

خسارات و تلفات وارده به دشمن در طریق القدس

در این عملیات ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو و همچنین ۴ فروند هلی کوپتر و ۱۳ فروند هواپیمای دشمن منهدم شد. همچنین، ۳۵۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۴۶ تن دیگر به اسارت نیروهای خودی درآمدند و بیش از ۱۵ تیپ دشمن از ۱۰ تا ۹۰ درصد منهدم و از صحنه نبرد خارج شدند. ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ قبضه توپ، ۱۲۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۲۵۰ خودرو، ۳۰ قبضه ضد هوایی ۲۳ و ۱۴ میلی متری نیز به دست نیروهای خودی افتاد.

ارزیابی عملیات طریق القدس

جمهوری اسلامی ایران در پی موفقیت در دو عملیات فرماندهی کل قوا و ثامن الائمه (علیه السلام) و کسب تجربیات جدید، در صدد برآمد تا با یک اقدام بزرگ دیگر، ضمن قطع ارتباط بین قوای دشمن در شمال و جنوب استان خوزستان، قوای متجاوز عراقی را تا مرزهای بین المللی عقب براند؛ لذا تمامی توان بالفعل خود در جبهه های جنوب را متمرکز کرد و عملیات با موفقیت اجرا شد و هدف های مشخص شده به دست آمد. در این پیروزی، عوامل مهمی نقش داشتند که مهم ترین آنها چنین است:

۱. ایمان و انگیزه متعالی و روحیه شهادت طلبی رزمندگان
۲. وحدت فرماندهی
۳. حضور نیروهای مردمی
۴. خلاقیت در طراحی مانور و اتخاذ تاکتیک مناسب در نبرد
۵. رعایت اصل صرفه جویی در قوا و تمرکز نیرو

۶. رعایت اصل غافل گیری

اما نتایج و نکات آموزشی عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس حاوی نکات آموزشی و تجربیات مهمی بود؛ از جمله:

- ۱- امکان جبران برتری هوایی و دیده بانی دشمن با استفاده از تاریکی و عملیات در شب
- ۲- امکان جبران برتری آتش توپخانه دشمن با استفاده از غافل گیری و تک به مواضع توپخانه دشمن در ابتدای نبرد
- ۳- امکان جبران برتری زرهی دشمن با استفاده از پیاده نظام ورزیده و متهور مجهز به جنگ افزار ضد تانک انفرادی و استفاده صحیح از زمین و امکانات پیاده نظام
- ۴- قابلیت و اهمیت کاربرد جالب توجه سلاح های سبک ضد تانک
- ۵- اهمیت پیاده نظام ورزیده در ایجاد شکاف در مواضع و بین نیروهای دشمن
- ۶- استفاده از شیوه جنگ الکترونیک، ارزش و اهمیت پست های استراق سمع
- ۷- استفاده از قدرت بسیج مردمی برای بالا بردن توان رزمی
- ۸- قدرت و توانایی عظیم نیروهای مردمی و نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده آنها در عملیات
- ۹- جلب نظر مردم برای پشتیبانی از جنگ
- ۱۰- اهمیت و ارزش شناسایی و اطلاع کامل از وضعیت زمین تا پایین ترین رده
- ۱۱- اهمیت سرعت عمل
- ۱۲- اتکای محض به استحکام مواضع برای پدافند آن کافی نبوده و انگیزه و اعتقاد که سبب تهور و شجاعت می شود، ضرورتی اصلی و اساسی است.
- ۱۳- اهمیت رعایت اصول جنگ که نشان می دهد بی اعتنایی به هر کدام از این اصول ممکن است نتایج شومی به بار آورد.
- ۱۴- ضرورت اجرای عملیات استفاده از موفقیت برای بهره گیری کامل از تک و وصول به اهداف اساسی و تعیین کننده.

عملیات مسلم بن عقیل (ع)؛ تدبیری نو در گرفتن امتیاز از دشمن

هدف از انجام عملیات "مسلم بن عقیل (ع)" تصرف همه ارتفاعات مشرف بر شهر "مندلی" عراق بود. این منطقه با توجه به توقف و ناکامی در عملیات "رمضان" در شرق بصره و شیوه ای که برای حمله از مناطق کوهستانی اتخاذ شده بود، انتخاب گردید تا نقاط قوت و ضعف نیروهای هر دو طرف برای جنگ کوهستانی به دست آید. هدف دوم تأمین مرزهای جبهه میانی، آزادسازی بخشی از خاک ایران و پس زدن عراق از غرب شهر "سومار" بود.

این عملیات با همکاری سپاه و ارتش و با رمز "یا ابوالفضل العباس (ع)" در تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۶۱ به اجرا درآمد. در مرحله نخست، نیروهای ایرانی بخوبی پیش رفتند و در مراحل بعدی از سرعت پیشرویشان کاسته شد و علی رغم پاتک های سنگین دشمن، سرانجام مواضع فتح شده تثبیت گردید. در این عملیات که مدت ۷ روز و طی ۲ مرحله انجام شد، ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران آزاد و حدود ۳۰ کیلومتر مربع از خاک عراق تصرف شد. نیروهای خودی ضمن تأمین دشت سومار، روی ارتفاعات کیسکه، کهنه ریگ و محور تردد میان تنگ و بر تنگه های مرزی مسلط شدند. شهر مندلی نیز در دید و تیررس آنان قرار گرفت و امکان پیشروی به عمق خاک عراق فراهم و آسان شد. نیروهای عراقی در جریان عملیات و پاتک های خود تعداد ۴۲۷۵ تن کشته، زخمی و اسیر بجا گذاشتند. همچنین یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بولدوزر "دی - ۸" و چند قبضه توپ ۱۰۰ میلیمتری آنان به دست نیروهای رزمنده ایران افتاد و ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک پیشرفته، ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشای دشمن نیز به همراه ۷ فروند هواپیما منهدم و ساقط شد.

نام عملیات: مسلم بن عقیل (ع)

زمان اجرا: ۱۳۶۱/۷/۹

مدت اجرا: ۱ روز

تلفات دشمن (کشته، زخمی و اسیر): ۴۲۷۵

رمز عملیات: یا ابوالفضل العباس (ع)

مکان اجرا: سومار - جبهه میانی جنگ

ارگان های عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی

اهداف عملیات: تصرف همه بلندی های مشرف به شهر مندلی عراق و تأمین مرزهای جبهه میانی و آزادسازی بخشی از خاک ایران به همراه پس زدن دشمن از غرب شهر سومار

منبع: کارنامه عملیات، ابوالقاسم حبیبی، اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه

برگ برنده ایران

عملیات والفجر ۱۰ (آزاد سازی حلبچه)

ضرورت عملیات والفجر ۱۰

عناصر اصلی استراتژی ایران در موقعیت دشوار هشتمین سال جنگ، مقاومت در برابر فشارها با رویکرد جدید نظامی در جبهه های غرب بود. گرچه موقعیت برتر نظامی ایران با پیروزی در عملیات کربلای ۵ تثبیت شد، ولی همین عملیات نقطه ثقل آغاز تحول جدید در جنگ و چرخش روند جنگ به زیان ایران بود. و ایران پس از آن دیگر مجال بازسازی پیدا نکرد. حال آنکه عراق تحت حمایت بین المللی به رشد کمی و کیفی شگفت انگیز و باورنکردنی دست یافت.

محسن رضایی فرمانده کل سپاه درباره تأثیرات عملیات کربلای ۵ بر روند جنگ و کاهش توانایی می گوید:

۱ - بخش قابل توجهی از توان سپاه با استقرار در مناطق فاو، جزایر مجنون و شلمچه زمین گیر شد.

۲ - استراتژی کشور برای بسیج امکانات شکست خورد.

۳ - در منطقه جنوب به بن بست رسیدیم و امکان غافلگیری دشمن از میان رفت.

اجرای عملیات کربلای ۸ در اردیبهشت ۱۳۶۶ بر اثر اصرار مسئولان، و سایر دشواری های موجود سبب گردید فرمانده کل سپاه طی نامه ای به امام خمینی با بیان کردن مشکلات جنگ بر این مسئله تأکید نماید که اگر کشور وارد جنگ نشود، عراق حملاتش را علیه ایران آغاز خواهد کرد.

نگرانی های ذکر شده در این نامه به ملاقات آقای رضایی با امام و سپس ملاقات با حاج سید احمد خمینی انجامید و در پی آن طی نامه ای ۲۰ صفحه ای مسائل به طور مشروح بیان شد.

افزایش توان نظامی عراق به صورت روزافزون و متقابلاً کاهش توان اقتصادی و نظامی ایران، شکاف عمیقی میان توانایی نظامی ایران و اهداف سیاسی کشور به وجود آورده بود و امکان تغییر موازنه جنگ با آغاز تهاجمات عراق وجود داشت. در

واقع گرچه استقرار نیروهای ایران در طول مرز و حملات پی در پی قوای خودی موازنه را همچنان به نفع ایران حفظ کرده بود. ولی همین وضعیت موجب کاهش تدریجی توان نظامی و افزایش آسیب پذیری ما شده بود. ضمن اینکه خلأ استراتژیک موجود بر اثر درنگ و تردید دو ابر قدرت جهت اقدام علیه ایران، در حال کم رنگ شدن بود. چنان که از اواسط سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) با حضور نظامی امریکا در منطقه و اسکورت نفتکش ها و تصمیم شوروی برای بازسازی و تقویت ماشین جنگی عراق، به تدریج توانایی ایران بهره برداری از رقابت ابر قدرت ها کاهش یافت و بدین ترتیب خلأ استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید. لازمه فائق آمدن بر این وضعیت، تداوم حملات ایران بود که از این پس حداقل برای یک مقطع زمانی تنها در منطقه غرب کشور، قابل پیگیری و اجرا بود.

در واقع هر گونه درنگ در انتقال از جنوب به غرب هیچ گونه گشایشی را در جنگ حاصل نمی کرد، زیرا به دلیل بن بست نظامی، امکان اجرای عملیات گسترده و پیروزی در جنوب وجود نداشت. ضمن اینکه امکان تهاجم دشمن همچنان پابرجا بود. با این تفاوت که حصول پیروزی در منطقه غرب کشور با پیشروی به سمت سلیمانیه و کرکوک امکان تجزیه قوای دشمن را به دنبال داشت. در عین حال عوامل مؤثر در تغییر رویکرد نظامی ایران از جنوب به غرب به شرح زیر بود:

ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در جنگ.

۲ - حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن.

۳ - گشودن جبهه جدید در مقابل دشمن و تجزیه قوای آن.

۴ - کسب زمان از دشمن برای دستیابی به راه کار جدید در جنوب.

در این چارچوب علاوه بر سلسله عملیاتی که سپاه پاسداران در نیمه اول سال ۱۳۶۶ (کربلای ۱۰، فتح ۵، نصر ۴ و نصر ۷) انجام داد، عملیات نصر ۸ را نیز در تاریخ ۶۶/۸/۲۹ در ماؤوت به اجرا درآورد. سپاه پس از آن نیز دو عملیات بیت المقدس ۲ و ۳ را در ۱۳۶۶/۱۰/۲۵ و ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ در محور ماؤوت اجرا کرد. با توجه به دشواری های موجود برای ادامه عملیات در این محور، سپاه پاسداران در منطقه حلبچه عملیات والفجر ۱۰ را طرح ریزی کرد که در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ اجرا شد.

رادیو لندن با بررسی تحولات جنگ بر این نظر بود که برابر شواهد موجود " ایران نمی تواند به چنین حمله ای دست بزند."

رادیو آمریکا نیز طی گزارش می گوید گمان نمی رود که همانند گذشته ایران برای یک حمله بزرگ آماده باشد و ممکن است که اصلاً سال ۱۳۶۶ به چنین اقدامی مبادرت نکند.

شرح عملیات

پس از بحثها و بررسیهایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ برای آغاز عملیات تعیین شد، لیکن به علت اینکه در برخی از محورها نیروها بایستی فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حد فاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک "یا رسول الله" و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد. سرعت عمل نیروها و دست یابی به بیش از ۹۰٪ از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخ بندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند کشته و اسیر شدند. در محور قرارگاه قدس پس از تصرف مله خور و ارتفاعات چناره، خورنوازان، هانی قول و تپه حمید به علت عدم اتصال جاده، عملیات متوقف شد. در محور قرارگاه فتح به رغم اینکه رزمندگان بالامبو و تنگه را تصرف کردند، لیکن به لحاظ توقف قرارگاه قدس و نیز عکس العمل دشمن در جناح چپ عملیات، روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور میانی، قرارگاه ثامن الائمه (ع)، ارتفاعات مگرو و نیمی

از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشنایی هوا، برای الحاق روی یال ارتباطی، شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، پیشروی را ادامه دادند.

با توجه به موفقیت های کسب شده، نیروها از روحیه خوبی برخوردار بودند.

ضمن اینکه تلفات خودی نیز بسیار اندک بود. علاوه بر این، به لحاظ از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه، بر سرعت بخشیدن در آغاز مرحله دوم عملیات تأکید می شد. مشکل اساسی در سر راه شروع مرحله دوم، عدم اتصال جاده هانی قول بود تا اینکه در ساعت ۱۴ روز ۶۶/۱۲/۲۴ خبر اتصال جاده به قرارگاه رسید و در پی آن با تصمیم قرارگاه مرکزی، اجرای مرحله دوم عملیات در شب سوم، حتمی شد.

در این میان، طی وقفه ۴۸ ساعته بین دو مرحله عملیات، تحرکاتی از نیروهای عراقی مشاهده شده که دال بر غفلت کامل دشمن نسبت به اهداف مورد نظر و سمت اصلی تک بود. در این فاصله، تمرکز فعالیت ها و تحرکات دشمن در درجه اول روی شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه دوم در برابر قرارگاه فتح و ثامن الائمه بود. تبلیغات انجام شده تا مرحله دوم بی تأثیر در شکل گیری اقدامات دشمن نبود. چنانکه محور قرارگاه قدس، به عنوان عملیات ظفر ۷ با مشارکت نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و اکراد معارض اعلام گردید و در مورد محورهای عملیات دو قرارگاه فتح و ثامن الائمه سکوت اختیار شد و این امر بر حساسیت دشمن نسبت به دو محور میانی و جنوبی افزود و موجب غفلت از محور قرارگاه قدس شد. دشمن بنابر درک و ذهنیتی که در مورد عملیات داشت، ستون های متعدد و طویلی را با عبور از پل های ملاویسی و زلم به طرف دو

جیله و سپس حلبچه روانه کرد. چنانکه تیپ کماندویی ۶۸ نیروی مخصوص ارتش عراق، پس از ورود به منطقه، در روز اول پاتکهای خود را روی شیندروی آغاز کرد.

مجموعاً به نظر می رسد که دشمن نسبت به محور قرارگاه قدس از حساسیت چندانی برخوردار نیست، ضمن اینکه در همان ابتدا تحرکات محدود دشمن با آتش مؤثر این قرارگاه ناکام و متوقف شد. قابل ذکر است که در این مرحله، قرارگاه رمضان فقط توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

مرحله اول عملیات والفجر ۱۰

عملیات والفجر ۱۰ در ساعت ۲ بامداد ۶۶/۱۲/۲۳ با رمز مبارک " یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) "، " یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) " و با اهداف آزاد سازی بخش وسیعی از استان سلیمانیه، انهدام ماشین جنگی دشمن آغاز شد.

رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران با عبور از کوهها، رودخانه ها و دیگر موانع طبیعی و مصنوعی از دو محور به پایگاهها و مواضع نیروهای عراق یورش می برند و با درهم کوبیدن مواضع آنها و وارد آوردن تلفات و خسارات سنگینی خطوط مقدماتی دشمن را تسخیر و باقیمانده نیروهای شکست خورده آنان را وادار به فرار کردند.

نیروهای اسلام پس از منهدم کردن خاکریزهای مقدماتی، در زیر نور منورها به سوی شهر خرمال پیشروی می کنند.

پس از درهم کوبیدن نیروهای بعثی در ۱۲ کیلومتری شمال خرمال و پاک سازی منطقه، چند روستا از جمله گچینه بالا، دره گولان، میر سور، رستم بیگ، گرلوپ، دکون، گچینه پایین، محمد خوج و شیوه مو را آزاد می کنند و با قطع ارتباط نیروهای دشمن در دو محور خرمال به سید صادق و خرمال به حلبچه، به هم ملحق می شوند.

خلبانان شجاع هوانیروز ارتش به علت شرایط سخت کوهستانی، قسمت عظیمی از کار تدارکات و حمایت از رزمندگان را به عهده می گیرند و با پروازهای متوالی، این مهم را دوشادوش دیگر نیروها انجام می دهند. نیروی هوایی نیز با هجومهای پی در پی و منهدم ساختن تجهیزات و امکانات عقبه دشمن، نقش تعیین کننده ای در آزاد سازی منطقه ایفا می کند.

یگان های نیروی زمینی سپاه پس از آزاد سازی اهداف از پیش تعیین شده و رسیدن به دروازه شهر خرمال، یگان های زرهی عراق را مورد هجوم سخت قرار می دهند و تلفات سنگینی را بر آنان تحمیل می کنند.

در این نبرد بی امان، چندین تانک و نفر بر به آتش کشیده می شوند. و تعداد زیادی از آنها نیز به غنیمت سپاه اسلام در می آیند. در حالیکه رزمندگان اسلام بی صبرانه منتظر ورود به شهر بودند، از خرمال خبر میرسد که بین مردم و مأمورین بعثی به

علت آماده شدن مردم برای استقبال از سپاه اسلام درگیری رخ داده و عده ای از مردم هدف حمله ناجوانمردانه مأمورین امنیتی حزب بعث قرار گرفته است و مردم نیز متقابلاً از خود عکس العمل نشان داده اند.

به دنبال انهدام امکانات زرهی، یک مقر توپخانه دشمن نیز هدف قرار می گیرند و منهدم می شود و رزمندگان اسلام دقایقی قبل از ظهر ۲۶ اسفند و در سالروز بعثت گرامی پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) پس از یک نبرد سنگین و تن به تن، پیروزمندانه وارد شهر خرمال می شوند. مردم شهر به استقبال می آیند و مقدم برادران سپاهی و بسیجی را گرامی می دارند. فرماندهان نیروهای اسلام در مساجد به سخنرانی می پردازند و مردم شهر نیز ابراز احساسات شدیدی از خود نشان می دهند.

در جریان این عملیات، علاوه بر آزاد سازی شهر خرمال، ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق آزاد می شود. جاده خرمال به شهر کردکوه و جاده خرمال به سید صادق تحت کنترل در می آید. همچنین بیش از ۱۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی می شوند و بیش از ۵۵۰ تن نیز به اسارت در می آیند. بر اثر آتش سنگین، ده ها دستگاه تانک و نفربر منهدم و تعدادی نیز به عنیت گرفته می شوند.

رادیو بغداد سکوت اختیار می کند، ولی مطبوعات کویت فاش می کنند که صدام از سفر مصر منصرف شده است. طارق عزیز وزیر امور خارجه صدام برای سرپوش گذاشتن بر شکست عراق در این عملیات، مدعی می شود که فتح خرمال فقط یک شایعه است که توسط دشمنان عراق نقل شده است.

مرحله دوم عملیات والفجر ۱۰

رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران، (ساعت ۲/۳۰ دقیقه ۲۵/۱۲/۶۶) در مرحله دوم این عملیات با حمله گسترده از شمال به جنوب منطقه درگیری و پس از عبور از موانع ایدایی، ارتفاعات پوشیده از برف سورنو، ارتفاعات ۲۲۰۰ و ۲۳۰۰، به نیروهای کماندویی و مخصوص عراق یورش می برند و ضربات سنگینی را به آنها وارد می آورند. در این مرحله از عملیات، جاده خرمال - ملاویس به کنترل در می آید و بیش از ۲۰ روستای دیگر از جمله تپه کلاری، حاجی رقه را در حاشیه دریاچه دربندیخان آزاد می کنند و ارتباط شمال و جنوب استان سلیمانیه عراق به طور کامل قطع می شود. با گسترش عملیات، شهر ۲۰/۰۰۰ نفری دوجله در آستانه آزادی قرار می گیرد و رزمندگان آزادیبخش اسلام با درهم شکستن تمامی موانع، در شامگاه روز چهارشنبه ۲۶ اسفند با سربلندی وارد شهر دوجله می شوند.

در جریان این عملیات جاده اصلی سلیمانیه به شهرهای جنوبی استان سلیمانیه قطع می شود. یگان هایی از تیپ یکم کماندویی سپاه چهارم، تیپ ۶۸ نیروی مخصوص، گردان یکم دفاع الوطنی، گردان زرهی الطیب از لشکر ۱۸ پیاده عراق منهدم و گردان های ۷ دفاع الوطنی و ۲۵ حفاظتی حزب الله متحمل خسارات و تلفات سنگینی می شوند.

در این عملیات - که در منطقه ای به وسعت ۱۰۰ کیلومتر مربع انجام می گیرد - بیش از ۲۵۰۰ نفر دیگر از نیروهای عراق کشته و یا زخمی و بیش از ۱۰۰۰ نفر از جمله سرلشکر ستاد لشکر ۴۳ پیاده وابسته به سپاه یکم به اسارت در می آیند. هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران در میان کثرت هواپیماهای دشمن، عمل تدارکات و پشتیبانی را به بهترین نحو انجام می دهد. نیروهای جان برکف مهندسی - رزمی نیز با احداث راه، رزمندگان اسلام را در عمق ۴۰ کیلومتری خاک عراق یاری می کنند.

مرحله سوم عملیات والفجر ۱۰

مرحله سوم این عملیات در اولین ساعات روز ۶۶/۱۲/۲۶ و با هدف تصرف شهر حلبچه از چندین محور و از طرف شمال به جنوب انجام می شود.

رزمندگان اسلام (متشکل از بسیجیان سلحشور، رزمندگان جهاد سازندگی، نیروی دریایی و زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) برای آزاد سازی حلبچه، با حمایت برتر و موفق هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به سمت این شهر به حرکت در می آیند. نیروی دریایی سپاه تعداد زیادی شناور سبک و سنگین به منطقه عملیاتی انتقال می دهد و قسمت زیادی از کار تدارکاتی و پشتیبانی رزمندگان خط شکن را به عهده می گیرد و آنها را از رودخانه های سیروان، زیمکان و لیل - که در جنوب شرقی استان سلیمانیه قرار دارند - عبور می دهد و پس از آن رزمندگان را در یک عملیات حماسی و تحسین برانگیز به دامنه ارتفاعات بالامبو می رساند.

قوای اسلام پس از تهاجمی بی امان به ارتفاعات بالامبو، ارتفاعات ۱۴۶۳، ۱۴۸۳، ۱۴۶۴، ۱۳۹۸، ۱۳۰۲، ۱۶۰۲، ۱۴۵۳، ۱۱۵۹، ۱۰۷۸، ۱۰۲۲ را آزاد می کنند و همچنین تعداد ۹۰ روستا را از کنترل عراق خارج می سازند و به تصرف خود در می آورند.

در ادامه عملیات و هجوم بی امان، روستاهای حد فاصل شهر دوجیله و دریاچه دربندیخان از وجود بعثیان پاک سازی می شون و پادگانهای مهم زمقی و حلبچه تحت کنترل در می آیند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران موفق می شود خود را به شرق دریاچه دربندیخان برساند و در کمترین مدت، اسکله هایی را در ساحل این دریاچه نصب کند به دنبال آن، نیروی زمینی سپاه موفق می شوند نیروهای مستقر در ارتفاعات شمال شرقی حلبچه را تارومار کنند و این شهر را به محاصره خود در آورند.

در جریان آزاد سازی شهر حلبچه، چند روستای دیگر نیز از چنگال بعثیان خارج می شود. جان بر کفان اسلام با محاصره کامل منطقه عملیاتی و تصرف ارتفاعات پرویند، قادیو، پنج قلعه و سویی هولت، ضربات سنگینی به یگان های دشمن مستقر در اطراف شهر حلبچه وارد می سازند که در این تهاجم و مرحله آزاد سازی شهر حلبچه، لشکر ۶۳ از سپاه یکم، گردان های کماندویی لشکر ۳۶، گردان تانک الطیب از لشکر ۳۹، گردان های توپخانه ۹۴۳ و ۶۶۱، تیپ کماندویی سپاه چهارم تیپ ۶۸ نیروی مخصوص گران یکم دفاع الوطنی، گردان ۲ و ۳ از تیپ ۴۴۳، گردان زرهی الطیب از لشکر ۱۸ پیاده و گردان های ۷ و ۱۹ احتیاط منهدم می شوند و جمع کشته ها و زخمی های ارتش عراق به بیش از ۸۰۰۰ نفر و آمار اسرای تخلیه شده به پشت جبهه به ۳۵۰۰ نفر می رسد همچنین مساحت اراضی آزاد شده به ۸۰۰ متر بالغ می شود. یگان زرهی سپاه بدر در این مرحله از عملیات، با تیپ ۸۰ زرهی دشمن درگیر می شود که با به کارگیری انگلیسی T.72 که در عملیات والفجر ۸ به غنیمت گرفته بود، یک تیپ کامل دشمن را منهدم می سازد.

مرحله چهارم عملیات والفجر ۱۰

مرحله چهارم این عملیات در مورخه ۲۹ اسفند، از دو محور شمالی و جنوبی و به قصد تصرف شهرهای نوسود، طوبه و بیاره آغاز می شود. رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی و حمایت نیروهای مهندسی-رزمی سپاه، جهاد سازندگی، هوانپروز و نیروی هوایی ارتش، هجوم کوبنده خود را متوجه ارتفاعات مشرف بر شهر حلبچه می کند.

گروه تخریب با جمع آوری و خنثی سازی میادین مین، راههای عبور و رسیدن به قلب دشمن را باز می کند.

با گشوده شدن راه های عبور توسط تخریبچی های از جان گذشته، نیروهای خط شکن با هجومی دیگر به ارتفاعات اطراف شهر حلبچه، شهر را از سلطه و دید مستقیم دشمن خارج کرده و ارتفاعات ۱۷۴۷ و سوسه کان را پاکسازی می کنند.

نیروهای مهندسی-رزمی سپاه و جهاد سازندگی پس از شکسته شدن خطوط دفاعی دشمن با قدرتی بی نظیر در نقاط صعب العبور جاده احداث می کنند و با تلاشی مضاعف، راه را برای عبور نیروهای سپاه پاسداران باز می کنند. جنگنده های تیز پرواز نیروی هوایی ارتش با انهدام جنگ افزارهای دشمن، به حمایت برادران سپاهی و بسیجی بر می خیزند.

نیروهای اسلام طی نبردی شدید، ارتفاعات سنم، یال مشرف بر شهر های بیاره و طویله، ارتفاعات کاوکش، یروید و همچنین یال مشرف بر ارتفاعات سوسه کان را تصرف می کنند و پیرزومندان وارد شهر نوسود - که مدت ۷ سال در اشغال نیروهای بعثی و ضد انقلاب بود - می شوند.

رزمندگان پیروز، در تداوم عملیات، دامنه حملات خود را به سمت نیروهای مستقر در اطراف شهرهای بیاره و طویله گسترش می دهند و تلفات و خسارات زیادی در این محور بر دشمن تحمیل می کنند. هلی کوپترهای کبری با هدف قرار دادن ادوات زرهی و مواضع دشمن، رزمندگان سپاه پاسداران را یاری می کنند و تعداد پروازهای جنگی خود را به ۵۸۸

سورتی می رسانند. نیروهای اسلام پس از درهم شکستن آخرین مقاومت‌های دشمن، پیروزمندانه وارد شهر طویله و بیاره عراق می شوند که با این فتح، عملیات والفجر ۱۰ به اوج خود می رسد. در این مرحله از عملیات بیش از ۱۰۰۰ تن از نفرات دشمن کشته یا زخمی می شوند و تعداد ۴۰۰ نفر دیگر از آنها به اسارت در می آیند و وسعت مناطق آزاد شده به ۹۰۰ کیلومتر مربع افزایش می یابد. بدین ترتیب تعداد کشته و زخمی عراق از آغاز عملیات والفجر ۱۰ به بیش از ۹۲۰۰ تن و تعداد اسرای تخلیه شده به پشت جبهه به ۴۰۰۰ نفر می رسد. همچنین تعداد زیادی تانک، خودرو و نفر بر در این عملیات به غنیمت گرفته می شود. نیروی هوایی عراق در تداوم بمباران های سنگین و پیاپی تلاش می کند ضعف نیروی زمینی بعث را جبران و رزمندگان اسلام را وادار به توقف نماید که در این میان چند فروند از جنگنده های که خلبانان بعثی آن خود را به آب و آتش می زدند هدف قرار می گیرند.

رادیو بغداد در حالی که شهرهای خرمال، حلبچه، نوسود، بیاره و طویله آزاد شده و قریب ۴۰۰۰ نفر به اسارت در آمده بودند، همچنان آزاد سازی این شهرها را تکذیب و مورد کشتار حلبچه سکوت اختیار می کند.

رزمندگان سپاه اسلام، در اولین ساعات بامداد روز شنبه ۲۹ اسفند، مواضع دشمن بعثی و ضد انقلاب خود فروخته را در شمال غربی شهر خرمال مورد حمله قرار می دهند و با پیشروی در خطوط دفاعی آنها تعداد ۲۰۰ نفر از بعثی ها و ۲۰۰ نفر از ضد انقلاب ها به هلاکت می رسانند و ۱۰ روستای دیگر را به تصرف خود در می آورند. همچنین سرهنگ ستاد، اسماعیل احمد حامد، فرمانده تیپ یکم کماندوئی سپاه چهارم و سرهنگ شتوی صلیبی، فرمانده گردان یکم کماندوئی از لشکر ۲۸ را که در روستای آزاد شده مخفی شده بودند، به اسارت در می آوردند.

یگان های زرهی عراق با جمع آوری نیروهای پراکنده خود اقدام به پاتک می کنند که با مقابله شایسته مواجه می شوند و پس از تحمیل تلفات و خسارات به عقب رانده و... بیش از ۵۰ کیلومتر دیگر از خاک عراق آزاد می شود و رزمندگان به تثبیت موقعیت می پردازند.

مرحله پنجم عملیات والفجر ۱۰

مرحله پنجم این عملیات در شامگاه چهارشنبه ۶۷/۱/۱۳ در خجسته میلاد امام سجاد (ع) در محور خرمال- سید صادق آغاز می شود و ظفرمندان اسلام با هجوم به قوای دشمن در این محور- که تنها راه ارتباطی نیروهای عراق به منطقه والفجر ۱۰ از شمال محسوب می شد- ضربات سختی را به نیروهای تازه رسیده، وارد می آورند. فرماندهان عراقی، که با آوردن این نیروها قصد اجرای پاتک های سنگینی را داشتند، با حمله غافلگیرانه مواجه و با از دست دادن بخش هایی از لشکرها و تیپ های خود، از این محور به عقب رانده می شوند.

در این مرحله از عملیات، تیپ های ۹۵ پیاده کماندویی از سپاه پنجم، تیپ ۲۵ مکانیزه، چهار گردان از تیپهای ۱۸ و ۴۶ و مار می شونند. با کشته و زخمی شدن ۱۰۰۰ نفر دیگر، تعداد تلفات عراق افزایش می یابد. همچنین با به اسارت درآمدن ۴۱۰ نفر دیگر، آمار اسرای عراق به ۴۴۰۰ نفر می رسد و طی سرکوب پاتک دشمن، یک هواپیما و یک هلی کوپتر آنها سقوط می کند.

یگان های ضد زره سپاه با پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، تعداد ۳۰ دستگاه تانک و ده ها نفربر را به آتش می کشند و تعدادی را نیز به غنیمت می گیرند. در این نبرد ارتفاعات ۵۲۱، ۵۳۹، ۵۵۷ مشرف بر شهر سید صادق و چند روستای منطقه - که از شمال به سلسله ارتفاعات آزاد شده سورن، از جنوب به شرق دریاچه دربندیخان، از شرق به شهر حلبچه و خرمال و از غرب به شهر سید صادق متصل است - آزاد می شوند. دشمن برای بازپس گیری مناطق از دست داده بار دیگر اقدام به جمع آوری نیرو و پاتک می کند که بلافاصله با عکس العمل جانانه رزمندگان شکست ناپذیر اسلام روبرو می شوند.

در این پاتک چهار گردان از عراق به میزان ۷۰ درصد و تیپ ۴۴۳ به میزان ۸۰ درصد خسارت می بینند. در پایان عملیات، لشکر ۱۶ قدس سپاه گیلان مأموریت می یابند که با نیروهای دشمن مستقر در ارتفاعات سورن درگیر شود. پیاده های این لشکر به ارتفاعات سورن هجوم می برند و پس از به هلاکت رساندن نیروهای دشمن، این ارتفاعات را پاک سازی می کنند. پس از اجرای این مأموریت و تحقیق هدف، دستور عقب نشینی زمینی خود، منطقه را هدف بمب های شیمیایی قرار می دهد و در این میان شهید املاکی قائم مقام لشکر ۱۶ قدس به شهادت می رسد. و بدین ترتیب عملیات والفجر ۱۰ با نتایج بسیار درخشان خاتمه می یابد.

نتایج عملیات والفجر ۱۰

مناطق و تأسیسات آزاد شده:

- شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله (سیروان)، بیاره، طویله.

- بیش از ۱۰۰ روستای منطقه و تصرف بخشی از جاده خرمال - سلیمانیه و سید صادق.

- شهر نوسود (که مدت ۷ سال در اشغال دشمن بود).

- ارتفاعات سورن ۱۰۵۸، ۲۳۰۰، ۲۲۰۰ ریشن و گوزیل.

تجهیزات منهدم شده هواپیما دشمن:

- ۱۰ فروند هواپیما.

- یک فروند هلی کوپتر.

- ۴۵۰ دستگاه تانک و نفر بر.

- صدها دستگاه خودرو.

- ده ها قبضه انواع توپ و خمپاره انداز.

- تعداد زیادی تجهیزات و سلاح های سبک و نیمه سنگین.

یگان های منهدم شده دشمن:

- لشکر ۴۱ از سپاه یکم.

- تیپ ۷ زرهی.

- تیپ ۱ کماندویی از سپاه چهارم.

- تیپ ۶۸ نیروی مخصوص.

- تیپ ۹۵ پیاده.

- تیپ ۲ کماندویی از سپاه پنجم.

- تیپ ۴۴۳ به میزان ۱۰۰ درصد.

- تیپ ۲۵ مکانیزه به میزان ۳۰ درصد.

- گردان ۸ دفاع الوطنی.

- گردان زرهی الطیب از لشکر ۱۸ پیاده.

- گردان های ۷ و ۱۹ احتیاط.

- یک گردان های تانک از لشکر ۳۹.

- گردان های توپخانه ۹۴۳، ۶۶۱.

- دو گردان از تیپ ۸۰ زرهی.

- دو گردان از تیپ ۴۶ زرهی لشکر ۱۲.

غنائم:

- بیش از ۲۵۰ دستگاه تانک و نفربر.

- صدها دستگاه خودرو نظامی.

- ۷۰ قبضه توپ و کاتیوشا.

- دهها قبضه خمپاره انداز.

- مقدار زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین.

تعداد کشته و زخمی دشمن:

- بیش از ۱۱۰۰۰ نفر.

تعداد اسرار:

- بیش از ۴۴۰۰ نفر از جمله یک سر لشکر، دو تیپ، هفده سرهنگ، هشت سروان،

- ۳۴ ستوان و ده ها درجه دار.

- نیروهای عمل کننده سپاه با حمایت ارتش

هشتمین سال دفاع مقدس شهریور ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۷

هشتمین سال جنگ در حالی آغاز شد که درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس، با حملات امریکا به سکوهای نفتی ایران و مقابله ایران به نقطه اوج خود رسید. با فرارسیدن ماه آبان امریکایی ها به تدریج از مواضع خود عقب نشینی کردند. چنان که پس از اصابت موشک به اسکله «الاحمدی» کویت در بامداد ۱۳۶۶/۷/۳۰ و انفجار یک بمب در کویت در ۲ آبان ماه همان سال، ریگان رئیس جمهور وقت امریکا با توجه به عدم دستیابی امریکا به اهداف خود برای پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی در خلیج فارس، اعلام کرد:

«فکر نمی کنم در محاسبه هیچ چیز دچار اشتباه شده باشیم. ما در آن جا (خلیج فارس) برای آغاز جنگ حضور نداریم ... ما گفته ایم در صورتی که مورد حمله واقع شویم از خود دفاع می کنیم.»

این اظهارات، به روشنی نشان دهنده عدم تمایل امریکا به ادامه درگیری هاست؛ چنان که وزارت خارجه امریکا رسماً اعلام کرد:

« به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک شده توسط ایران پاسخ لازم را بدهد.»

به این ترتیب امریکایی ها به رغم تبلیغات و توافق برای اعمال پشتیبانی از کویت، سرانجام به دلیل نگرانی از عواقب تداوم و گسترش درگیری ایران و امریکا، تصمیم گیری در مورد پاسخ به حملات موشکی را به عهده کویت گذاشتند. وزیر دفاع وقت امریکا با پذیرش تلویحی شکست امریکا در درگیری با ایران، اعلام کرد:

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه جویی ایران، اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات ایران است.»

سفیر کویت در امریکا نیز طی مصاحبه با روزنامه به «الشرق الاوسط» با توجه به تغییر موضع امریکا اظهار داشت:

«منافع کشورهای شورای همکاری این است که با آرامش و صلح در کنار ایران زندگی کنند ... درگیر شدن با ایران آسان است؛ ولی پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار!..»

ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، با صدور بیانیه ای تحریم اقتصادی ایران را اعلام کرد. در بیانیه صادره چنین تأکید شده است:

«ما فقط پس از تلاش های مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران، دست به چنین تحریم های اقتصادی زدیم!»

از جمله موارد تحریم، مساله خرید نفت از ایران ذکر شده است.

به دلیل بن بست نظامی، امکان اجرای عملیات گسترده و پیروز در جنوب وجود نداشت و در ضمن این که امکان تهاجم دشمن همچنان پا برجا بود؛ با این تفاوت که حصول پیروزی در منطقه غرب کشور، با پیشروی به سمت سلیمانیه و کرکوک، می توانست تجزیه قوای دشمن را در پی داشته باشد. در عین حال، عوامل مؤثر در تغییر رویکرد نظامی ایران از جنوب به غرب، به شرح زیر بود:

۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در جنگ؛

۲- حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن؛

۳- گشودن جبهه جدید در مقابل دشمن و تجزیه قوای آن؛

۴- کسب زمان از دشمن برای دستیابی به راهکار جدید در جنوب.

در عین حال، غافلگیری در فاو و به کارگیری سلاح شیمیایی به نحوی گسترده، نقش مؤثری در سقوط فاو داشت. عراقی ها با استفاده از زمان تمرکز نیروهای ایران در منطقه غرب کشور، تهاجم خود را به فاو آغاز کرد و موفق به باز پس گیری آن شدند. البته برتری بارز عراق در تجهیزات و آمادگی قوا نیز به گونه ای بود که با فرض عدم غافلگیری ایران، با توجه به موقعیت فصلی و عدم حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ و تحلیل رفتن ایران به علت اجرای عملیات والفجر ده، احتمالاً سقوط فاو به جای ۳۶ ساعت، زمان بیشتری طول می کشید.

به عبارت دیگر، تفوق استراتژیک عراق، وضعیت را به گونه ای اساسی به نفع عراق و به زیان ایران تغییر داده بود و مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید، امری بسیار دشوار بود.

ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در ساعت ۸ صبح ۱۳۶۷/۳/۴ حمله به منطقه شلمچه را آغاز کرد. در این هجوم، منطقه شلمچه طی ۸ ساعت سقوط کرد؛ درحالی که نیروهای ما در این منطقه نسبت به منطقه فاو آماده تر بودند، عقبه مناسبی داشتیم، هوشیار بودیم و غافلگیر نشدیم؛ زیرا از ۲۴ ساعت قبل، تحرکات عراق و تجمع نیرو، نشان دهنده آمادگی عراق برای

عملیات بود. این اراده وجود داشت که اگر نیروی احتیاط در اختیار داشتیم و خطوط تقویت می شد، شلمچه را حفظ می کردیم؛ ولی دشمن قدرتمند و تغییر تاکتیک داده بود.

امکانات فوق العاده تجهیزات پیشرفته، کاربرد سلاح های غیر متعارف همچون شیمیایی و گسترش سازمان ارتش عراق، امکان مانور گسترده با استفاده از شیوه های جدید را به عراق داد. این تغییرات در ارتش عراق و شیوه های رزم و برتری چشمگیر این کشور از نظر نیرو و سازمان، بعد از سقوط فاو، مورد توجه رسانه های خارجی و تحلیل گران نظامی قرار گرفت؛ ولی پس از سقوط شلمچه، "تغییر استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی عراق" و ظهور نشانه های آشکار از کارایی این استراتژی، مورد توجه واقع شد. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات عراقی نوشت:

« آنها می گویند استراتژی تازه ای در پیش گرفته اند. »

نظر به اهمیت منطقه شلمچه و نگرانی های جمهوری اسلامی از احتمال پیشروی دشمن از محور شلمچه به سمت خرمشهر و آبادان، یگان های سپاه پاسداران در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۲۲ طی عملیاتی با نام "بیت المقدس هفت" به نیروی های دشمن هجوم بردند و خسارات بسیاری را بر آنها و امکاناتشان وارد کردند.

در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۴ تهاجم نیروهای عراق به جزایر مجنون آغاز شد. این حمله، اوج قدرت عراق بود و پس از آن، با توجه به بازپس گیری کلیه مناطق آزاد شده، عراقی ها مواضع جدیدی اتخاذ کردند. «نزار حمدون» معاون وزیر خارجه عراق اعلام کرد: «زمان به نفع ایران نیست و در مرحله نهایی جنگ هستیم. عراق نمی تواند صرفاً یک آتش بس را بپذیرد!» طه یاسین رمضان، معاون نخست وزیر عراق نیز طی مصاحبه ای گفت: «نتیجه جنگ در روزها، هفته ها و ماه های آینده روشن خواهد شد.» تأکید نزار حمدون بر این مساله که عراق از این پس تصمیم ندارد مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند، نشان دهنده تصمیم عراق بر تداوم تهاجمات بود؛ چنان که نیروهای عراقی حملات گسترده ای را به خطوط ارتش با هدف گرفتن اسیر و غنائم آغاز کردند. در این مرحله، تعداد زیادی نیرو و مقدار بسیاری امکانات ارتشی به اسارت و غنیمت گرفته شد و در بغداد به نمایش گذاشته شد.

بنابه یک ارزیابی شتابزده در مورد علل سقوط این مناطق در مرحله پایانی جنگ، می توان به عوامل زیر اشاره کرد.

۱- از سال ۱۳۶۲ ارتش در خواست کرد سپاه نیز در خطوط پدافندی مستقر شود، در سال ۱۳۶۷ نیروی متحرک و هجومی سپاه در بدترین موقعیت پدافندی، در مناطقی مانند فاو، شلمچه، مهران، جزایر مجنون، هور، ماووت و حلبچه زمین گیر شده بود.

۲- عدم توسعه توازن رزم جمهوری اسلامی به تناسب گسترش دامنه جنگ و به تبع آن، رشد کند سازمان رزم سپاه، با ضرورت های جنگ، هیچ گونه تناسبی نداشت.

۳` متقابلاً توسعه توان رزم عراق، امکان پاسخ گویی به تهاجمات ایران در یک یا چند منطقه را می داد؛ ضمن این که عراق قادر به آفند در چند منطقه به صورت همزمان بود.

۴` استفاده گستاخانه عراق از سلاح های شیمیایی، به دلیل برخورداری از حمایت تکنولوژیک و سیاسی - تبلیغاتی غرب، از عوامل مؤثر و مهم سقوط خطوط پدافندی خودی در این دوره است.

عملیات مرصاد در یک نگاه

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، همان گونه که عراق را در بن بست سیاسی و نظامی شدیدی قرار داد و توطئه های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود، نقش بر آب کرد، بر گروه ها و عناصر به اصطلاح "پوزسیون" نیز شوک شدیدی وارد کرد. در این میان، منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت (!) و هستی سازمان خود را در گرو جنگ نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند. بنابراین، برای خارج شدن از این بن بست، توطئه مزبور که ماموریت انجام آن به عهده سازمان محول شده بود، توسط این گروه به مرحله اجرا درآمد.

منافقین سابقاً در تحلیل های درون گروهی خویش، امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غیر ممکن دانسته و به صراحت ادعا کرده بودند جمهوری اسلامی تنها در صورتی که به لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی به بن بست کامل برسد، به صلح رضایت خواهد داد و در آن شرایط، ضمن تحقق کامل و قطعی سقوط، قدرت به سازمان منتقل خواهد شد (!) به این ترتیب، با توجه به شرایط جدید پیش آمده در جنگ، این زمان را بهترین فرصت برای دستیابی به اهداف پلید خود دانسته و به رغم آن که طرح حمله به ایران، برای سالگرد جنگ تدارک دیده شده بود، به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی، زمان آن ۲ ماه جلو انداخته شد.

پیش از این، اطلاعاتی به دست آمده بود حاکی از آن که رژیم عراق در صدد است در فاز جدید جنگ، با استفاده از ضد انقلابیون، اقداماتی شبیه آنچه که قرارگاه رمضان در داخل عراق انجام می داد، صورت دهد. در این میان، منافقین طی دو عملیات تحت عناوین "آفتاب" در فکه و "چلچراغ" در مهران، تا حدودی آمادگی خود را برای محوریت کار در داخل کشور، نزد حاکمان بعثی به اثبات رسانده بودند. از آن جا که عراق به دلیل پذیرش قطعنامه، بهانه ای برای تجاوز جدی به ایران نداشت، با حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی، لجستیکی و هوایی از منافقین، نیروهای خود را از انجام دخالت مستقیم در ورود به عمق خاک ایران بر حذر داشت و به همین منظور، ابتدا برای کاستن از حجم نیروهای خودی در غرب، اقدام به تک

وسعی در خرمشهر کرد و سپس با هجوم و اجرای آتش سنگین در منطقه سرپل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را به تصرف درآورد. با این اقدام خود، راه ورود منافقین را به داخل، هموار نمود و برای پشتیبانی، در چندین نوبت، اقدام به بمباران هوایی خطوط و نیروهای ایران کرد و هلی کوپترهای نیروبر دشمن نیز طی این مدت، به طور مرتب به پشتیبانی منافقین مشغول بودند.

هدف عملیاتی منافقین از حرکت سریعی که در عمق خاک ایران و با تانک های برزلی دجله (دارای چرخ های لاستیکی و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت) انجام می شد، تسخیر چندین شهر و در نهایت، رسیدن به تهران بود. آنان در نظر داشتند با وارد کردن ۱۳ تیپ نیروی رزمی به تهران، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم، به خیال خود قدرت را به دست گیرند. طبق زمانبندی این طرح، نیروهای مناطق باید ساعت ۶ بعد از ظهر روز دوشنبه ۳ مرداد ماه به «کرنده» و ساعت ۸ شب به «اسلام آباد» و ۱۰ شب به «باختران» رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام می کردند و اگر چه در ساعت های مقرر به کردند و اسلام آباد رسیدند، اما در مسیر اسلام آباد-باختران در گردنه حسن آباد، از پیشروی آنها جلوگیری شد.

در این عملیات که نام آن "فروغ جاویدان" بود، به اصطلاح ۲۵ تیپ از منافقین که هر تیپ به طور متوسط شامل ۲۰۰ نفر بود، شرکت داشتند و به این ترتیب، مجموعاً بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نیروی عملیاتی وارد خاک ایران شدند.

در چارت مربوط به این عملیات که از منافقین به دست آمده، فرماندهی کل در راس آن قرار داشته و از طریق مسوولان محورها، عملیات را هدایت می کرد. برای هر محور به تناسب اهمیت ماموریت، دو یا چند تیپ در نظر گرفته شده بود. فرماندهان محورها و ماموریت آنها عبارت بودند از:

۱ «مهدی براتی»، فرمانده محور اول و مسوول تسخیر اسلام آباد؛

۲ «ابراهیم ذاکری»، فرمانده محور دوم و مسوول تسخیر باختران؛

۳ «محمود مهدوی»، فرمانده محور سوم و مسوول تسخیر همدان؛

۴ «مهدی افتخاری»، فرمانده محور چهارم و مسوول تسخیر قزوین؛

۵ «محمود عطایی»، با معاونت مهدی ابریشم چی، فرمانده محور پنجم و مسوول تسخیر تهران.

علاوه بر محورهای فوق، «ثریا شهری» مسوول کل تدارکات، «محمدعلی جابرزاده انصاری» مسوول تبلیغات، «محمد سیدالمحدثین» مسوول کل سیاسی و «شهرزاد حاج سیدجوادی» به عنوان مسوول دفتر انتخاب شده بودند.

عملیات مرصاد :

هنوز در جنوب، ارتش عراق به طور کامل تا خط مرزی عقب زده نشده بود که مقارن ساعت ۱۴:۳۰ مورخه ۱۳۶۷/۵/۳ منافقین همراه با ارتش عراق، هجوم مشترک خود را از طریق سر پل ذهاب به طرف شهر "کرنه" آغاز کردند. آنها عملیات خود را با هدف براندازی آغاز کردند؛ با این تصور که اوضاع بین المللی کاملاً بر زیان ایران است و همانند وضعیتی است که آلمان در اواخر جنگ دوم جهانی، گرفتار آن شده بود.

همچنین وضعیت نظامی ایران را به دلیل تهاجمات پی در پی عراق از هم پاشیده ارزیابی می کردند و اوضاع داخل ایران را به دلیل تحولات نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسیب پذیر می دانستند. به همین دلیل، منافقین می پنداشتند که با یک ضربه و شوک، نظام جمهوری اسلامی را فرو خواهد ریخت و این تنها فرصتی است که در اختیار دارند. رجوی در همان زمان، طی تحلیلی گفته بود که نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم و باید حمله کنیم و در شرایطی که رژیم نیروی جنگی ندارد، کار را تمام کنیم! مریم رجوی نیز در جمع نیروهای حمله کننده اظهار کرده بود: «وقتی از جبهه برویم، آن طرف کسی نیست که جلوی ما را بگیرد.» رجوی در پاسخ به سوال های حاضران در همین نشست می گوید:

« جمع بندی نهایی، در میدان آزادی! »

منافقین طرح خود را در یک نشست ۲۴ ساعته آماده کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ توجیه صورت گرفت و نام عملیات را «فروغ جاویدان» گذاشتند.

سخنگوی سازمان منافقین، استراتژی سازمان را وارد کردن هر چه بیشتر تلفات و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد (امام) خمینی ذکر کرد! در یکی از رسانه های غربی استراتژی منافقین "ایجاد منطقه آزاد شده" اعلام شد.

به هر صورت، بلافاصله پس از اطلاع مردم از هجوم منافقین، هزاران بسیجی راهی غرب کشور شدند. به همراه یگان های سپاه پاسداران، راه را بر منافقین بستند و از روبه رو و پهلو، به آنان هجوم آوردند و سازمان نظامی منافقین را در این عملیات، را متلاشی کردند. منافقین با آشکار شدن ناتوانی و برملا شدن آثار توهمات خود، با برجای گذاشتن کشتگان و اسیران بسیار، دوباره به داخل خاک عراق فرار کردند.

به این ترتیب، با حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه ها و پیام امام به سپاه پاسداران برای مقاومت و رفع تهاجم عراق و منافقین، سرانجام عراقی ها پس از تحمل تلفات و عدم موفقیت در لشکر کشی مجدد به خاک ایران و ناامیدی از کارایی منافقین به عنوان یک عامل تعیین کننده، با برقراری آتش بس موافقت کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ میان ایران و عراق آتش بس برقرار شد. «رابین رایت» متخصص مسائل منطقه، طی تحلیلی نوشت: برای ایران، اجرای آتش بس رسمی، نخستین

گام از اجرای استراتژی گسترده برای آغاز مرحله ای جدید در انقلاب آن کشور است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی، اهمیت بیشتری یافته است.

به این ترتیب، جنگ ایران و عراق پس از هشت سال، در حالی پایان یافت که به رغم حمایت همه جانبه غرب و شرق از عراق، که قدرت نظامی این کشور را به نحوی چشمگیر افزایش داده بود، آن کشور دستاورد قابل توجهی را به دست نیاورد.

جزئیات بیشتر:

پس از مقاومت نیروهای اندک سپاه و بسیج (در حد یک گردان) در دشت حسن آباد، و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات چهارزبر، به تدریج فرماندهی و نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق تصرف شده و انهدام نیروهای منافقین، در منطقه متمرکز شدند.

روز پنجشنبه، ۱۳۶۷/۵/۶ عملیات "مرصاد" با رمز یا "علی بن ابیطالب (علیه السلام)"، آغاز شد. در این عملیات، ۳ گردان از تیپ نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، تیپ مسلم و ۱ گردان از ایلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند همانند روزهای قبل، نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند؛ حال آن که عراقی ها عقب نشینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسلام آباد شوند. پیش از این، نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشتند، با نفوذ به داخل شهر، با دشمن درگیر شدند و سازماندهی منافقین را در داخل شهر برهم زدند. منافقین برای ترمیم ضربات وارده، ۲ تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فرا خواندند تا با پیشروی نیروهای خودی مقابله کنند. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ م حمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین، دشمن را دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیشروی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعد از ظهر، اسلام آباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال، خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را در هم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند.

بلافاصله پس از آزاد سازی شهر اسلام آباد، یگان های سپاه پیشروی را به سمت کردند آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر، در ساعت ۳ نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کردند به زمین نشستند و تعدادی از کادر منافقین و رهبری سازمان را از شهر خارج کردند. این واقعه، نشانه آشکاری از آغاز شکست منافقین بود؛ چنان که پس از مدتی با پیشروی نیروهای خودی به سمت کردند و انهدام تانک های زره پوش برزیلی منافقین، دشمن هر آنچه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات، ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود ۱۰۰۰ تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا، تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تیپ ها دیده می شدند. یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات

به اسارت در آمده بود، در اعترافات خود، حرکت منافقین را در منطقه اسلام آباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها دانست. این حرکت منافقین، آن چنان آنها را آسیب پذیر کرد که باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد. به این ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه "پاطاق" روز جمعه ۱۳۶۷/۵/۷ رسماً اعلام کردند که از شهرهای اسلام آباد و کردند عقب نشینی کرده اند!

بازتاب و پیامدها مرصاد

اقدام مشترک عراق و منافقین در پیشروی به عمق خاک ایران، بازتاب گسترده ای یافت و حساسیت های زیادی را برانگیخت؛ زیرا این تحرکات پس از موافقت ایران با قطعنامه شورای امنیت، درحالی انجام گرفت که اراده بین المللی بر پایان جنگ مصمم شده بود؛ ولی اقدام عراق و منافقین عملاً به معنای ادامه جنگ بود.

"هاروی موریس" از روزنامه "ایندیندنت" طی تحلیلی در مورد اهداف و استراتژی منافقین نوشت:

« استراتژی فعلی مجاهدین و عراق، ظاهراً ایجاد یک منطقه آزاد شده در دست مجاهدین است تا از این طریق، سازمان مخالف رژیم ایران، نقشی در توافق نهایی صلح داشته باشد.»

یک نشریه دیگر نیز اقدام منافقین را، به دلیل نگرانی آنها از سرنوشت خود در صورت موافقت عراق با آتش بس دانست.

پشتیبانی عراق از منافقین و پیوستگی آنها در انجام این عملیات مخالف جمهوری اسلامی مورد بحث محافل خبری قرار گرفت؛ آن چنان که خبر گزارى رويتر در این باره به نقل از یک دیپلمات گزارش داد:

« تحلیل گران معتقدند، این عملیات نمی توانسته بدون پشتیبانی قوی ارتش عراق، به ویژه پوشش آتش توپخانه صورت گرفته باشد.»

خبر نگار رادیو لندن نیز در این باره گفت:

« کمتر کسی معتقد است که مجاهدین به تنهایی دارای تجهیزات زرهی، افراد کافی یا حتی نیروی آتش باری باشند که بتوانند بدون پشتیبانی یک ارتش منظم، تا این اندازه در داخل خاک ایران مقاومت نشان دهند.»

روزنامه لوموند حدود یک ماه پیش از عملیات مشترک عراق و منافقین، تصریح کرده بود که «ارتش آزادیبخش ملی ایران» به عنوان جزیی لاینفک از آرایش نظامی ارتش عراق است و هر گونه فعالیت نظامی آن، بدون اجازه فرماندهی عالی عراق قابل تصور است. در همین راستا، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات ها اعلام کرد، با توجه به گفتگوهای صلح که در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه دارد، دیپلمات ها گمان می کنند که بغداد از ارتش آزادیبخش ملی برای حفظ فشار نظامی بر تهران استفاده می کند.

در این حال، تأثیر و پیامد های استقرار منافقین در داخل عراق و همکاری آنها با ارتش عراق برای حمله به خاک ایران، مورد توجه تحلیل گران قرار گرفت. رادیو لندن در تحلیلی گفت:

«حمله مجاهدین به هر منظوری که انجام گرفته باشد، در ظاهر، تأثیر مطلوبی در داخل ایران نداشته است.»

در این تفسیر همچین تأکید شده است:

«در باره مقاصد عراق برای حمایت از مجاهدین و حملات آنها به داخل ایران، نظریه های مختلفی وجود دارد که قدرت نمایی در مقابل مجاهدان عراقی طرفدار ایران و نیز ایجاد پایگاهی برای نیروهای مسعود رجوی در داخل ایران، از آن جمله است. به عقیده ناظران، اگر رسیدن به اهداف بالا در نظر بوده، توفیقی حاصل نشده است؛ زیرا شمار زیادی از مجاهدین در این نبرد کشته شده اند.»

مفسر نشریه گاردین لندن نیز نوشت:

« طرفداران رجوی قادر نیستند احساس واقعی مردم ایران را درک کنند و نمی دانند که ایرانیان با هرگونه افراطی گری از جمله از نوع منافقین، بیزارند. بزرگترین اشتباه رجوی، این بوده است که تشکیلاتش را کاملاً به دامان صدام انداخته و اکثر منتقدان رجوی می گویند این کار خودکشی سیاسی است.»

«دیوید هرست» در پایان مقاله خود آورده است:

«با این اقدام، روحیه ایران دوباره زنده شد و به جای این که باعث از هم پاشیدگی درونی ایران شود، به تحکیم آن کمک کرد.»

تایمز مالی نیز نوشت:

«مجاهدین در داخل ایران، از حمایت گسترده ای برخوردار نیستند.»

برتری ایران در صحنه نظامی که موجب عقیم ماندن طرح مشترک عراق و منافقین شده بود، موضع سیاسی این کشور را که در حال مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بود، تقویت کرد. بر پایه همین ملاحظه کلی، فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) در خطبه های نماز جمعه تهران گفت:

« اگر عراق به تجاوزات خود ادامه دهد، شاهد پاسخ ما در میدان جنگ خواهد بود.»

امریکایی ها که از تحرکات عراق و منافقین علیه ایران ناخشنود بودند، همراه با اعضای داخلی دیگر شورای امنیت و عربستان سعودی، عراق را تحت فشار قرار داده و از کشورهای عربی نیز خواستند به عراق در خصوص پیشروی غیرقابل اداره منافقین هشدار دهند.

در این حال، "چارلز ردمن"، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در موضع گیری آشکاری گفت:

« ارتش آزادیبخش ملی ایران مستقر در عراق، با پشتیبانی عراق عمل می کند و در پی سرنگون ساختن از طریق زور است.»

وی تأکید کرد:

«امریکا از گروه هایی که در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور هستند، حمایت نمی کند.»

تغییر اوضاع به سود ایران

عراق و منافقین علاوه بر این که در چهارچوب سیاست های منطقه ای شوروی عمل می کردند، از لحاظ نظری و گرایش های فکری نیز متأثر از مبانی فکری روس ها بودند. با توجه به نگرش سوسیالیستی روس ها نسبت به ریشه بحران های اجتماعی که معتقد بودند ناکامی نظامی در ایجاد شورش، قیام و انقلاب مؤثر است.

عراق و منافقین نیز می پنداشتند که ناکامی های نظامی ایران، می تواند به بحران داخلی، اعم از بی انضباطی اجتماعی یا بحران "مشروعیت" منجر شود و فرصت مناسبی را برای بهره برداری در اختیار آنها قرار دهد. تجربه روسیه پس از شکست از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و طرح تفکرات سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ میلادی که در میان جنگ اول به پیروزی کمونیست ها منجر شد، حاوی همین تجربه بود. بعدها، "استالین" در نامه ای به "پیشه وری" در توجیه علت عقب نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران، از آن به عنوان تاکتیک های "لنین" یاد کرد. استالین در این نامه آورده است:

« ایران درگیر جنگ با یک دشمن خارجی نیست که یک ناکامی نظامی بتواند محافل انقلابی ایران را تضعیف کند. نتیجه آنکه در ایران وضعیتی وجود ندارد که بتواند با تاکتیک های لنین در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ میلادی تطابق داشته باشد. »

آنچه عراق و منافقین را ناکام گذاشت و محاسبات آنها را در هم ریخت، در واقع، در منطقه کانونی آنچه که آنها به سود خود ارزیابی می کردند، به وقوع پیوست؛ پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸ و ادامه حملات عراق و منافقین، روند تحولات داخلی و سپس اوضاع نظامی را به سود ایران و به زیان عراق و منافقین، دستخوش تغییر کرد. به تدریج فشار بین المللی بر عراق افزایش یافت؛ به گونه ای که تمام ناظران و تحلیل گران به اقدامات عراق و منافقین با دیده تردید می نگرستند.

تلاش نیروهای عراقی در آستانه اشغال مجدد خرمشهر، پیام امام به سپاه و واکنش مردم نسبت به این رخداد ها که حضور در صحنه های جنگ را در پی داشت، وضعیتی همانند روزهای آغاز جنگ به وجود آورد؛ چنان که آقای هاشمی در ترسیم وضعیت داخلی کشور و روحیه نیروهای داوطلب گفت:

«بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسد.»

مهندس موسوی، نخست وزیر وقت نیز در هیات دولت گفت:

« جبهه ها امروز فضای غیر قابل وصفی دارد. حماسه آفرینی و دفاع و مقاومت [شما] است که برای دشمن شکست و نابودی را در پی خواهد داشت.»

در این مرحله، در پی فرمان حضرت امام(س) مبنی بر حضور هر چه بیشتر در جبهه ها، ۱۳۰ هزار بسیجی عازم جبهه های جنگ شدند. استقبال مردم به قدری گسترده بود که پذیرایی و سازماندهی نیروهای داوطلب برای مسوولان بسیاری از پادگان های نظامی، مشکل آفرین شده بود. به گفته یکی از فرماندهان، در یک پادگان نظامی در محور میانی که حداکثر گنجایش ۱۰ هزار نیرو را داشت، ۱۶ هزار تن در آن جای گرفته بودند و قرار بود ۴۰۰۰ تن دیگر به آنان افزود شوند. کمبود امکانات باعث شد، برخی از نیروها در فضای باز، شب را به صبح رسانند. به همین دلیل، معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا با درخواست از نیروهای داوطلب برای خود داری از عزیمت انفرادی و مراجعه به مراکز رسمی، تأکید کرد که داوطلبان باتوجه به ظرفیت نیروهای رزمی و پشتیبانی یگان ها، در اولویت اعزام نیروهای رزمی ثبت نام کنند.

در این مرحله، بسیاری از نیروهایی که تنها در آغاز جنگ عازم جبهه های نبردها یا بنا به دلایلی، تاکنون در صحنه جنگ حضور نیافته بودند، به علت وضعیت سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ، برای اعزام و حضور در جبهه ها ثبت نام می کردند. در این حال، حضور رئیس جمهوری وقت و رئیس شورای عالی دفاع آیت ا

الله خامنه ای در جبهه های نبرد برای تبیین تحولات جنگ برای رزمندگان و بررسی مشکلات آنان، نقش مؤثری داشت.

نادیده انگاشتن خواسته های برحق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و دریافت غرامت از آن، موجب تداوم جنگ شده بود و تبلیغات گسترده و هماهنگ مخالفان جمهوری اسلامی، مشروعیت مقاومت و پایداری مردم ایران را در معرض شک و تردید برخی از جهانیان قرار داده بود. ولی واکنش اخیر عراق و منافقین، صلح طلبی دروغین صدام و حقانیت مقاومت ایران را برای دنیا آشکار کرد. آیت الله خامنه ای طی سخنرانی خود در اهواز، در این باره فرمودند:

« ما روز اول می گفتیم عراق جنگ افروز است. بعضی ها این را قبول می کردند و بعضی ها نمی خواستند قبول کنند؛ اما امروز حرف ما ثابت شده است.»

فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) نیز در این زمینه گفت:

«تا به حال مظلومانه دفاع می کردیم؛ اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی خواهیم. هیچ کس توجهی نمی کرد که ملت ما می گوید، تا پیروزی می جنگیم، یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان ونه در گرفتن زمین دیگران. ما الآن مواضع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام، متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است.»

رسانه های خارجی و تحلیل گران غربی نیز تغییر اوضاع داخلی و افکار عمومی در ایران را مورد تأکید قرار دادند و رادیو لندن در این باره گفت:

(تهاجم تازه عراق پس از پذیرش آتش بس از سوی ایران، موضع دولت اسلامی را در برابر افکار عمومی تقویت کرده است. در ایران، بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران، زنده شده است. ... موج تازه هجوم های عراق، ماشین جنگی را توان تازه ای بخشیده است و فعالیت های بسیج، مردم را برای جنگ احیا کرده است.)

« هانس هایتوکویتس ” تحلیل گر انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن، با تغییر روند تبلیغات در رسانه های غربی تأکید کرد:

«ایرانیان در مطبوعات غربی، پیروزی تبلیغاتی قابل ملاحظه ای به دست آورده اند... و مطبوعات غربی بر ضد عراق چرخش کرده اند.»

بعدها یکی از نظامیان ارتش عراق طی تحلیل در روزنامه “السفیر” در مورد نتایج استراتژیک عراق نوشت: «هنگامی که نیروهای ایرانی با آتش بس موافقت کردند، رهبری عراق ابتکار عمل را در دست داشت و در یک “اشتباه استراتژیک” بزرگ افتاد و شدیداً به ایران حمله کرد؛ به خصوص در منطقه خوزستان، به نزدیکی های اهواز که رسید، ناگهان تغییری در

ایران مشاهده شد و ایرانی که از کمبود نیروهای داوطلب رنج می برد، ناگهان حرکت خروشان ملی را که دید شور و شوقی در محافل مردمی ایران ایجاد کرد.»

در حالی که ایران بر اثر وضعیتش در صحنه نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، با پرسش ها و دشواری های بسیار پیچیده ای روبه رو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران، پیامدهایی را به همراه داشت که وضعیت داخلی ایران و سپس صحنه نظامی را تحت تأثیر قرار داد، بر انسجام درونی ایران افزود، ماهیت تجاوزکارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت ایران در برابر این کشور را در دوران جنگ آشکار ساخت، زمینه تحمیل قطعنامه ۵۹۸ را به رژیم عراق که برای پذیرش آن پیش شرط هایی گذاشته بود، فراهم کرد و همچنین مقدمه ای برای برقراری آتش بس به وسیله سازمان ملل در مرزها شد. این وضعیت باعث شد تا ایران بر مواضع سیاسی خود در قبال مذاکرات صلح تأکید کند؛ مبنی بر این که پیش از برقراری آتش بس نیز، هیچ شرط یا شروطی را که عراق همچنان بر آنها تأکید می کرد، نمی پذیرد و پس از برقراری آتش بس، هیچ مذاکره ای بر سر مرزهای شناخته شده بین المللی با عراق، انجام نخواهد داد.

نگاهی به کمکهای سایر کشورها به عراق

واگذاری تجهیزات به عراق

واگذاری تجهیزات به عراق، به نحوی چشمگیر و بی سابقه افزایش یافت. بنابه نظر آنتونی کردزن، در طول جنگ جمعا ۵۰ میلیارد دلار تسلیحات ضروری جنگی به عراق تحویل شد (کنفرانس خلیج فارس، بررسی منافع و راه های موجود آمریکا ۱۳۶۹/۶/۲۱، واشنگتن). فرانسه در کمتر از ۲ سال، تسلیحاتی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق ارسال داشت. چین، انگلستان، آلمان، برزیل، مصر، کلمبیا، اسپانیا، آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر، به میزان بسیار زیادی تسلیحات شیمیایی با فناوری پیشرفته در اختیار عراق قرار دادند. پس از تشدید درگیری میان عراق و کویت، عراقی ها مدعی شدند که جنگ را به تنهایی انجام دادند. ابوغزاله معاون سابق رئیس جمهوری و وزیر دفاع مصر در گفتگو با رادیو کویت اعلام کرد: همه می دانند که تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کرده اند و ادعای عراق در مورد این که جنگ را به تنهایی شروع کرد، یک دروغ بزرگ است و دولت های عرب در طول جنگ، کمک های فراوانی به عراق کردند (روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۷).

شوروی در بین سال های ۸۸-۱۹۸۶ (۶۷-۱۳۶۵) سلاح هایی به ارزش تقریبی ۸/۸ تا ۹/۲ میلیارد دلار شامل ۲۰۰۰ تانک (از جمله ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۰۰ هواپیمای جنگنده، حدود ۳۰۰ موشک زمین به زمین از نوع اسکاد بی و هزاران قطعات توپخانه سنگین و نفربر های مسلح به عراق تحویل دادند (محی الدین مصباحی، اتحاد جماهیر شوروی و جنگ ایران و عراق از برژنف تا گورباچف، مجله سیاسی دفاعی، ویژه نامه جنگ، تابستان و پائیز ۱۳۷۵). طه یاسین رمضان به خبرگزاری مصر گفت:

«شوروی ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۶۶/۴/۱۴، خبرگزاری فرانسه، ۶۶/۴/۱۳)

محدود بودن جنگ به مرزهای دو کشور ایران و عراق مداخله جویی و جدی امریکا و شوروی، وضعیتی را برای ایران به وجود آورد که در این جا به عنوان خلأ استراتژیک از آن یاد می شود. عراق با گسترش دامنه جنگ با هدف بین المللی کردن آن، به تدریج اوضاع را برای ایران دشوار کرد و از سال ۱۳۶۶ امریکا و شوروی، ایران را عملاً تحت فشار قرار دادند.

منافقین در همین روند در بهار ۱۳۶۷ یک گزارش اطلاعاتی، همراه با یک جمع بندی برای استخبارات عراق تهیه کردند. در این گزارش تأکید شده بود که ارتش ایران توان آفندی ندارد و به همین دلیل، در مواضع پدافندی استقرار یافته است. همچنین ارتش عراق تشویق شده بود که به مواضع دفاعی این نیروها حمله کند. (اظهارات یکی از اعضای منافقین است که در یکی از عملیات ها به اسارت در آمد.)

کیانوری، دبیر کل حزب منحل توده، در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۷۱/۱۱/۶) گفت: «وزیر خارجه شوروی به آقای ولایتی گفته است شما به محض این که حمایت از افغان ها را قطع کنید، ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می کنیم.»

این درحالی است که عراق در همین سال، بیش از ۱۵ میلیارد دلار (۷۵ برابر ایران) سلاح و تجهیزات دریافت کرد.

چنان که سردار رضایی می گوید: «در جلسه ای در دی ماه ۱۳۶۶ گفته ایم اگر در اسفند ماه در جنوب حمله نکنیم، دشمن به جنوب حمله می کند (ولی راهکارهای جنوب بسته است). دشمن می داند ما در جنوب ابتکار عمل نداریم. اگر در شمال سلیمانیه عمل نشود، تا پایان بهار وضع خوبی نخواهیم داشت. من تأکید داشتم زمستان باید در غرب کار کنم. فرماندهان عملیاتی می گفتند در جنوب نمی توانیم عملیات انجام دهیم (و باید) تا فصل بهار (صبر کنیم شاید راهکاری باز شود).» [دانشکده دافوس سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ) ۷۴/۱۱/۱۹]

«طه یاسین»، رمضان بانهید ایران مبنی بر این که استراتژی عراق نابود کردن تمامی تاسیسات نفتی ایران است، نشان داد عراقی ها در اندیشه تداوم تهاجم به ایران هستند.

«برنارد نیوز» در نیویورک تایمز معتقد است، تحلیل گران پنتاگون به وجود تحولات عمده ای در ارتش عراق پی بردند و به تجدید نظر در تفکر خود پرداختند.

(نشریه هفتگی ایران تایمز، ۱۳۷۶/۲/۹)

ایران ۱۵۰ تا ۲۰۰ فروند هواپیما بیشتر نداشت

ارتش عراق ۴۵۰ فروند هلی کوپتر در اختیار داشت.

تلاش عراق برای گسترش دامنه جنگ و بین المللی کردن آن، به منزله سازماندهی فشار بیرونی بر ایران بود و حمله به مردم بی دفاع و غیر نظامی در واقع فشار روانی به مردم بود. اما آنچه که عراقی ها به آن نیاز داشتند و لازمه تغییر در روند جنگ ارزیابی شد، ضربات پی در پی بر سازمان نظامی ایران بود که با آغاز حملات عراق در روزها پایانی فروردین سال ۱۳۶۷ آغاز شد و به مدت ۴ ماه ادامه یافت.

صدام در روزهای آغاز فروردین ماه سال ۱۳۶۷ گفت:

« بغداد به این نتیجه رسیده است که جنگ را با استفاده از کلیه سلاح های ممکن، تا وادار ساختن ایران به قبول آتش بس ادامه دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، « گزارشهای ویژه »، ۱۳۶۷/۱/۷، نیکوزیا، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۱/۶)

در سال ۱۳۶۵ که سال تعیین سرنوشت جنگ نامیده شد ۳۰۰ گردان نیرو جذب شد و عملیات کربلای ۴ و ۵ انجام گرفت ولی جذب نیرو در سال ۱۳۶۶ متوقف شد، ضمن اینکه تمام توجه ایران در درگیری با آمریکا در خلیج فارس متمرکز شده بود.

برابر گزارش نشریه «لوس آنجلس تایمز» امریکایی ها در تعیین استراتژی عراق برای باز پس گیری فاو و ارائه تاکتیک های نظامی، با ماکت سازی شبیه فاو مشارکت داشته اند.

(محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، زمستان، ۱۳۷۰، ص ۶۰)

فرمانده اسبق سپاه گارد عراق می گوید:

- «پس از تصرف فاو به وسیله ایرانی ها، صدام حسین بارها فرماندهان نظامی را فرا خوانده و در اجلاس های متعدد بر ضرورت آزاد سازی شهر فاو تأکید کرد. سرانجام، پس از یک سلسله بحث های متعدد، کلیه طرح های لازم برای حمله به فاو آماده شد. در طول دو سال گذشته، ما به طور مستمر اطلاعات لازم را از نحوه آرایش نیروهای ایرانی مستقر در شهر فاو دریافت می کردیم و در عین حال، نیروهای رزمی و تخصصی خود را برای انجام عملیات بزرگ آزاد سازی شهر فاو انتخاب کرده بودیم. وسایل مورد نیاز و امکانات لجستیکی و پشتیبانی، در طول این دو سال فراهم شد و در چند نوبت نیروهای شرکت کننده، مانور لازم را انجام دادند.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، « گزارش های ویژه، » ۱۳۶۷/۲/۲۷، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی)

منطقه عملیاتی فاو پس از تصرف به دست جمهوری اسلامی ایران، در حالت پدافند، تحت اداره و نظارت قرارگاه سیدالشهدا(علیه السلام) قرار گرفت.

دشمن در حملات شیمیایی به توپخانه خودی، از گاز سیانور استفاده کرد.

برابر گزارش های موجود مناقین مشارکت داشتند.

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق

صدام در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس جمهوری ایران که در ۱۳۶۹/۵/۲۳ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) نوشته شد، رسماً پیشنهاد آقای هاشمی را مبنی بر لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، پذیرفت. وی علت این اقدام را در مقدمه نامه خود در چهار بند تنظیم شده است، چنین ذکر می کند:

«به خاطر آن که هیچ یک از توانایی های عراق در خارج از میدان نبرد بزرگ بلااستفاده باقی نماند و به جهت بسیج این توانایی ها در جهت اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافتمند بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارند و برای جلوگیری از تداخل سنگرها و دور ساختن گمان ها و تردیدها، تا آن که خیراندیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم.»

در بند یک نامه، لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده و در بند سوم آن آمده است:

«ما عقب نشینی خود را از روز جمعه، ۱۷ اوت ۱۹۹۰ (۱۳۶۹/۵/۲۶) آغاز می کنیم.»

در بند چهارم نیز اعلام شده است:

«ما به عنوان آغازگر آزادی اسرا، روز جمعه ۱۷ اوت اقدام خواهیم کرد.»

در آخرین بخش نامه نیز رئیس جمهور عراق (صدام) ضمن پذیرش خواسته های ایران، اظهار کرد:

«با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب، همه آنچه را که می خواستید و بر آن تکیه می کردید، تحقق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی ماند.»

در چند خط آخر نامه، به صورت تلویحی به این موضوع اشاره کرد که عراق انتظار دارد ایران در این بحران، در کنار عراق قرار گیرد و در ادامه نوشت:

«به این وسیله، کسانی که سعی می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن، خلیج فارس به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند، مبدل شود. مضافاً آن که، همکاری مزبور می تواند شامل جنبه های دیگر زندگی شود.»

عراق در شرایطی به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تن داد و از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی کرد که به یک اعتبار، به دلیل مقاومت مردم ایران، چاره ای جز این نداشت و به اعتبار دیگر، با اشغال کویت، موقعیت ممتازی کسب کرده بود که نیازی به پافشاری بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نداشت. در هر حال، به نظر می رسد این اقدام عراق، بر اساس چند دلیل صورت گرفته باشد که از آن جمله است:

۱- اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ که عمدتاً به منظور راهیابی عراق به شمال خلیج فارس بود، با تصرف کویت کاهش یافت و در ضمن پیروزی به دست آمده نیز پیامدهای ناشی از پذیرش قراردادی را که به علت آن عراق جنگ را شروع کرده بود، تحت شعاع قرار می گرفت.

۲- جلوگیری از بهره مندی احتمالی امریکا از ایران علیه عراق، به خاطر شرایط نه جنگ نه صلح و خصومت های دیرینه بین ایران و عراق.

۳- عدم تجزیه توان عراق در صورت تداوم و شدت درگیری نظامی در کویت؛ چرا که عراق بیش از ۳۰ لشکر در مرز ایران داشت که با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توانست آنها را به کویت و به مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کند.

۴- تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران، به لحاظ موضع ضد امریکایی این کشور و اشتراک موضع در مساله نفت و کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی یا درگیری نظامی.

در واقع، بین پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، با موقعیت آینده عراق در کویت - به عنوان مهمترین عامل - ارتباط تنگاتنگی وجود داشت که حتی عراقی ها و برخی تحلیل گران و ناظران امور سیاسی بر آن تأکید داشتند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تجاوزکارانه حمله عراق به کویت و پیامدهای احتمالی آن برای منطقه و منافع ایران، چند راه کلی فرا روی خود داشت که برای دو طرف جنگ و حامیان و متحدان آنها حائز اهمیت بود. متحدین به رهبری امریکا، در وهله نخست، با هدف اراده و مهار دامنه بحران، مایل بودند ایران نیز در جبهه آنان قرار گیرد، تا در کنار سوریه، ترکیه و عربستان سعودی، محاصره عراق تکمیل شود. این اقدام، بدترین وضعیت را برای عراق به وجود می آورد؛ زیرا به جز برقراری آتش بس شکننده میان ایران و عراق که امکان از سرگیری مجدد درگیری نیز وجود داشت، هیچ گونه

قراردادی برای برقراری صلح و حل و فصل اختلافات امضا نشده بود. لذا این وضعیت می توانست با گشایش جبهه جدید برای عراق، قوای نظامی این کشور را تجزیه کند. روزنامه نیویورک تایمز که بیشتر موضع وزارت خارجه امریکا را بیان می کند، با توجه به تحولات جدید، در مورد موضع گیری ایران و انتخاب های احتمالی این کشور نوشت:

«تهران با یکی از اساسی ترین پرسش هایی که در برابر انقلاب اسلامی اش قرار گرفته، روبه رو شده است و آن این که از این موضع جدید قدرت، برای تضعیف عراق استفاده کند یا آن که با پیوستن به عراق، در بیرون راندن ایالات متحده، یعنی دشمن مشترک دو کشور از منطقه بکوشد.»

مقابلاً وضعیت مطلوب برای عراق این بود که جمهوری اسلامی در کنار عراق با گشایش جبهه جدید در برابر امریکا، دامنه بحران را وسعت بخشد و تا آن سوی تنگه هرمز و تا دریای عمان گسترش دهد. عراقی ها از ایران همین انتظار را داشتند و طارق عزیز طی اظهارات خود، ابراز تمایل کرد، ایران برای رویارویی با تجاوز امریکا علیه عراق، با این کشور همکاری کرده و با حضور بیگانگان در خلیج فارس مخالفت کند. وزیر خارجه عراق طی سفر به تهران، در مذاکرات خود با مقامات ایرانی، این درخواست را به گونه ای دیگر همراه با تقاضای کمک برای شکستن محاصره اقتصادی عراق عنوان کرد. در این راستا، سفیر عراق در سازمان ملل، توافق اخیر ایران و عراق را به مراتب مهمتر از تحولات خلیج فارس و تأثیرگذار بر کل منطقه دانست و گفت:

«ما خواستار دخالت ایران در زمینه امنیت خلیج فارس هستیم و برای آن که آنها بیش از این خود را در انزوا احساس نکنند، از نقش سازنده ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه استقبال می کنیم.»

در همین چهارچوب، سعدون حمادی در سفر به تهران در دی ماه ۱۳۶۹ این خواسته ها را اعلام کرد. وی در یکی از این مذاکرات، با اشاره به انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این کشور علیه استعمار، به ویژه امریکا و اسرائیل، گفت:

«الان این شعارها در منطقه مطرح هستند.»

وی که به «همپایی و تشریک مساعی» مایل بود، گفت:

«اگر از من سوالی کنید که نظر ما (عراق) چیست؟ با کمال صراحت می گوئیم، اگر به جای شما (ایران) بودیم، علیه ایالات متحده وارد عمل می شدیم.»

وی در ادامه اظهار کرد:

«از گذشته، امریکا هم از ما و هم از شما، به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیسم حمایت می کرد؛ این وضعیت از بین رفته و امریکا در آینده، نه از ما و نه از شما برای دفع کمونیسم، حمایت نخواهد کرد و اگر خدای ناکرده ایالات متحده در منطقه پیروز شود، حتی یک رژیم ملی در منطقه باقی نخواهد ماند.»

پس از سخنان سعدون حمادی، آقای رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران در سازمان ملل، با بیان مطالبی که پاسخ نسبتاً جامع، همراه با ظرافت های دیپلماتیک بود، گفت:

«اگر به جای ما بودید، کاری را می کردید که الان از ما می خواهید؟ من فکر می کنم شعار مبارزه با امریکا، یکی از شعارهای اساسی انقلاب ما بوده است. به هر حال، فرصتی که شما بتوانید با ما همکاری کنید، بوده است و لذا آن را نمی خواهیم زیاد تجزیه و تحلیل کنیم. اجمالا عرض کنم، روزگاری شما در این فرصت بودید که کاری بکنید که الان از ما می خواهید.»

جمهوری اسلامی ایران نظر به دشواری و نتیجه گیری های موجود، راه حل دیگری را برگزید و با محکومیت اشغال کویت و حمایت از قطعنامه سازمان ملل در این باره و رعایت تحریم عراق، و همچنین اعلام مخالفت با تغییر جغرافیای منطقه، مواضع خود را با عنوان «منافع ملی» برای افکار عمومی جامعه ایران که دلیل روحیه ضد امریکایی، تمایل به همسویی با عراق علیه امریکا داشتند - توضیح داد.

در چنین شرایطی، همان گونه که منطبق تحولات جدید، پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صلح با ایران را به عراق تحمیل کرد، همین منطق ایجاب می کرد، جمهوری اسلامی ایران با اغتنام فرصت، به تحکیم صلح با عراق و قطعی کردن آن با مبادله اسناد مبادرت کند. بدیهی است، به همان میزان که اشغال کویت برای منافع ایران زیان آور بود، پیروزی امریکا بر عراق نیز همین نتایج را با ابعاد گسترده تر و عمیق تری در بر داشت. بنابراین، تداوم مناقشه امریکا و عراق، می توانست نقش بی بدیل و تعیین کننده ایران را برای ایجاد موازنه و تأمین ثبات در منطقه برای کشورهای منطقه و خارج از منطقه، بیش از گذشته روشن و اثبات کند.

بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری

در پی ارسال نامه صدام در ۱۳۶۹/۵/۲۳ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) مبنی بر پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، سه روز بعد در ۱۳۶۹/۵/۲۶ (۱۷ اوت ۱۹۹۰) و همزمان با عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق اشغالی، آزادی اسرا آغاز شد. آقای هاشمی یک روز پس از آن (۱۳۶۹/۵/۲۷)، در پاسخ به آخرین نامه صدام نوشت:

«شروع عقب نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می آوریم و خوشبختانه موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید.»

در پایان نامه، ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش نمایندگان عراق در تهران و با عبارت «والسلام علیکم» برقراری صلح میان دو کشور اعلام شد.

نظر به نگرانی هایی که همچنان نسبت به رفتار عراق وجود داشت، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، همزمان با آغاز عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی، طی نامه ای به دبیر کل با هدف «ثبات و ضبط تحولات جدید» این موضوع را به آگاهی وی رساند. در پی آزادی نخستین گروه ۱۰۰۰ نفری اسرای ثبت نام شده ایرانی از مرز خسروی، به لحاظ وضعیت بحرانی منطقه، تلاش شد تبادل روزانه اسرا تا حد ممکن افزایش یابد، که در پی این هماهنگی و توافق دو طرف، سقف تبادل اسرا به ۳۰۰۰ نفر در روز رسید.

همزمان، عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی به مرزهای زمینی شناخته شده بین المللی که بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ مشخص بود، در مدت پنج روز از ۱۷ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۰ (۲۶ تا ۱۳۶۹/۵/۳۰) انجام گرفت و تکمیل شد و این در حالی بود که گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد میان ایران و عراق (یونیمگ) بر این عقب نشینی نظارت می کرد.

متعاقب این تحولات، طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در رأس هیاتی در ۱۳۶۹/۶/۱۸ به تهران آمد و در ۱۳۶۹/۸/۲۳ نیز، وزیر خارجه ایران (علی اکبر ولایتی) عازم عراق شد. در این میان، سفرهای دیگری نیز انجام شد که تمامی آنها، دلالت بر بهبود مناسبات ایران و عراق و خارج شدن از وضعیت نه جنگ، نه صلح داشتند. پیدایش این وضعیت، بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت.

دبیرکل سازمان ملل که در جریان تمام مراحل تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیر ماه ۱۳۶۶ و موافقت ایران با آن در تیر ماه ۱۳۶۹ قرار داشت و از پیچیدگی و دشواری های ۲ سال مذاکره میان ایران و عراق در وضعیت شکننده، نه جنگ، نه صلح کاملاً آگاه بود، پس از اقدام عراق گفت:

«تصمیم عراق، کاری را که من برای ۲ سال قادر به دستیابی به آن و اجرای قطعنامه ۵۹۸ نشدم، عملی ساخت.»

واکنش امریکایی ها که در مساله اشغال کویت با عراق درگیر بودند، با توجه به این که حرکت های جدید عراق در خصوص ایران، ارتباط عمیقی با اشغال کویت داشت، قابل ملاحظه بود. بوش، رئیس جمهور وقت امریکا طی سخنانی گفت:

«موافقت عراق با تمام شرایط ایران، برای من تعجب آور است. پیش بینی این توافق بر وضعیت منطقه، در شرایط فعلی برایم ممکن نیست.»

سخنگوی وزارت خارجه امریکا نیز اظهار امیدواری کرد، این اقدام عراق، یک بازی تبلیغاتی دیگر نباشد. رادیو امریکا طی گفتاری با عنوان «نظرات رسمی دولت امریکا در مورد انجام این اقدام» گفت:

«صدام حسین این امتیاز شگفت انگیز را در پاسخ به تقبیح شدید و همگانی جهانیان از تجاوز بی دلیل عراق علیه کویت داد.»

مواضع کویتی ها و همچنین مقامات و نشریات عربستان سعودی، به دلیل آن که در وضعیت جدید، به صورت مستقیم با عراق درگیر بودند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. «شاهزاده بندر» سفیر عربستان در امریکا، در یک نشست مطبوعاتی با اشاره به دوران جنگ ایران و عراق و درخواست مکرر عراق از عربستان برای آن که این کشور از امریکا و سایر قدرت های غربی بخواهد که عراق را یاری کنند، شعارهای ضد امریکایی اخیر عراق را به باد تمسخر گرفت و گفت:

«واقعیت امر این است که ما نبودیم، عراق نمی توانست از نیروهای امریکایی یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره مند شود.»

وزیر کشور عربستان سعودی، «نایف عبدالعزيز» نیز ضمن توضیح مواضع پیشین کشور خود، گفت:

«ما فرصت نداشتیم که به ایران بگوییم، حد و مرز خود را بشناسد؛ ولی عراق این امکان را داشت که از مقاصد ایران جلوگیری کند.»

وی سپس افزود:

«به نظر ما آنچه که ایران خواسته بود، تحقق یافت.»

اظهارات مقامات کویتی در مقایسه با مقامات سعودی، از ندامت شرمساری بیشتری برخوردار بود. آنها نیز برای نفی بهانه های صدام مبنی بر نقش کویت در توطئه علیه عراق برای کاهش قیمت نفت و فشار برای دریافت بدهی های عراق، مسائلی را مطرح کردند؛ از جمله: «تولید بیش از نیاز به منظور تأمین اقتصادی عراق»، «اقدام سعودی ها و کویت در فروش نفت برای عراق» و «کمک های نقدی کویت به عراق بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار که با احتساب سایر کمک ها این رقم از مرز ۳۰ میلیارد دلار هم می گذرد.»

بعدها، در سفر جابراالاحمد الصباح، وزیر خارجه کویت به ایران، وی در دیدار با رئیس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی، دستیابی ایران به حقوق حقه خود و بازپس گرفتن سرزمین هایش بر اساس عهدنامه مشروع و ثابت ۱۹۷۵ میلادی الجزایر، و همچنین آزادی اسرای ایرانی را صمیمانه تبریک گفت. وزیر کار و امور اجتماعی کویت نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت:

«صدام از جمهوری اسلامی ایران شکست خورد و برای توجیه مردمش، کویت را اشغال کرد تا شکست خود را جبران کند.» در این حال، «عبدالله بشاره»، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس نیز موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را شکست بزرگ سیاسی، روحی و فرهنگی برای این کشور خواند.

هدف عراق از پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مورد توجه برخی رسانه ها قرار گرفت. در این میان، تحلیل های مختلفی از جمله: «عقیم گذاشتن تلاش های تهران برای بهره برداری از بحران جاری» و در نتیجه «ختنی کردن ایران و آرامش در جبهه شرقی» و همچنین «ایجاد خط تأمین نیازهای عراق، به ویژه مواد غذایی» و احتمالاً در هم شکستن صفوف اعراب با جهان اسلام که علیه عراق متحد شده اند، به عنوان بخشی از اهداف و انگیزه های عراق ذکر شده است. توضیحات سفیر عراق در پاریس، علت تصمیم گیری عراق را تا اندازه ای روشن می کند. وی می گوید:

«عراق به عنوان یک دولت و یک حزب، به مسائل و موقعیت ها از دید استراتژیک و علمی نگاه می کند و این تصمیم، سلامت امنیت و آینده عراق را تضمین می کند و این، چیز مهمی است و این تصمیم با آینده عراق هماهنگی دارد.»

نتایج اقدام عراق مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق، حجم گسترده ای از تحلیل رسانه های خبری جهان را به خود اختصاص داد. «آنتونی پارسونز» سفیر سابق انگلیس در ایران، معتقد بود که صدام در تجاوز به ایران، به دلیل مقاومت ایران شکست خورد و هنگامی که متوجه شد نمی تواند بر ایران سلطه پیدا کند، از شرایط خود صرف نظر کرد. روزنامه «الیوم» چاپ عربستان نیز پیروزی ایران را آسان خواند و نوشت:

«ایران بدون آن که حتی یک گلوله شلیک کند، به تمام خواسته های خود دست یافت.»

یک کارشناس مسائل منطقه و ایران، از پیروزی ایران به عنوان یک «پیروزی اخلاقی» نام برد؛ زیرا عراق با این اقدام، در واقع مسوولیت شروع جنگ را پذیرفت و دنیا این مساله را قبول کرد. روزنامه «الاتحاد چاپ ابوظبی در این باره نوشت:

«با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی عراق، بزرگترین پیروزی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت و عراق تسلیم خواسته های ایران شد.»

رادیو مسکو نیز طی تحلیلی گفت:

«ایران پس از ۲ سال چانه زدن با عراق و خودداری از هرگونه عقب نشینی، بالاخره توانست به اهداف خود دست یابد.

بدیهی است که تأکید بر پیروزی ایران معنای شکست عراق را در درون خود جای داده است؛ ولی در عین حال، تأکید بر شکست بزرگ صدام، از جمله عبارتی بود که به چشم می خورد.

با توجه به آن که پیروزی ایران و شکست عراق، بر اثر موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، متأثر از اشغال کویت بود، به نظر می رسید، عراق شکست در این صحنه را با پیروزی در اشغال کویت معاوضه کرده است و از آن پس، مواضع سرسختانه تری اتخاذ خواهد کرد و این احتمال که عراق برای خروج نیروهای نظامی خود از کویت مصالحه کند، وجود نداشت.

ماحصل صدام :

قادسیه شوم صدام، پس از ۸ سال جنایتکاری دشمن به پایان رسید. صدام در پایان این ماجراجویی، چه چیزی به دست آورد و به کدام یک از اهداف خود نائل شد؟

پاسخ های متفاوتی به این پرسش داده شده است؛ یکی از این پاسخ ها را، سرلشکر و فیک السامرای، مسوول دایره اطلاعات ارتش عراق - بخش ایران - در خاطرات خود بیان کرده است؛ گر چه جمع بندی السامرای کامل و دقیق نیست و هنگامی ارائه شده است که صدام هنوز بر اریکه قدرت تکیه زده بود، اما یک بار خواندن آن، خالی از فایده نخواهد بود.

جنگ عراق و ایران، اگر زد و خوردها و درگیری های شدید مرزی را نیز به آن بیفزاییم، بیش از ۸ سال به درازا کشید. براساس تاریخ رسمی که از سوی مراجع بین المللی نیز پذیرفته شده است، می توان گفت که جنگ از ساعت ۱۲ ظهر روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ تا ساعت ۲۴ روز ۱۹۸۸/۸/۷ بدون وقفه ادامه داشت.

با پایان جنگ، صدام پشت تریبون میدان پیروزی بغداد ایستاد و در حالی که عبای مشکی رنگ تابستانی و لباس سنتی عربی بر تن داشت، در جشن های بزرگی که در حوالی کاخ ریاست جمهوری آغاز شده بود و در جمع هزاران نفر از مردمی که به همین مناسبت گرد هم آمده بودند، با فریبکاری تمام شرکت کرد؛ گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است. گویی که یک میلیون قربانی (کشته، زخمی و معلول) بر جای نمانده، گویی که ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی بر جای نمانده و گویی که ۳۰۷ میلیارد دلار ذخایر ارزی که پیش از جنگ در اختیار داشت، از بین نرفته است. گویی که ۵۰ میلیارد دلار موادی که به صورتهای مختلف وجود داشت و در طول جنگ به هدر رفت، وجود نداشت و گویی که ده ها میلیارد دلار، به دنبال متوقف شدن صادرات نفتی ضرر نکرده ایم. گویی که کینه ورزی هایی که در اثر مرور زمان از بین رفته بود، بار دیگر خود را نمایان نساخته است و انگار که ۶۰ هزار نفر اسیر نشده اند و مبانجامه متزلزل نشده است. گویی که نه بیوه ای در کشور هست و نه یتیمی و نه عقب ماندگی عمومی. اینها واقعیت هایی است که صدام از آنها به خوبی آگاه است.

افراد ساده لوحی که در این میدان حضور به هم رسانیده و برای این رهبر فریاد سر می دادند، اطلاعی از آمارهای مربوط به فجایعی که به بار آمده، نداشتند. دیوار آهنین دورتادور آنها را فراگرفته و نمی دانند که چگونه از قطار حرکت جهانی عقب

مانده اند؛ استفاده از آنتن های ماهواره ای شبکه های تلویزیونی ممنوع است ، سفر به خارج بسیار کم صورت می گیرد و ارسال پارازیت بر روی بسیاری از شبکه های رادیویی ، به صورت همیشگی و مستمر ادامه دارد. برای این مردم ، مقدر شده نه چیزی ببینند و نه چیزی بشنوند. اتومبیلی که یک عراقی سوار می شود، باید هدیه ای از سوی صدام باشد، خانه آنها نیز هدیه صدام باشد و حتی لباس هایشان نیز از سوی صدام اهدا گردد.

هرچند که مردم ساده لوح اطلاعات کمی داشتند، ولی با فریادها و رقصیدنشان (در جشن پایان جنگ) تمایل صمیمانه و انسانی خود را برای توقف خونریزی و نابود شدن تأسیسات حیاتی کشور اعلام داشتند.

سخن پایانی :

آنچه که از مرور این رویدادها نتیجه می گیریم تاریخ است که ثبت شده است و خاطراتی است که بر جبین تاریخ این مرز و بوم نقش بسته است و اینک به نگاهی به گذشته در می یابیم جنگ از هر منظری که نگاه شود دو جنبه دارد جنبه ای ظاهری و خشن و نامطلوب و جنبه ای معنوی ،جنگ هر چه بود تمام شد و اینکه اجتناب پذیر بود یا نه بحث جدای است . ولی آنچه که در تاریخ ثبت شده رشادت مردان و زنانی است ،ایرانی ، ساده و بی تکلف که صادقانه در جنگی نابرابر با کلیه قدرتهای جهانی متخاصم دسته و پنجه نرم کردند ، و بعد از سالیان دراز که بعد از هر جنگی قسمتی و بخشی از ایران جدا می شد ، سربلندی عاید ایرانیان شد و وجبی از خاک ایران به کسی داده نشد . شاید این پیام مهم جنگ باشد یعنی پایان تظلم ایرانیان و شروعی تازه در عرصه جهانی ، در اوضاع و احوالی که همگی دنیا بر آشوب و هرج و مرج داخلی ایران صحنه گذاشته بودند و شروع جنگ عراق را پایانی برای ایران می دانستند ورقها برگشت و بار دیگر در تاریخ این ملت بزرگ با ایستادگی و فداکاری همه اقشارش بار دیگر قامت در تاریخ راست کرد و ایستاد . و جاودانه ماند ، این است تاریخ و این است ایستادگی و این است پیروزی عقیده و ایمان بر شمشیر عربان .

منابع استفاده شده در تدوین مطلب

از هزاران هزار نرم افزار سازمان بسیج دانش آوزی و فرهنگیان که خود از نابع ذیل استفاده کرده است :

ناگفته های جنگ

پایان جنگ

گذر از بحران ۶۷

آغاز تا پایان

پرسش های اساسی جنگ

ایلام در جنگ

کارنامه توصیفی عملیات های دفاع مقدس

تنییه متجاوز

مجلات پیام انقلاب

مجلات امید انقلاب

مجلات نگین ایران

مجموعه سی دی ها و سایت حماسه - مرکز نشر الکترونیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی